

# بسته جامع سردفتری

به همراه برنامه ریزی دقیق

درسنامه | تست | به همراه ۳۰ گام برنامه ریزی تخصصی

## بسته جامع آزمون سردفتری

۴  
جلد

۴ جلد درسنامه و تست حقوق مدنی

۴  
جلد

۴ جلد درسنامه و تست حقوق جزا

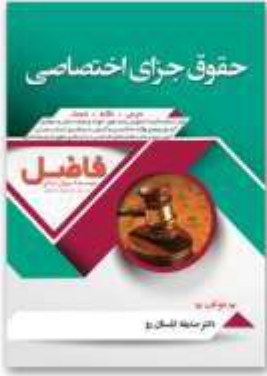
۳  
جلد

۳ جلد درسنامه و تست حقوق تجارت

۵  
جلد

۵ جلد درسنامه و تست فارسی/عربی/احکام/هوش/ثبت و قانون دفاتر و آیین نامه





جزای اختصاصی  
جلد ۱



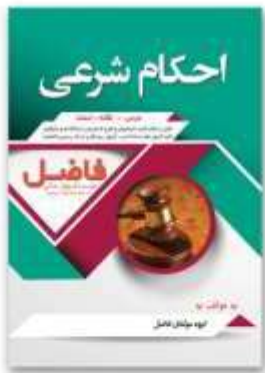
جزای عمومی  
جلد ۱



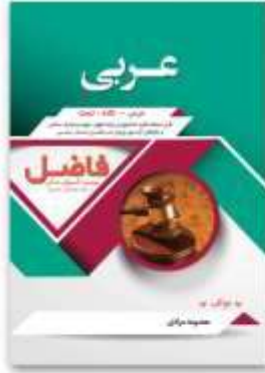
حقوق مدنی  
جلد ۲



حقوق مدنی  
جلد ۱



احکام شرعی  
جلد ۱



عربی  
جلد ۱



ادبیات پارسی  
جلد ۱



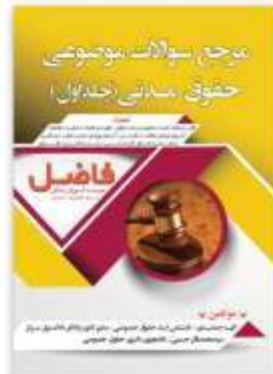
حقوق تجارت  
جلد ۱



تست حقوق جزا  
جلد ۱



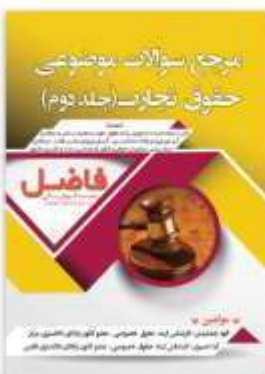
تست حقوق مدنی  
جلد ۲



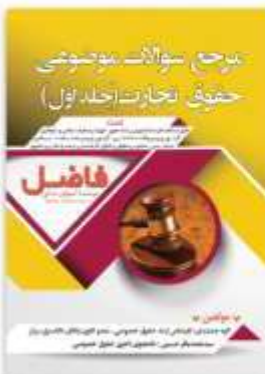
تست حقوق مدنی  
جلد ۱



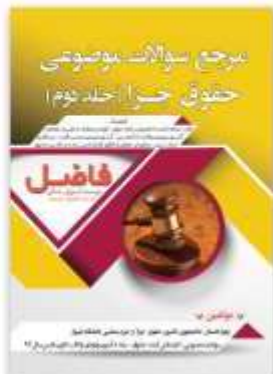
هوش و استعداد  
جلد ۱



تست حقوق تجارت  
جلد ۲



تست حقوق تجارت  
جلد ۱



تست حقوق جزا  
جلد ۲



حقوق ثبت  
جلد ۱



فهرست مطالب

۱.....	مقدمه قانون مدنی.....
۲.....	قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم.....
۶.....	جلد اول- در اموال.....
۶.....	کتاب اول: در بیان اموال و مالکیت به طور کلی.....
۱۰.....	در بیان انواع مال.....
۱۱.....	الف) تقسیم مال به عین و منفعت.....
۱۳.....	ب) تقسیم مال به مثلی و قیمی (ماده ۹۵۰ ق.م.).....
۱۳.....	ج) تقسیم مال به مصرف شدنی و مصرف نشدنی (قابل بقاء).....
۱۴.....	د) تقسیم مال به منقول و غیر منقول.....
۱۷.....	اموالی که مالک خاص ندارند.....
۱۸.....	انتقال ناپذیری اموال و حقوق مالی.....
۱۹.....	انتقال ناپذیری قراردادی.....
۲۰.....	علاقه ی اشخاص نسبت به اموال.....
۲۳.....	ماده ۳۵: اماره تصرف.....
۲۳.....	فروض مختلف در تعارض دلایل و دعاوی مالکیت.....
۲۶.....	حق انتفاع.....
۳۴.....	عقد وقف.....
۵۰.....	قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳.....
۵۹.....	حق ارتفاق.....
۶۷.....	قانون تملک آپارتمانها مصوب ۱۳۴۳/۱۲/۱۶ با اصلاحات و الحاقات.....
۷۵.....	در حریم املاک.....
۷۷.....	کتاب دوم- در اسباب تملک.....
۷۷.....	قسمت اول - در احیای اراضی موات و حیزات اشیای مباحه.....
۷۷.....	قانون زمین شهری.....
۸۹.....	قسمت دوم- در عقود و معاملات و الزامات.....
۸۹.....	باب اول- در عقود و تعهدات به طور کلی.....
۸۹.....	قواعد عمومی قراردادها.....
۸۹.....	تعهد و التزام.....
۹۲.....	در عقود و معاملات و التزامات.....
۹۲.....	اقسام قراردادها.....
۱۰۶.....	ماده ۱۹۰: شرایط اساسی صحت معاملات.....
۱۱۱.....	موانع آزادی قراردادی.....
۱۱۲.....	نکاتی در مورد ایقاعات.....
۱۱۳.....	وجود اراده.....
۱۱۴.....	ارکان توافق (ایجاب و قبول).....
۱۱۸.....	قراردادهای مکاتبه ای.....
۱۱۹.....	وعده ی قرارداد.....
۱۱۹.....	عیوب اراده در حقوق ایران.....
۱۲۰.....	۱- اشتباه.....
۱۲۶.....	۲- اکراه.....
۱۳۲.....	اهلیت.....



۱۳۸	.....	اختیار یا سمت: مسأله نمایندگی
۱۴۱	.....	مورد معامله و مورد تعهد
۱۴۸	.....	جهت معامله و جهت تعهد
۱۵۳	.....	«آثار عقد»
۱۵۳	.....	اثر عقد بین متعاملین
۱۵۳	.....	اصل لزوم یا اجباری بودن قرارداد
۱۵۵	.....	اصل صحت قراردادها م ۲۲۳
۱۵۸	.....	تعدیل نیروی الزام آور قرارداد
۱۶۱	.....	اثر عقد نسبت به اشخاص ثالث
۱۶۲	.....	اقسام قائم مقام
۱۶۲	.....	استثنائات اصل نسبی بودن قراردادها
۱۶۲	.....	مورد اول: تعهد به نفع شخص ثالث
۱۶۵	.....	مورد دوم: معامله فضولی
۱۷۵	.....	شروط ضمن عقد
۱۹۱	.....	جبران خسارات ناشی از عدم اجرای تعهد
۱۹۷	.....	قراردادهای راجع به مسئولیت
۱۹۹	.....	خسارت تنبیهی
۲۰۲	.....	در سقوط تعهدات
۲۰۲	.....	عامل اول از موارد سقوط تعهد: وفاء به عهد
۲۱۵	.....	عامل دوم از موارد سقوط تعهد: اقاله (مواد ۲۸۳ تا ۲۸۸)
۲۲۲	.....	عامل سوم از موارد سقوط تعهد: ابراء (ماده ۲۸۹ تا ۲۹۱)
۲۲۶	.....	عامل چهارم از موارد سقوط تعهد: تبدیل تعهد (مواد ۲۹۲ و ۲۹۳)
۲۲۹	.....	عامل پنجم از موارد سقوط تعهد: تهاتر (مواد ۲۹۴ تا ۲۹۹)
۲۳۳	.....	عامل ششم از موارد سقوط تعهد: مالکیت مافی الذمه (ماده ۳۰۰)
۲۳۷	.....	باب دوم- الزامات خارج از قرارداد
۲۳۸	.....	ایفای ناروا: مواد ۳۰۱ تا ۳۰۵ ق.م
۲۳۹	.....	اداره مال غیر
۲۴۲	.....	غصب
۲۵۵	.....	در اتلاف
۲۵۶	.....	در تسبیب
۲۵۸	.....	اجتماع سبب و مباشر
۲۶۰	.....	اجتماع عوامل متعدد در ورود خسارات
۲۶۳	.....	در اِستيفاء
۲۶۶	.....	قانون مسئولیت مدنی مصوب ۷ اردیبهشت ۱۳۳۹
۲۷۳	.....	قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵/۲/۲۰
۲۹۷	.....	مواد ۴۹۵ تا ۵۳۵ از قانون مجازات اسلامی در باب جنایات و ضمان
۳۰۵	.....	باب سوم- در عقود معینه مختلفه
۳۰۵	.....	عقد بیع
۳۳۶	.....	قانون پیش فروش ساختمان مصوب ۱۳۸۹
۳۴۴	.....	خيارات و احکام راجع به آن
۳۸۵	.....	عقد معاوضه
۳۸۶	.....	منابع



مقدمه قانون مدنی

**«در انتشار و آثار و اجرای قوانین به طور عموم»****ماده ۱: تصویب و امضای قانون و دستور ابلاغ آن**

مصوبات مجلس شورای اسلامی و نتیجه همه پرسی، پس از طی مراحل قانونی به رئیس جمهور ابلاغ می شود. رئیس جمهور باید ظرف مدت پنج روز آن را امضا و به مجریان ابلاغ نماید و دستور انتشار آن را صادر کند و روزنامه رسمی موظف است ظرف مدت ۷۲ ساعت پس از ابلاغ، منتشر نماید.

**تبصره -** در صورت استنکاف رئیس جمهور از امضا یا ابلاغ در مدت مذکور در این ماده به دستور رئیس مجلس شورای اسلامی، روزنامه رسمی موظف است، ظرف مدت ۷۲ ساعت مصوبه را چاپ و منتشر نماید.

**ماده ۲: زمان لازم الاجرا شدن قوانین**

قوانین ۱۵ روز پس از انتشار در سراسر کشور لازم الاجراء است مگر آن که در خود قانون، ترتیب خاصی برای موقع اجرا مقرر شده باشد. **نکته:** دقت شود بعد از انتشار قانون، اماره علم به حکم وجود دارد و مدعی جهل به حکم باید شرایط خاص و استثنایی عدم دسترسی به قانون و جهل خود را اثبات نماید. لذا جهل به قانون اصولاً رافع مسوولیت نیست مگر در موادی مانند ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۸۸۴، ۱۱۳۱، ۱۰۵۰ و ۱۰۵۱ که جهل به حکم رافع مسوولیت شناخته شده است.

در فرض اختلاف در علم یا جهل به موضوع، اصل بر عدم علم به موضوع است و مدعی جهل نیاز به اثبات جهل خود ندارد و مدعی علم باید علم طرف مقابل را به موضوع اثبات نماید.

**ماده ۳: محل انتشار قوانین**

انتشار قوانین باید در روزنامه رسمی به عمل آید.

**ماده ۴: عطف به ماسبق نشدن قوانین - فوری بودن اثر قانون**

اثر قانون نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ما قبل خود اثر ندارد مگر این که در خود قانون مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد.

**ماده ۵: صلاحیت سرزمینی**

کلیه سکنه ایران اعم از اتباع خارجه و داخله مطیع قوانین ایران خواهند بود مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد.

**ماده ۶: صلاحیت شخصی در خصوص اتباع ایران**

قوانین مربوط به احوال شخصیه از قبیل نکاح و طلاق و اهلیت اشخاص و ارث در مورد کلیه اتباع ایران ولو این که مقیم در خارجه باشند، مجری خواهد بود.

**ماده ۷: صلاحیت شخصی در خصوص اتباع خارجه**

اتباع خارجه مقیم در خاک ایران، از حیث مسائل مربوط به احوال شخصیه و اهلیت خود و همچنین از حیث حقوق ارثیه در حدود معاهدات، مطیع قوانین و مقررات دولت متبوع خود خواهند بود.

**قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه در محاکم**

مصوب ۱۳۱۲/۵/۱۰ شمسی (کمیسیون قوانین عدلیه)

ماده واحده - نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیر شیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده است، محاکم باید قواعد و عادات مسلمة متداوله در مذهب آنان را جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد، به طریق ذیل رعایت نمایند:

۱- در مسایل مربوط به نکاح و طلاق، عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهبی که شوهر پیرو آن است.

۲- در مسایل مربوط به ارث و وصیت، عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهب متوفی.

۳- در مسایل مربوط به فرزندخواندگی، عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهبی که پدرخوانده یا مادرخوانده پیرو آن است.

**نکته:** حکم ماده ۷ ق.م با ماده ۹۶۷ ق.م محدود شده است. البته می توان این استدلال را مطرح نمود که ماده ۷، به طور کلی در مورد احوال شخصیه سخن می گوید اما ماده ۹۶۷ ق.م تصریح نموده که مسائل احوال شخصیه فقط در مواردی (که به نظر امور ماهوی و نه شکلی است) تابع قانون متبوع شخص است. از این رو می توان حکم ماده ۷ را در امور ماهوی احوال شخصیه جاری دانست و نه امور شکلی مثلاً امور مربوط به اسناد (ماده ۹۶۹ ق.م). همچنین حکم ماده ۷ ق.م به وسیله مواد ۹۷۴ و ۹۷۵ ق.م محدود شده یعنی اجرای قانون خارجی برای اتباع خارجی در مورد احوال شخصیه منوط بر این است که مخالف با عهود بین المللی، قوانین مخصوصه، نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشد.



نکات ۱ تا ۸ زیر در زیرنویس این ماده در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان آمده است:  
**نکته ۱:** تنفیذ وصیت ایرانیان غیرشیعه تابع مقررات مذهبی خود آنان است، مگر اینکه مفاد آن برخلاف قواعد مربوط به نظم عمومی باشد. بنابراین، در مورد نفوذ وصایای شخص بدون وارث و میزان تصرف نافذ موصی، قانون مذهبی متوفی رعایت می شود: هیأت عمومی دیوان کشور، رأی وحدت رویه قضایی، ۲۳/۶۳ - ش ۳۷ - ۶۳/۹/۱۹: دادگستری جمهوری اسلامی، آراء وحدت رویه قضایی از ۶۳/۷/۱ تا ۶۳/۱۲/۳۰، ص ۳۶.

**نکته ۲:** اجرای قوانین خارجی مربوط به احوال شخصی بیگانگان در دادگاه ایران مشروط بر این است که قانون خارجی با نظم عمومی و اخلاق حسنه داخلی مخالف نباشد: ر.ک به ماده ۹۷۵ ق.م - ناصر کاتوزیان، مقدمه علم حقوق، چاپ نهم، ش ۱۶۹.

**نکته ۳:** «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت های دینی شناخته می شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می کنند.»: اصل ۱۳ ق.ا.

**نکته ۴:** «... مذاهب دیگر اسلامی، اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی، دارای احترام کامل می باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاه ها رسمیت دارند...»: اصل ۱۲ ق.ا.

**نکته ۵:** قواعد و عادات مذهبی مربوط به احوال شخصی ایرانیان غیر شیعه در حکم قانون خارجی است و اجرای آن در دادگاه منوط بر این است که با نظم عمومی و اخلاق حسنه مخالف نباشد.

**نکته ۶:** در طلاق و نکاح خارجیان مقیم ایران، هرگاه زن و شوهر دارای تابعیت های گوناگون باشند، قانون دولت متبوع شوهر حاکم است. (ماده ۹۶۳ ق.م): ناصر کاتوزیان، خانواده، ج، قرائت و تمرین (۷).

**نکته ۷:** بر طبق ظاهر ماده ۹۶۷ ق.م و مفاد ماده ۷، از نظر تعارض قوانین، وصیت عمل حقوقی مربوط به حقوق ارثی است: ناصر کاتوزیان، عقود معین، ج ۲، بخش ۲ (عطایا)، قرائت و تمرین (۳). ولی اقدام موصی له در پذیرفتن وصیت این وصف را ندارد و اهلیت او اگر قبول در ایران واقع شود، مطابق قوانین ایران پذیرفته می شود، هرچند که قانون دولت متبوع موصی له آن را نپذیرد. (ماده ۹۷۵ ق.م)

**نکته ۸:** اگر قانون خارجه ای که باید مطابق ماده ۷ رعایت گردد به قانون دیگری احاله داده باشد، محکمه مکلف به رعایت این احاله نیست، مگر این که احاله به قانون ایران شده باشد. (ماده ۹۷۳ ق.م)

**نکته ۹:** ماده ۷ ق.م و ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه، موجب تخصیص ماده ۵ قانون مدنی می باشد و استثناء بر آن است. مضافاً بر اینکه اگر بر اساس ماده ۷ نتوان اقدام نمود باید به عموم ماده ۵ ق.م تمسک شده و قوانین ایران را جاری نمود.

**نکته ۱۰:** شمول قانون ماده واحده اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه، مشروط بر این است که اولاً این افراد ایرانی باشند؛ ثانياً شیعه دوازده امامی نباشند ولی بر اساس اصول ۱۲ و ۱۳ ق.ا مذهب و دین آنها به رسمیت شناخته شده باشد و ثالثاً مسأله در خصوص احوال شخصیه باشد. حال اگر شرایط ماده واحده جمع نبود و همچنین اگر ماده ۷ ق.م - که استثناء بر ماده ۵ ق.م است - که به هر دلیل قابل اجرا نبود (قوانین مربوط به احوال شخصیه شخص خارجی، مخالف با نظم عمومی یا اخلاق حسنه یا عهد بین المللی یا قوانین مخصوصه باشد) حکم عام ماده ۵ ق.م - که بیانگر اصل درون مرزی یا سرزمینی بودن یا محلی بودن قوانین است - اجرا می شود.

### ماده ۸: حکومت قانون ایران بر اموال غیر منقول واقع در ایران

اموال غیر منقول که اتباع خارجه در ایران بر طبق عهد تملک کرده یا می کنند از هر جهت تابع قوانین ایران خواهد بود. نکات زیر از کتاب شرح جامع حقوق مدنی نوشته دکتر فرهاد بیات و شیرین بیات نقل می گردد:

۱- منظور از عبارت «از هر جهت» جهات مربوط به غیرمنقول بودن مال است. (مثل مالیات و تشریفات انتقال یا اداره ی آن) ولی آن چه

مربوط به احوال شخصیه مالک مال می باشد، تابع قانون خارجی است مثل وصیت و ارث (م ۹۶۷ ق.م) (الماسی ۹، ص ۳۸۶)

۲- تملک اموال غیرمنقول توسط بیگانگان با تحصیل اجازه و به شرط رفتار متقابل برای محل سکونت، صنعت و یا کسب، مجاز است. (آیین نامه استملاک اتباع خارجه، ۱۳۲۸/۵/۱۰)

۳- اتباع خارجی نمی توانند در ایران زمین «زراعتی» بخرند (قانون راجع به اموال غیرمنقول اتباع خارجی، ۱۳۱۰)

۴- محدودیت راجع به داراشدن اموال غیرمنقول برای بیگانگان ناظر به تملک از طریق معاملات است و تملک از طریق حقوق ارثیه (ارث و وصیت) را در بر نمی گیرد، بنابراین اگر وارث متوفی، تبعه خارجه باشد و ترکه غیرمنقول باشد، مال غیرمنقول به وی ارث می رسد ولو خرید آن مال برای وی جایز نباشد، منتها از ملاک قسمت اخیر ماده ۹۶۸ قانون مدنی چنین استنباط می شود که ورثه خارجی، باید اموال مذکور را منتقل نماید و امکان بقای مالکیت وی وجود ندارد.



۵- انعقاد معاملات با حق استرداد (نظیر بیع شرط و رهن و غیره) از سوی اتباع خارجه مانع و تشریفات خاصی نداشته و به مانند اتباع داخلی با آنها رفتار خواهد شد (ماده ۴۵ آیین نامه قانون دفاتر اسناد رسمی) بدیهی است چنانچه تبعه خارجی بخواهد مرهونه را تملک کند، چنین تملکی با رعایت محدودیت های پیش گفته، منوط به تحصیل اجازه نامه است (ماده ۴۲ همان آیین نامه)

#### ماده ۹: اعتبار عهدنامه

مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد، در حکم قانون است. نکات زیر در زیرنویس این ماده در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان آمده است:  
**نکته ۱:** عهدنامه ها، مقاله نامه ها، قراردادهای و موافقت نامه های بین المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. (اصل ۷۷ قانون اساسی)

**نکته ۲:** در روابط بین المللی، اعتبار عهدنامه بیش از قانون داخلی است و اختیار دولت را در وضع قانون معارض با آن محدود می کند. ناصر کاتوزیان، کلیات حقوق، ج ۲، ش ۲۱۰.

**نکته ۳:** در محاکم داخلی، هرگاه قانونی مخالف با عهدنامه وضع شود، دادگاه باید قانون مخالف را رعایت کند که آخرین اراده قانونگذار است. همان کتاب.

**نکته ۴:** اجرای عهدنامه در محاکم داخلی منوط به انتشار آن است، ولی در روابط بین المللی، پس از تصویب مجلس اعتبار عهدنامه کامل است و باید بی درنگ رعایت شود. ناصر کاتوزیان، مقدمه علم حقوق، ش ۱۰۱.

**نکته ۵:** مهلت اجرای قانون در اجرای عهدنامه، در دعاوی اشخاص و روابط حقوقی آنان، باید رعایت شود. همان کتاب.

#### ماده ۱۰: اعتبار قراردادهای خصوصی (اصل آزادی قراردادی)

قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است. نکات زیر در زیرنویس این ماده در کتاب قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی نوشته مرحوم دکتر کاتوزیان آمده است:

**نکته ۱:** این ماده حاوی اصل «آزادی قراردادی» است و به حکومت اراده نیز دامنه گسترده ای می بخشد و آن را از حصار «عقود معین» خارج می کند. ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادهای، ج ۱، ش ۸۵ و ۸۶ - عقود معین، ج ۱، ش ۱.

**نکته ۲:** ماده ۱۰ نفوذ شرط را نیز از این قید که ضمن عقد واقع شود رها می سازد. زیرا، شرط نیز خود قراردادی است که می تواند جدای از عقد الزام آور باشد. پس، کافی است که شرط مربوط به قرارداد باشد تا متمم آن به شمار آید، هرچند که بعد از عقد امضاء شود. قواعد عمومی قراردادهای، ج ۱، ش ۸۵؛ ج ۳، ش ۵۴۹ تا ۵۵۱ - دیوان کشور، ج ۳، ش ۵۰۸ - ۳۲/۳/۳۱ شعبه ۳.

**نکته ۳:** اثر عقد و شرط محدود به کسانی است که در تراضی دخالت داشته اند (دو طرف عقد) با وجود این، «ممکن است در ضمن معامله ای که شخص برای خود می کند، تعهدی هم به نفع شخص ثالثی بنماید.» (بند ۲ ماده ۱۹۶ ق.م)

**نکته ۴:** ماده ۱۰ ق.م، در عقود معین نیز قابل استناد است، مشروط بر اینکه وسیله تجاوز به احکام امری آن عقود نشود. عقود معین، ج ۱، ش ۴.

**نکته ۵:** مقصود از واژه «قانون» در ماده ۱۰، قانون امری است نه تکمیلی. تراضی بر قانون تکمیلی حکومت می کند. قواعد عمومی قراردادهای، ج ۱، ش ۸۹.

**نکته ۶:** مقصود از «صریح قانون» تأیید اصل مباح بودن قراردادهای است و کنایه از اینکه در منع قانونگذار تردید نباشد، وگرنه قرارداد مخالف روح قانون نیز باطل است. همان کتاب، ش ۹۴ - نظر مخالف: دکتر امامی، ج ۴، ص ۴۸

**نکته ۷:** نفوذ قرارداد، علاوه بر قانون، مشروط بر این است که مخالف نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشد. (ماده ۹۷۵ ق.م). قواعد عمومی قراردادهای، ج ۱، ش ۹۵ به بعد.

**نکته ۸:** نهی قانونگذار در صورتی دلالت بر فساد عقد می کند که ناظر به یکی از ارکان و شرایط صحت آن باشد یا اثر معامله را نفی کند. قواعد عمومی قراردادهای، ج ۱، قرائت و تمرین (۳) - نظر مخالف: دکتر امامی، ج ۴، ص ۲۸۱.

**نکته ۹:** مفاد ماده ۱۰ ق.م. عقد صلح را بیهوده نمی کند و عقد صلح نیز باعث بی نیازی از استناد به ماده ۱۰ نمی شود: ناصر کاتوزیان، عقود معین، ج ۲، بخش یک، ش ۲۰۴ (چاپ اول، ش ۱۵۴) - نظر مخالف: دکتر جعفر لنگرودی، رهن و صلح، ص ۱۴۰.

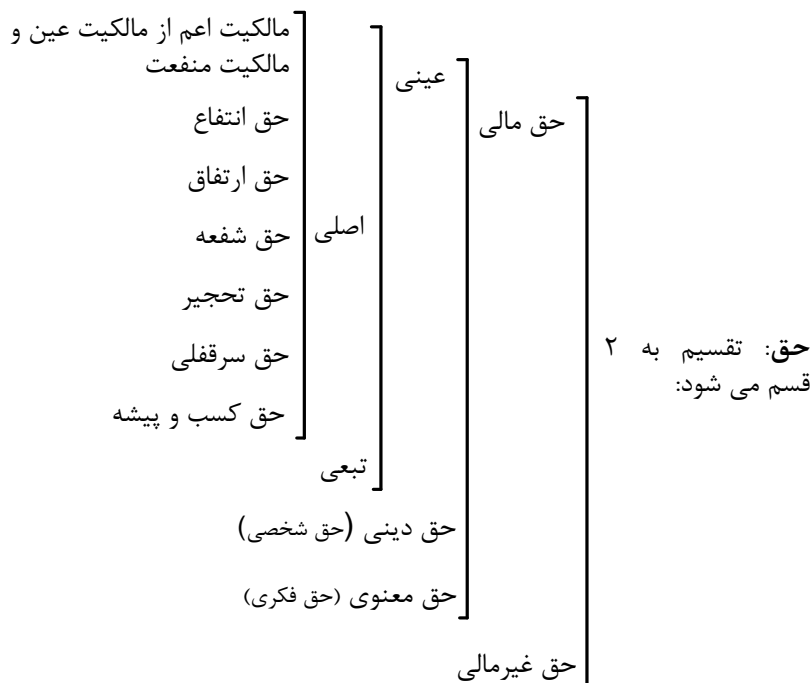
**نکته ۱۰:** مخالفت با نظم عمومی و اخلاق حسنه را نیز باید بر موانع نفوذ قراردادهای خصوصی افزود. رک. ماده ۹۷۵ ق.م. می توان به این سخن استاد افزود که مخالفت با احکام آمره شرعی نیز جزء موانع نفوذ قراردادهای خصوصی است.





جلد اول- در اموال

کتاب اول: در بیان اموال و مالکیت به طور کلی



- ۱- عقد رهن (وثیقه قراردادی)
  - ۲- توقیف اموال و تامین خواسته (وثیقه قضایی)
  - ۳- وثیقه قهری و قانونی (مواد ۹۴۶ و ۹۴۸ ق.م.)
- حق عینی تبعی ← ۳ سبب برای ایجاد حق عینی تبعی وجود دارد:

نمودار اسباب ایجاد حق عینی تبعی در فوق، از جزوه درسی حقوق مدنی از همکار گرامی دکتر پیمان عبدغیور بیان گردید. **◆ تعاریف:**

**حق: توانایی و امتیاز شخصی برمال یا شخص دیگر، که از نظر قانون و حقوق به رسمیت شناخته شده است می باشد. حق مالی و غیرمالی:**

«حق مالی» حقی است که برای تأمین نیازهای مادی اشخاص از سوی حقوق یک کشور به آنها داده می شود، ولی «حق غیرمالی» مانند حق زوجیت یا ابوت یا ولایت یا حق پدید آورندهی اثر ادبی یا هنری در انتشار اثرش و... می باشد که هدفش رفع نیازهای عاطفی و اخلاقی انسان است.

حق مالی اصولاً انتقال پذیر است، برخلاف حق غیر مالی. (زمانیکه می گویم اصولاً یعنی استثناء هم وجود دارد) حق مالی قابل توقیف، قابل تقویم به پول، قابل مبادله و معامله می باشد بر خلاف حق غیر مالی، حق مالی اصولاً قابل انتقال (هم بصورت ارادی و هم بصورت قهری و ارث) است. حق مالی یا همان مال، رابطهی اعتباری و معنوی بین انسان و شیء است. «حق عینی»: (حق برعین، حق برمال) حقی است مستقیم و بی واسطه نسبت به عین.

«حق دینی»: حق شخص است بر شخص دیگر که موضوعش تعهد به انجام کار یا خودداری از انجام کار یا انتقال مال است.

دین وقتی از جنبه طلبکار و صاحب حق دینی به آن نگریسته شود طلب است، به عبارت دیگر موضوع حق دینی به لحاظ صاحب حق، طلب است و به لحاظ مدیون یا متعهد، تعهد یا دین است.

«حق معنوی»: حقی است که به صاحب آن اختیار انتفاع انحصاری از فعالیت و فکر و ابتکار وی را می دهد. مثلاً: حق تاجر و صنعتگر نسبت به نام تجاری اش؛ یا شکل خاص کلایش یا نسبت به علامت کلایش یا حق نویسنده اثر ادبی یا مخترع نسبت به اثر یا اختراعش.

**سؤال:** آیا حق معنوی (فکری)، ماهیتاً حق مالی یا حق غیر مالی است؟



هر چند که در تقسیم بندی حق مالی و غیر مالی، حق معنوی را در گروه حقوق مالی قرار دادیم اما به عبارت دقیق تر حق معنوی ماهیتی مختلط از حقوق مالی و با ارزش و حق غیر مالی و مرتبط با شخصیت دارد.

❖ جنبه انتقال حق نشر اثر ادبی به ناشر در ازای اخذ عوض مالی، جنبه مالی حق معنوی نویسنده است اما حق نویسنده در دفاع از اثر خود و تجدید نظر در اثرش، جنبه غیر مالی از حق معنوی وی است.

**سؤال:** اگر شک کنیم که حقی از گروه حقوق مالی، از موارد حقوق عینی است یا دینی، اصل بر چیست؟

اصل بر آن است که حق از نوع دینی یا شخصی است و نه از نوع عینی. چون حقوق عینی گستره‌ی محدودیت آن بیشتر است و محدودیتهای بیشتری بر اشخاص بار می‌کند و خلاف اصل اباحه تصرفات اشخاص است لذا باید آن را تفسیر مضیق کرد و تنها مواردی را حق عینی دانست که نسبت به آن یقین داریم.

**حق عینی:** در یک تقسیم بندی بر ۲ قسم تقسیم می‌شود که عبارت است از: **حقی عینی اصلی و حق عینی تبعی**.

در حق عینی اصلی صاحب حق، اختیار استفاده و انتفاع از عین مال به طور کامل یا ناقص را دارد، در حالی که در حق عینی تبعی اصولاً صاحب حق نمی‌تواند از عین استفاده ببرد و فقط عین در گرو و وثیقه‌ی اوست تا اگر به طلب خودش از مدیون نرسد، بتواند با فروش مال وثیقه به طلبش برسد.

**تفاوت‌های حق عینی اصلی با حق عینی تبعی در آن است که:**

اولاً: در حق عینی اصلی، صاحب حق می‌تواند از منافع مال به طور کامل یا ناقص استفاده کند؛ ولی در حق عینی تبعی به استناد ماده ۷۸۶ ق.م.منافع به مدیون تعلق دارد و او می‌تواند از آن استفاده کند و طلبکار اصولاً حق استفاده از منافع وثیقه را ندارد. استثنای این اصل در جایی است که ضمن رهن شرط شود که مرتهن بتواند از عین مرهونه استفاده کند و منافع عین مرهونه متعلق به مرتهن باشد (رهن تصرف) و نیز در معاملات با حق استرداد، مانند بیع شرط، منافع مورد معامله، متعلق به خریدار شرطی (طلبکار) است.

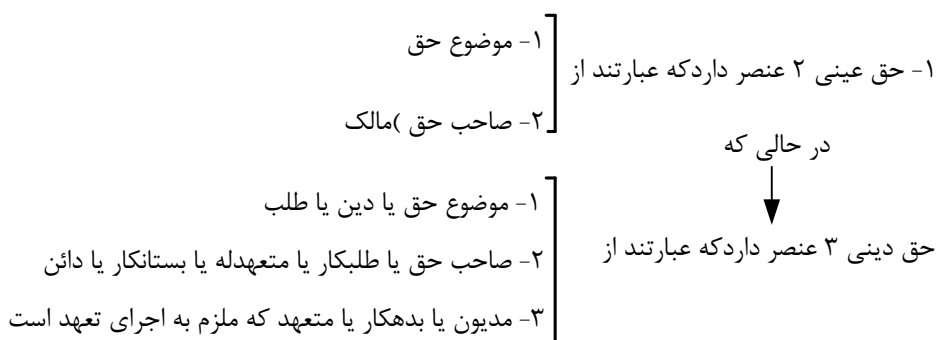
ثانیاً: حق عینی اصلی، حقی است اصیل و مستقل و تابع هیچ دینی نیست؛ اما حق عینی تبعی تابع یک دین است و اگر دین از بین برود آن حق هم از بین می‌رود.

#### ❖ معرفی یک اصطلاح:

**تعهد عینی:** تعهدی است که باید از محل عین معین آداء شود. مثلاً تعهد باغدار به اینکه از میوه درخت معین سالیانه مقداری به طلبکارش بدهد، یا تعهد ضامن به اینکه بدهی مدیون را از محل فروش عین معین بدهد. در اینجا طلبکاران بر آن عین معین حق پیدا نمی‌کنند و حق آنها هم چنان حق دینی است.

همچنین تعهد عینی در جایی که شخص بخاطر مالکیت خودش بر شیئی بر شیء دیگر حق پیدا می‌کند نیز گفته می‌شود، مثلاً حق ارتفاق که در ماده ۹۳ ق.م.بیان شده و بعداً به آن خواهیم پرداخت.

#### ❖ مقایسه‌ی حق عینی و دینی (شخصی):



۲- موضوع حق عینی، همیشه یک شیء معین مادی در عالم خارج است، اما موضوع حق دینی اولاً: ممکن است اشیاء نبوده، بلکه انجام کار یا خودداری از انجام کار باشد و ثانیاً: آنجا که اشیاء است ممکن است عین معین (مانند تعهد تسلیم اتومبیل معین) یا عین کلی (مانند تعهد به تسلیم یک اتومبیل با ویژگی‌های مشخص) باشد.



- ۳- اسباب ایجاد حق عینی، محدود به موارد خاص از جمله مواد ۲۹ یا ۱۴۰ یا ۱۴۲ یا ۸۰۸ قانون مدنی است اما سبب ایجاد حق دینی، قرارداد مستند به ماده ۱۰ ق.م (اصل آزادی قراردادی) است.
- ۴- حق عینی در برابر همگان قابل استناد می‌باشد و لذا مطلق است، اما حق دینی فقط در برابر مدیون قابل استناد و اجرا می‌باشد و لذا نسبی است.
- ۵- حق عینی متضمن حق تعقیب و حق تقدم است در حالیکه حق دینی این دو ویژگی را ندارد.



تحلیل‌ها، تفسیرها و نکته‌ها  
 در  
**حقوق مدنی**  
 جلد دوم

**درس - نکته - تست**

قابل استفاده کلیه دانشجویان رشته حقوق، الهیات و معارف اسلامی و داوطلبان  
 آزمون ورودی وکالت دادگستری و آزمون سردفتری اسناد رسمی.  
 آزمون ورودی متصدف قضا و کنکور کارشناسی ارشد و دکتری حقوق خصوصی

**فاضل**  
 مؤسسه آموزش عالی  
 www.fazel.ac.ir



مؤلفین

سیدمحمدباقر حسینی - سمانه مصباح



۱۴ ف ۳۰ ۳۲ (۰۷۱)  
۶-۳۳۴۴۳۳۴ (۰۷۱)



شیراز / پارامونت / ابتدای  
خیابان نصردهشت / کوچه ۱



www.fazel.ac.ir

## فهرست منابع

- ۴ .....\*\*عقد اجاره: .....
- ۱۰ .....\*اقسام اجاره .....
- ۱۰ .....\*\*در اجاره اشیاء: .....
- ۱۸ .....\*حدوث عیب در عین مستأجره: .....
- ۳۱ ..... قانون روابط موجر و مستأجر - ۵۶ .....
- ۴۳ ..... قانون روابط موجر و مستأجر - ۷۶ .....
- ۴۷ ..... قانون الحاق یک ماده به قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۶۵ .....
- ۵۱ ..... تبیین مفاهیم حق سرقتی و حق کسب و پیشه .....
- ۵۴ .....\*\*عقد مزارعه: .....
- ۶۰ .....\*\*عقد مسابقات: .....
- ۶۱ .....\*\*عقد مضاربه: .....
- ۶۴ .....\*\*عقد جعاله: .....
- ۶۹ .....\*\*عقد شرکت: .....
- ۷۱ .....\*تفاوتهای اشاعه اختیاری و اشاعه قهری: .....
- ۷۴ .....\*تعریف اقسام شرکت : .....
- ۷۵ .....\*\*در تقسیم اموال شرکت: .....
- ۷۷ ..... قانون افراز و فروش املاک مشاع مصوب آذر ماه سال ۱۳۵۷ .....
- ۸۰ .....\*انواع تقسیم: .....
- ۸۵ .....\*\*عقد ودیعه: .....
- ۹۳ .....\*\*عقد عاریه: .....
- ۹۷ .....\*\*عقد قرض: .....
- ۹۹ .....\*\*قمار و گروپندی .....
- ۱۰۱ .....\*\*عقد وکالت: .....
- ۱۱۵ .....\*\*عقد ضمان: .....
- ۱۳۲ .....\*\*عقد حواله .....
- ۱۳۹ .....\*\*عقد کفالت .....
- ۱۴۷ .....\*\*عقد صلح: .....
- ۱۵۳ .....\*\*عقد رهن: .....
- ۱۶۸ .....\*\*عقد هبه: .....
- ۱۷۳ ..... قسمت سوم- در اخذ به شفعه .....
- ۱۷۳ .....\*تعریف حق شفعه و اوصاف آن: .....
- ۱۷۳ .....\*اوصاف حق شفعه: .....
- ۱۸۵ .....\*زوال حق شفعه: .....
- ۱۸۶ ..... قسمت چهارم- در وصایا و ارث .....
- ۱۸۶ ..... باب اول- در وصایا .....
- ۱۹۴ .....\*\*اقسام رجوع از وصیت .....
- ۲۰۸ ..... باب دوم- در ارث: .....
- ۲۲۳ ..... لعان: .....
- ۲۲۹ .....\*\*شیوه حل مسائل ارث .....
- ۲۵۰ ..... میراث زوج و زوجه .....
- ۲۵۳ ..... جلد دوم- در اشخاص .....



۲۵۳	** کتاب اول - در کلیات
۲۵۷	** کتاب دوم - تابعیت
۲۶۱	** کتاب سوم - در اسناد سجل احوال
۲۶۲	قانون ثبت احوال
۲۷۶	** کتاب چهارم - در اقامتگاه
۲۸۰	* کتاب پنجم - در غایب مفقود الاثر
۲۸۲	فصل سوم از قانون امور حسبی - اختیارات و مسئولیت قیم
۲۸۹	باب چهارم از قانون امور حسبی - راجع به غایب مفقود الاثر
۲۹۴	کتاب ششم - در قرابت
۲۹۴	کتاب هفتم - در نکاح و طلاق
۲۹۴	باب اول - در نکاح
۲۹۴	فصل اول - در خواستگاری
۲۹۵	فصل دوم - قابلیت صحی برای ازدواج
۲۹۵	فصل سوم - در موانع نکاح
۲۹۸	فصل چهارم - شرایط صحت نکاح
۲۹۸	فصل پنجم - وکالت در نکاح
۲۹۹	فصل ششم - در نکاح منقطع
۲۹۹	فصل هفتم - در مهر
۳۰۱	فصل هشتم - در حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر
۳۰۳	باب دوم - در انحلال عقد نکاح
۳۰۵	فصل دوم - در طلاق
۳۰۵	مبحث اول - در کلیات طلاق
۳۰۶	مبحث دوم - در اقسام طلاق
۳۰۷	مبحث سوم - در عده
۳۰۸	کتاب هشتم - در اولاد
۳۰۸	باب اول - در نسب
۳۱۰	باب دوم - در نگهداری و تربیت اطفال
۳۱۱	قانون حمایت از خانواده
۳۲۷	باب سوم - در ولایت قهری پدر و جد پدری
۳۳۱	** کتاب نهم - در خانواده
۳۳۳	** کتاب دهم - در حجر و قیمومت
۳۳۳	فصل اول - در کلیات حجر و قیمومت
۳۳۷	از قانون امور حسبی
۳۴۰	فصل دوم - در موارد نصب قیم و ترتیب آن
۳۴۶	فصل سوم - در اختیارات و وظایف و مسئولیت قیم و حدود آن
۳۵۱	فصل چهارم - در موارد عزل قیم
۳۵۴	فصل پنجم - در خروج از تحت قیمومت
۳۵۴	باب دوم از قانون امور حسبی - در قیمومت
۳۶۴	** جلد سوم - ادله اثبات دعوی
۳۶۴	کتاب اول - در اقرار
۳۷۱	کتاب دوم - در اسناد
۳۷۴	کتاب سوم - در شهادت



۳۷۴	.....	باب اول - در موارد شهادت
۳۷۶	.....	کتاب چهارم - در امارات
۳۷۷	.....	کتاب پنجم - در قسم
۳۷۹	.....	قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان
۳۸۳	.....	منابع



\*\*عقد اجاره:

**تعریف اجاره و ارکان عقد اجاره:**

تعریف عقد اجاره در ماده ۴۶۶ از بین سه قسم اجاره که در ق. م آمده (اجاره اشیاء- اجاره حیوانات و اجاره اشخاص) شامل اجاره اشخاص نمی شود، یعنی تعریف جامع افراد نیست و در واقع تعریف فقط در بر گیرنده اجاره اشیاء و اجاره حیوانات است. مرحوم دکتر کاتوزیان در تعریف اجاره اشخاص می گویند: **عقدي است معوض، که به موجب آن شخصي در برابر اجرت معين، ملتزم مي شود کاري را انجام دهد.**

**سؤال:** اکنون به این سوال مهم باید پاسخ داد که اجاره اشخاص تابع قواعد حقوق کار است یا تابع قواعد ق.م در زمینه اجاره اشخاص است؟ در پاسخ به این سوال می گوئیم، اجاره خدمه و کارگر در صورتی که در قالب قرارداد کار باشد، از نظر شرایط صحت انعقاد، تابع ق.م است مگر اینکه حکم مخالفی در ق. کار باشد اما بعد از اینکه منعقد شد، تابع قواعد مقرر در ق کار است. که این قواعد آمره است و نمی توان برای کارگر مقرراتی کمتر از آنچه در ق کار آمده در نظر گرفت ولی امتیازاتی بیشتر در ق کار می توان قرارداد. اما اگر توافق طرفین قرارداد اجاره اشخاص، در قالب قرارداد کار نباشد، یک عقد اجاره اشخاص بوده و صحیح است. این چنین قراردادی را می توان پیمان کاری یا مقاطعه کاری نامید.

**سؤال:** تفاوت بین قرارداد کار با قرارداد پیمانکاری چیست؟

در آن است که در اولی، اجیر، در اجرای کاری که به عهده دارد از دستور مستأجر اطاعت می کند و از نظر اقتصادی تابع است و سود و زیان کارش به مستأجر می رسد. اما در قرارداد پیمان کاری یا مقاطعه کاری، اجیر برای خودش کار می کند و زیر فرمان یا نظارت مستأجر نیست و اینکه چگونه تعهد را اجرا کند با خودش است. این قرارداد که مقاطعه کاری یا پیمان کاری است، تابع قواعد اجاره اشخاص در ق.م است اما قرارداد کار بین کارگر و کارفرما که کارگر زیر فرمان و نظارت کارفرما است، از نظر شرایط صحت و انعقاد تابع ق.م و ق کار و از نظر آثار قرارداد تابع ق. کار است.

**سؤال:** چه قوانینی در مورد عقد اجاره لازم است مطالعه گردد؟

۱- قانون مدنی

۲- قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶

۳- قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۶۲

۴- قانون الحاق یک بند به عنوان بند ج و دو تبصره به ماده ۲ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب سال ۱۳۶۲ در قالب یک ماده واحده مصوب ۱۳۶۵ که آن را به صورت مخفف، ماده واحده مصوب ۱۳۶۵ می گوئیم.

۵- قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۷۶

**سؤال:** حدود شمول اجرایی و به تعبیر دقیق تر مجرای هر کدام از این قوانین کجاست؟

**اصل کلی در خصوص منبع استنادی قانونی در باب اجاره، قانون مدنی است و قوانین دیگر در تحت شرایط خاص، به عنوان استثنا بر اصل، مورد استناد قرار می گیرند.** از این رو اگر در خصوص اجاره مورد خاصی، نص بخصوصی در قوانین ردیف ۲ تا ۵ نباشد و قضیه مشمول این قوانین نباشد، عقد اجاره تابع مقررات قانون مدنی است.

**اما در خصوص مجاری سایر قوانین:**

**قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶:** شامل اجاره های املاک تجاری و محل کسب و پیشه که اولین قرارداد اجاره قبل از تصویب قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۷۶ منعقد شده و مشمول ماده واحده مذکور در بند ۴ مصوب ۱۳۶۵ نبوده باشد هرچند عقد اجاره تاکنون تمدید شده باشد. توجه شود که توافق طرفین به هر عنوان اعم از اجاره یا صلح و ... به منظور اجاره مشمول این قانون است، خواه سند رسمی یا عادی تنظیم شده باشد یا توافق شفاهی به عمل آمده باشد. معیار تجاری بودن، عرف است نه کاربری ملک از نظر مقررات شهری، از این رو اجاره ملک مسکونی به منظور فعالیت تجاری در آن، موجب شمول قانون ۱۳۵۶ می گردد به شرطی که استفاده تجاری، مقصود مشترک طرفین عقد باشد و نه اعمال نظر یک طرفه از طرف مستأجر.

لازم به ذکر است که اجاره اماکن تجاری مشمول قوانین خاص دیگر از قبیل اجاره غرفه های مسافری واقع در پایانه های مسافری (رأی وحدت رویه شماره ۶۳۶ مورخ ۱۳۷۸/۰۴/۱۵) و نیز دفاتر وکالت (رأی وحدت رویه شماره ۶۰۷ مورخ ۱۳۷۵/۰۶/۲۰) و مطب پزشکان (رأی وحدت رویه شماره ۵۷۶ مورخ ۱۳۷۱/۰۷/۱۴) و ... مشمول قانون روابط موجر و مستأجر ۵۶ نبوده و حق کسب و پیشه و تجارت به آن ها تعلق نمی گیرد.

**قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۶۲:** شامل اجاره های املاک مسکونی بوده که قرارداد اجاره در حد فاصل لازم الإجراء شدن این قانون تا تصویب قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۷۶ منعقد شده باشد. لذا اجاره های املاک مسکونی بعد از این زمان، مشمول قانون روابط موجر و مستأجر ۷۶ (به شرط کتبی بودن) و قانون مدنی خواهد بود و در حالت شفاهی بودن فقط مشمول قانون مدنی می باشد.





ماده واحده مصوب ۱۳۶۵: اجاره های املاک تجاری که از تاریخ تصویب این قانون منعقد شده و قرارداد اجاره مستند به سند رسمی بوده و مستأجر مبلغی به عنوان سرفلی یا پیش پرداخت نپرداخته باشد از شمول قانون روابط موجر و مستأجر ۱۳۵۶ خارج شده و به محض اتمام رابطه استیجاری، موجر می تواند تخلیه عین مستأجره را از مستأجر تقاضا کند، مگر آن که مدت اجاره با توافق طرفین تمدید شود. در صورت تخلف، دواير اجرای ثبت، مکلف به اجرای مفاد قانون هستند.

قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۷۶: اجاره های کلیه املاک اعم از تجاری یا غیرتجاری به شرط تنظیم کتبی اعم از سند عادی (همراه با دو شاهد) یا رسمی مشمول این قانون می باشد و البته در ماده ۲ آئین نامه این قانون به موارد خارج از شمول این قانون اشاره شده است. البته توجه به ماده ۱ این قانون مدنظر است: « از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون، اجاره کلیه اماکن اعم از مسکونی، تجاری، محل کسب و پیشه، اماکن آموزشی، خوابگاههای دانشجویی و ساختمانهای دولتی و نظایر آن که با قرارداد رسمی یا عادی منعقد میشود تابع مقررات قانون مدنی و مقررات مندرج در این قانون و شرایط مقرر بین موجر و مستأجر خواهد بود.»

**نکته:** مقررات قانون روابط موجر و مستأجر ۱۳۵۶ با استناد به ماده ۳۰ این قانون، حاوی قواعد امری است و نمی توان به طور مستقیم یا غیر مستقیم از مقررات آن فرار کرد و به زبان ساده تر نمی توان مزایایی کمتر از آنچه برای مستأجر در این قانون قرار داده شده در اجاره تعیین کرد، برخلاف مقررات قانون روابط موجر و مستأجر ۱۳۷۶ که تکمیلی بوده و توافق برخلاف آن صحیح است. به سوال ۱۹ از آزمون وکالت ۱۳۹۶ دقت فرمائید:

**مغازه ای در سال ۱۳۶۴، برای مدت سه سال به اجاره واگذار شده است. در اجاره نامه شرط شده است که مستأجر شخصاً از مورد اجاره استفاده کند. پس از گذشت دو سال، مستأجر فوت می کند. قرارداد اجاره چه وضعی دارد؟**

۱) با فوت مستأجر، عقد اجاره باطل می شود.

۲) ادامه رابطه استیجاری با ورثه مستأجر، منوط به تنفیذ موجر است.

۳) رابطه استیجاری، بدون موافقت موجر، نسبت به ورثه مستأجر استمرار خواهد داشت

۴) اجاره با فوت مستأجر، منفسخ می شود.

گزینه ۳ صحیح است. اگرچه ممکن است به نظر رسد که با لحاظ ماده ۴۹۷ ق.م.گزینه های ۱ و ۴ محمل درستی داشته باشند اما با لحاظ مواد ۷ و ۹ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶، بعد از انقضای مدت اجاره، می بایست قرارداد اجاره تمدید شود و فوت مستأجر از اسباب بطلان اجاره نسبت به مدت باقیمانده یا انفساخ آن به حساب نیامده است و جزء موارد فسخ اجاره و تخلیه عین مستأجره در فصل چهارم این قانون (مواد ۱۲ تا ۱۷) بیان نشده است و از سوی دیگر ماده ۳۰ همین قانون خاص نیز امری بودن قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶ را نشان داده و از این رو شرط مباشرت مستأجر که با فوتش موجب بطلان اجاره شود، خلاف احکام آمره قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶ بوده و شرطی نامشروع و باطل است (بند ۳ ماده ۲۳۲ ق.م.) و لذا می توان گزینه ۳ را با لحاظ مقررات آمره قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶ خصوصاً مواد ۷ و ۹ آن، صحیح دانست.

**و همچنین سوال ۵ آزمون وکالت ۱۴۰۰:**

**وضعیت حقوقی شرط اسقاط حق مستأجر مبنی بر درخواست تجویز انتقال منافع عین مستأجره به غیر، در پرتو قانون روابط موجر و مستأجر ۱۳۵۶، از نظر صحت و بطلان، چگونه است؟**

۱) اسقاط حق به صورت جزیی محسوب شده و معتبر است.

۲) دادگاه با رعایت مصلحت طرفین و سایر شرایط قرارداد اجاره، می تواند حکم به ابطال آن صادر کند.

۳) در فرض تاثیر مستقیم یا غیر مستقیم آن در جلوگیری از اجرای مقررات قانون مذکور، با اثبات در دادگاه، باطل و بلااثر خواهد بود.

۴) در فرض تاثیر مستقیم آن برای جلوگیری از اجرای مقررات قانون روابط موجر و مستأجر ۱۳۵۶، خود به خود و بدون نیاز به مداخله دادگاه، باطل تلقی می شود.

**گزینه ۳ صحیح است.** با استناد به مواد ۱۹ و ۳۰ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶.

**نکته:** اجاره اموال منقول در تمام زمان ها مشمول قانون مدنی می باشد.

**سؤال: اوصاف عقد اجاره چیست؟**

از نظر مرحوم دکتر کاتوزیان از جمع برخی مواد قانون مدنی می توان ۳ وصف برای اجاره در نظر گرفت که عبارتند از:

۱-تملیکی بودن عقد اجاره.

۲-معوض بودن عقد اجاره.

۳-موقت بودن عقد اجاره.



علاوه بر این سه ویژگی که مرحوم دکتر کاتوزیان فرموده اند، ویژگی های دیگری هم می توان برای اجاره نام برد از جمله لازم بودن، رضایی بودن، مبتنی بر مغاینه بودن و اینکه مورد عقد می تواند عین معین یا کلی فی الذمه باشد.

در خصوص تملیکی یا عهدهی بودن اجاره اشخاص، اختلاف نظر است و برخی تملیکی بودن را ارجح می دانند، چرا که در این قسم اجاره، اجیر منفعت عملش را برای مدت معین به مستأجر تملیک می کند.

مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان در کتاب دوره مقدماتی عقود معین (جلد اول) در شماره ۱۳۷، مواردی که اجاره عهدهی است و به تملیک منتهی می شود را دو مورد بیان می دارند: ۱- آنجا که منفعت مال کلی انتقال داده می شود. در این حالت تا زمانی که مورد اجاره از طرف موجر تعیین نشده است، تملیک تحقق نمی یابد. ایشان معتقدند در اثر عقد، موجر متعهد می شود که فردی از مصداق های مورد توافق را انتخاب و برای انتفاع در اختیار مستأجر گذارد. فرض کنیم شما اتومبیل سواری را به طور کلی اجاره می کنید: پس از عقد، مالک منفعت هیچ اتومبیلی نمی شوید و بر هیچ یک از ماشین های موجر، حق عینی ندارید. تنها اثری که عقد دارد این است که موجر مدیون شما می شود تا اتومبیل سواری را به انتخاب خود و برای مدت معین، در اختیار شما بگذارد و فقط بعد از این انتخاب است که حق شما بر منفعت مال تحقق پیدا می کند. ۲- همچنین است در مواردی که شخص اجیر دیگری می شود تا کار معینی را برای او انجام دهد. زیرا در این حالت اجیر تعهد می کند تا کار معینی را برای مستأجر انجام دهد، بدون اینکه منافع خود را به او تملیک کند. مرحوم دکتر کاتوزیان معتقدند با اینکه از تعریف قانون مدنی چنین بر می آید که تملیکی بودن مقتضای عقد اجاره است اما در پاره ای موارد (دو مورد بیان شده در فوق) اجاره به صورت عهدهی محقق می شود.

#### - توجه به يك تفاوت بين دو اصطلاح اهميت دارد: « مالکیت منفعت » و « حق انتفاع »:

مالک منفعت می تواند همان منفعت را در قالب عقد اجاره یا صلح منافع یا هبه یا مهریه قراردادن منافع به دیگری واگذار کند. همچنان که می تواند حق انتفاع را به دیگری واگذار کند و اذن در انتفاع به دیگری بدهد حال صاحب حق انتفاع می تواند حق انتفاع را به دیگری واگذار کند و می تواند اذن در انتفاع به دیگری بدهد اما نمی تواند با دیگری قرارداد اجاره ببندد و مأذون در انتفاع نمی تواند مال را به دیگری اجاره بدهد یا حق انتفاع آن را به دیگری بدهد (فاقد شيء، نمی تواند معطي شيء شود). همچنین مأذون در انتفاع نمی تواند اذن در انتفاع به دیگری بدهد مگر اینکه مالک چنین اذنی به او داده باشد (م ۶۴۷). چون اذن قائم به شخص است و مورد اذن، اصولاً قابل واگذاری به غیر نیست مگر اینکه اذن، اذن داده باشد.

#### نکته: تعهد متصدیان حمل و نقل در قانون مدنی تعهد به وسیله است، اما در قانون تجارت تعهد به نتیجه است.

✓ برای جمع احکام دو قانون می گوئیم تعهد کسی که حرفه و شغلش حمل و نقل است تابع قانون تجارت بوده و تعهد به نتیجه است، اما تعهد افراد عادی به حمل و نقل تابع قانون مدنی بوده است و تعهد به وسیله است.

**اجاره عقدی تملیکی است** و عوضینی که در این عقد معوض تملیک می شوند عبارتند از: منافع و مال الاجاره (اجاره بهاء- اجرت المسمی) در برابر اجرت المثل. اصطلاح اجرت المثل (بهره بهاء) در برابر اجرت المسمی که اجاره بهاء است قرار دارد. آنجا که قرارداد اجاره صحیحی وجود دارد، عوض منافع، اجرت المسمی است و آنجا که قرارداد اجاره صحیحی نیست، عوض استفاده از منافع، اجرت المثل است اعم از اینکه اصلاً قراردادی نباشد یا باشد ولی باطل باشد.

#### \* شرایط صحت عقد اجاره:

شرایط اساسی صحت معاملات که در م ۱۹۰ ق.م بیان شده است، در اجاره هم باید باشد و علاوه بر آن شرایط، شرایط زیر هم برای درستی عقد اجاره لازم است که عبارتند از:

#### ۱- تعیین مدت اجاره:

مرحوم دکتر کاتوزیان این شرط را در قالب يك شرط کلی تر می گویند و آن مورد اجاره (هم منافع و هم اجرت) است که باید معلوم و معین باشد. یعنی مورد اجاره مردد نباشد و همچنین مقدار منفعتی که به مستأجر تملیک می شود، معلوم و مشخص باشد. معلوم شدن منفعت مورد اجاره یا از طریق تعیین مدت است یا از طریق تعیین مسافت است و یا از طریق انجام دادن امر معین است. مواد ۴۶۸، ۵۰۷ و ۵۱۴ ق.م.

در این میان به دو حکم استثنایی بر می خوریم که عبارتند از مواد ۵۰۱ و ۵۱۵ ق.م. در این دو ماده، در عقد اجاره به طور صریح تعیین مدت نشده است **اما اجاره استثنائاً صحیح است** و اجاره برای قدر متیقن از مدت، صحیح است اما برای مدت اضافه بر قدر متیقن چون عقد اجاره ای وجود ندارد، مستأجر باید اجرت المثل به میزان اجرت المسمی تعیین شده بپردازد. این روال یعنی پرداخت اجرت المثل به میزان اجرت المسمی تا زمانی است که اجاره دهنده بر اذنش باقی است. اما اگر اجاره دهنده دیگر راضی به ادامه اجاره نبود اما مستأجر همچنان به استفاده کردن بپردازد در این حالت باید مبلغی که کارشناس تعیین می کند، بپردازد، خواه بیشتر از اجرت المسمی قبلی باشد خواه کمتر از آن.



مواد ۵۰۱ و ۵۱۵ ق.م از دو جهت قاعده استثنائی می باشند:

۱- این دو ماده استثناء بر قاعده لزوم تعیین مدت به صورت مشخص و ثابت در اجاره هست.

۲- در این دو ماده اجرت المثل به مقداری نیست که بر اثر عرف و با نظر تخصصی کارشناس تعیین شود بلکه اجرت المثل به میزان اجرت المسمی است. البته تا زمانی که مراضات حاصله باقی است ولی بعد از بین رفتن اذن مالک، اجرت المثل تصرف فرد با لحاظ عرف و نظر کارشناس تعیین می شود.

نکته: توجه شود که در حقوق مدنی، تنها در سه ماده است که بیان شده اجرت المثل به میزان اجرت المسمی سابق، می باشد: مواد ۵۰۱ و ۵۱۵ ق.م (که معروف به اجاره از قرار هستند) و ماده ۶ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶. این امر برخلاف مواد ۴۹۴ و ۳۳۶ و ۳۳۷ ق.م و سایر مواردی است که اجرت المثل تعیین می گردد که در این حالات تعیین اجرت المثل با لحاظ معیار عرفی بوده و کارشناس رسمی دادگستری آن را تعیین می نماید.

#### ۲- منفعتی که واگذار می شود باید ملك موجر باشد: (م ۴۷۳)

از هر راهی که موجر، مالك منفعت شده باشد (از راه ارث یا هبه یا صلح منافع یا اجاره دادن یا اینکه از اول مالك عین و منافع باشد یا مهریه قرارداد منافع) شرط دوم حاصل است. البته اگر موجر از راه عقد اجاره مالك منفعت شده باشد، بر طبق قانون مدنی و کلیه قوانین جاری کشور، مستأجر می تواند عین مستأجره را به دیگری اجاره دهد مگر اینکه خلاف آن در ضمن عقد اجاره شرط شده باشد اما در ماده ۱۰ قانون روابط موجر و مستأجر سال ۱۳۵۶ در مورد اجاره محل کسب و پیشه و تجارت اصل بر آن است که مستأجر حق انتقال منافع به غیر یا واگذاری آن را ندارد مگر اینکه کتباً این اختیار به او داده شده باشد. حال اگر این حق را نداشت ولی خلف وعده کرده و ملک را به اجاره دیگری داد چه می شود؟

حالت اول: در همین زمینه اگر مستأجری که حق انتقال به غیر از او سلب شده است، عین را به دیگری اجاره بدهد، اجاره باطل است زیرا در این حالت مستأجر اساساً حق انتقال نداشته است حالت دوم: اما اگر مفاد شرط ضمن عقد، التزام به عدم انتقال منافع باشد یعنی مستأجر حق انتقال منافع به دیگری را دارد ولی پایبند شده که حقش را اعمال نکند و قول داده که منفعت را به دیگری واگذار نکند، در این حالت ضمانت اجرایی تخلف از شرط، حق فسخ اجاره اول موجر و ابطال قرارداد دوم (اجاره دوم) است. ولی اگر در همین فرض موجر قرارداد اول را فسخ نکند، اجاره ی دوم به صحت خود باقی است. (ماده ۴۵۴ ق.م).

۷ بند ۱ و ۲ م ۱۴ و تبصره ی یک م ۱۹ از ق روابط موجر و مستأجر سال ۵۶ ملاحظه شود.

#### ۳- منفعت و عوض منفعت، باید مشروع و تسلیم آن مقدر باشد.

در این زمینه به مواد ۴۷۰ و ۴۷۷ از ق.م و بند ۶ از ماده ی ۱۴ ق. روابط موجر و مستأجر سال ۵۶ می توان اشاره کرد. البته بند ۶ حالتی را می گوید که مالی به اجاره داده شده و منفعت اش مشروع است اما مستأجر بر خلاف منظوری که در اجاره آمده و برای استفاده نامشروع از عین مستأجره بهره می برد. در این موارد بر اساس م ۱۴ موجر می تواند تقاضای فسخ اجاره یا تخلیه از دادگاه بنماید. در رابطه با قدرت بر تسلیم نکات لازم همان است که در عقد بیع و مدنی ۳ گفتیم.

#### ۴- موضوع اجاره باید در برابر استیفاي منفعتی که مورد توافق قرار گرفته است، قابلیت بقاء داشته باشد.

معنی این جمله این است که ممکن است مالی ذاتاً مصرف شدنی باشد یا استفاده متعارفش استفاده مصرفی باشد. اما برای استفاده نامتعارفی که در آن حالت قابل بقاء است، اجاره داده شود. مثلاً اجاره ی شمع برای سوزاندن یا میوه برای خوردن باطل است اما اجاره ی شمع برای نمایش دادن صحیح است و اجاره پول برای خرج کردن باطل است اما اجاره پول به طرف برای افتتاح نمایشگاه خودش صحیح است. مستند این شرط م ۴۷۱ ق.م است.

#### ماده ۴۶۶: تعریف اجاره

۱- حق مستأجر بر منافع عین مستأجره، مالکیت منفعت است و مالکیت منفعت حق عینی است که در م ۲۹ ق.م از آن سخن رفته است و اوصاف حق عینی مانند قابل استناد بودن در برابر اشخاص ثالث، مطلق بودن، متضمن حق تعقیب بودن و متضمن حق تقدم بودن است. دو نکته از دکتر فرهاد بیات و شیرین بیات در خصوص این ماده بیان می شود:

۱- اجاره عقدی لازم، تملیکی، معوض، رضایی و موقتی است. اطلاق لفظ اجاره، معمولاً منصرف به اجاره اموال است وگرنه اجاره اشخاص، عقد عهدی است.

۲- بهره برداری تدریجی از عین، بهترین معیار شناسایی عین از منفعت است. (مرحوم دکتر کاتوزیان (۵۲)، ص ۱۳).



### ماده ۴۶۷: اقسام اجاره به اعتبار مال الاجاره

#### \* اقسام اجاره

۱- با وجود وضع قوانین گوناگون در مورد عقد اجاره، قانون مدنی، همچنان به عنوان قانون مادر بر همه عقود حاکم است مگر در مورد برخی موضوعات که قوانین خاص، برای آنها احکام ویژه دارند و قانون مدنی را به طور ضمنی تخصیص زده اند. (برگرفته شده از کتاب جناب آقای فرهاد بیات)

۲- قانون روابط موجر و مستأجر سال ۵۶ تنها به اجاره محل کسب، پیشه و تجارت حاکم است و قانون سال ۶۲ تنها در مورد اجاره محل سکونت و قانون ۷۶ که آخرین قانون در این زمینه است، اجاره ها را به دو گروه تقسیم کرده است. اجاره های قبل از لازم الاجرا شدن این قانون (۱۳۷۶/۷/۲) که تابع قوانین سابق است و اجاره هایی که از این پس واقع شده اند (و شرایط شکلی مندرج در ق.ر.م.م ۱۳۷۶ را دارند) تابع قانون جدید هستند. (برگرفته شده از کتاب جناب آقای فرهاد بیات)

۳- در این ماده اقسام اجاره به اعتبار موضوع و مورد آن بیان شده است که سه قسمت است:

الف) اجاره اشیاء

ب) اجاره حیوانات

ج) اجاره ی اشخاص.

\*\*در اجاره اشیاء:

#### ماده ۴۶۸: لزوم تعیین مدت

بیان شد که مورد موضوع اجاره باید معلوم و معین باشد. این ماده در راستای همان شرط است. از این رو اجاره ی مدت یا اجاره دائمی یا اجاره به مدت عمر موجر یا عمر مستأجر باطل است و م ۵۰۷ هم در همین راستا در اجاره حیوانات تعیین منفعت را لازم می داند. البته م ۵۱۴ هم به همین تعیین منفعت به نحو دیگر در اجاره اشخاص تصریح می کند اما مواد ۵۰۱ در اجاره ی اشیاء و ۵۱۵ در اجاره ی اشخاص، استثنای قاعده ی تعیین صریح منفعت هستند و گفتیم که رابطه طرفین عقد در این دو ماده به مقدار قدر متیقن، اجاره است و مبلغ دریافتی اجرت المسمی است. اما افزون بر زمان قدر متیقن، رابطه ی طرفین، تابع نهاد استیفاء است و مبلغ دریافتی هم اجرت المثل (بهره بها) به میزان اجرت المسمی سابق است.

درست است که اجاره مدتی دارد و بعد از انقضای مدت برطرف می شود و مستأجر حق ادامه ی استفاده از عین مستأجره را ندارد اما استثنائاً در اجاره ی محل کسب یا پیشه یا تجارت بر اساس مواد ۷، ۸ و ۹ قانون روابط موجر و مستأجر سال ۱۳۵۶ و نیز با لحاظ حق سرقفلی ملک تجاری در مواد ۶، ۷ و ۸ قانون روابط موجر مستأجر سال ۱۳۷۶ به مستأجر این حق را می دهد که پس از اتمام مدت اجاره با موجر تمدید قرارداد کنند و ملک را تخلیه نکنند، هر چند اجاره از قرار و مشمول م ۵۰۱ باشد. در خصوص شرط قدرت بر تسلیم، هم در عقد اجاره، هم در عقد بیع و هم در مباحث مدنی صحبت شد، نیازی به تکرار نیست. در اینجا می گوئیم همزمان با م ۴۷۰ باید به م ۴۷۷ هم توجه کرد و نتیجه می گیریم که معطل ماندن انتفاع و عقیم ماندن هدف از انتفاع، اجاره را باطل می کند.

#### ماده ۴۶۹: شروع مدت اجاره

مدت اجاره از روزی شروع می شود که بین طرفین مقرر شده است و اگر در عقد اجاره ابتدای مدت ذکر نشده باشد از وقت عقد محسوب است.

#### ماده ۴۷۱: لزوم بقاء عین مستأجره

در رابطه با این شرط که یکی از شرایط صحت اجاره می باشد، سخن گفتیم و دیگر اعاده سخن نمی کنیم و در یک کلام گفتیم قابلیت بقاء عین مستأجره، شرط صحت عقد اجاره است. اجاره درخت برای میوه آن و اجاره گوسفند برای شیرخوردن و اجاره چاه برای آب کشیدن درست است.

#### ماده ۴۷۲: لزوم معلوم و معین بودن عین مستأجره

در رابطه با شرط معین بودن و معلوم بودن منفعت سابقاً سخن گفتیم و اینجا می گوئیم معلوم بودن منفعت یا با تعیین مدت است یا با تعیین مسافت است یا با تعیین کار مورد نظر است.

سؤالی در این خصوص مطرح می شود اگر کالایی به اجاره داده شود ولی مدت اجاره تعیین نشود اما عرفاً مدت مشخصی برای اجاره باشد، مثلاً فردی یک دستگاه کمباین را در فصل زراعی اجاره کند بر فرض که بتوان انتهای زمان استفاده از کمباین را بطور دقیق مشخص کرد (عرفاً مشخص باشد) آیا اجاره باطل است؟ در اینصورت اجاره صحیح است با استناد به م ۲۲۵ ق.م.



**سؤال:** آیا اجاره ی عین کلی جایز است یا تنها اجاره عین معین صحیح است؟

اجاره مال کلی با استناد به م ۴۸۲ و مبانی فقهی، اجاره ای جایز است. منظورمان این است که اجاره مال کلی مشروع است. البته اجاره چه نسبت به عین معین و چه نسبت به مال کلی عقد لازم است و مبتنی بر مغاینه است. از این رو لفظ « معین باشد » در م ۴۷۲ به معنای معلوم و معین بودن است نه به معنای عین معین بودن است.

**نکته:** اگر چه شرط معلوم و معین بودن عین مستأجره شامل همین مطلب در مورد اجاره بها نیز می باشد اما در این زمینه توجه به حکم استثنایی ماده ۳ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶ الزامی است: « در مواردی که اجاره نامه تنظیم شده باشد میزان اجاره بها همان است که در اجاره نامه قید شده و هر گاه اجاره نامه تنظیم نشده باشد به میزانی است که بین طرفین مقرر و یا عملی شده است و در صورتی که میزان آن معلوم نشود با رعایت مقررات این قانون از طرف دادگاه میزان اجاره بها به نرخ عادلانه روز تعیین می شود.»

**ماده ۴۷۳: لزوم مالک منافع بودن موجر**

۱- موجر باید مالک منافع عین مستأجره باشد و این ماده، دقیقاً همان شرط را می گوید.

**سؤال:** در اجاره ی عین معین، می توان مالک بودن منافع را برای موجر تصور کرد اما در اجاره ی کلی آیا لازم است که موجر در هنگام عقد، مالک منافع عین مستأجره باشد؟

در اجاره ی مال کلی مانند اجاره ی یک دستگاه اتوبوس با مشخصات ویژه لازم است که موجر در موعد تسلیم عین مستأجره، اتوبوسی را فراهم کرده و در اختیار مستأجر قرار دهد. پس ممکن است موجر در زمان عقد مالک اتوبوسی نباشد و تبعاً مالک منفعت هم نباشد، اما اجاره صحیح است. اگر وی در انتخاب مصداق اتوبوس در اجاره ی کلی اتوبوس، مال غیر را معرفی کند، عقد اجاره همچنان صحیح است و وفای به عهد او است که ایراد دارد. در این حالت مستأجر می تواند موجر را به انتخاب مصداقی که ایراد قانونی ندارد، ملزم نماید.



# حقوق جزای عمومی

مطابق آخرین تغییرات قوانین

## درس - نکته

قابل استفاده کلیه دانشجویان رشته حقوق، الهیات و معارف اسلامی و داوطلبان آزمون ورودی وکالت دادگستری و آزمون سردفتری استاد رسمی، آزمون ورودی منسب آضا و کنکور کارشناسی ارشد و دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی

**فاضل**

مؤسسه آموزش عالی  
www.fazel.ac.ir



مؤلف

دکتر صدیقه گلستان رو

مدرس دانشگاه و موسسات آموزش عالی



۱	مقدمه حقوق جزا
۵	بخش اول: مواد عمومی
۵	فصل اول: تعاریف
۶	مبحث اول- تفسیر قانون
۸	مبحث دوم- ارکان تشکیل دهنده جرم
۱۳	مبحث سوم- اقسام جرم
۲۲	فصل دوم: قلمرو اجرای قوانین جزایی در مکان
۳۶	فصل سوم: قلمرو اجرای قوانین جزایی در زمان
۴۲	فصل چهارم: قانون بودن جرائم، مجازاتها و دادرسی کیفری
۴۴	بخش دوم: مجازات ها
۴۴	فصل اول: مجازات های اصلی
۴۷	مبحث نخست- اقسام تعزیرات
۵۳	مبحث دوم- مجازات اشخاص حقوقی
۶۴	فصل دوم: مجازات تکمیلی و تبعی
۶۴	مبحث نخست- مجازتهای تکمیلی
۶۸	مبحث دوم- مجازات تبعی
۷۱	مبحث سوم- محکومیت مؤثر و غیرمؤثر کیفری
۷۶	فصل سوم: نحوه تعیین و اعمال مجازات ها
۷۷	مبحث نخست- شیوه اجرای مجازات حبس
۸۱	مبحث دوم- شیوه اعمال مجازاتهای تکمیلی
۸۵	فصل چهارم: تخفیف مجازات و معافیت از آن
۸۶	مبحث نخست- سبب های تخفیف مجازات
۹۴	مبحث دوم- سببهای معافیت از مجازات
۱۰۱	فصل پنجم: تعویق صدور حکم
۱۰۱	مبحث نخست- تعویق صدور حکم
۱۰۳	مبحث دوم- اقسام تعویق صدور حکم
۱۰۹	فصل ششم: تعلیق اجرای مجازات
۱۲۲	فصل هفتم- نظام نیمه آزادی
۱۲۴	فصل هشتم- نظام آزادی مشروط
۱۲۴	مبحث نخست، آزادی مشروط
۱۲۹	مبحث دوم- نظارت الکترونیک
۱۳۳	فصل نهم: مجازاتهای جایگزین حبس
۱۳۶	مبحث نخست- قلمرو جایگزین حبس
۱۳۷	مبحث دوم- اقسام جایگزین حبس
۱۳۹	مبحث سوم- ممنوعیت جایگزین حبس
۱۴۲	مبحث چهارم- دوره مراقبت
۱۴۳	مبحث پنجم- خدمات عمومی رایگان
۱۴۷	مبحث ششم- جزای نقدی روزانه
۱۵۲	فصل دهم: مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان
۱۶۵	فصل یازدهم: سقوط مجازاتها
۱۶۵	مبحث نخست: فوت محکوم علیه
۱۶۶	مبحث دوم- عفو



۱۷۴	مبحث سوم- نسخ قانون
۱۷۵	مبحث چهارم- گذشت شاکی
۱۸۷	مبحث پنجم- مرور زمان
۱۹۷	مبحث ششم- توبه
۲۰۳	مبحث هفتم- اعمال قاعده درأ
۲۰۵	بخش سوم: جرائم
۲۰۵	فصل اول: شروع به جرم
۲۰۶	مبحث نخست: شروع به جرم
۲۰۸	مبحث دوم- جرم محال
۲۰۹	مبحث سوم- جرم عقیم
۲۱۲	فصل دوم: شرکت در جرم
۲۲۱	فصل سوم: معاونت در جرم
۲۳۷	فصل چهارم: سردستگی گروه مجرمانه سازمان یافته
۲۴۱	فصل پنجم: تعدد جرم
۲۴۳	مبحث نخست- تعدد اعتباری (تعدد معنوی)
۲۴۷	مبحث دوم- تعدد واقعی
۲۵۷	فصل ششم: تکرار جرم
۲۶۵	بخش چهارم: شرایط و موانع مسئولیت کیفری
۲۶۵	فصل اول: شرایط مسئولیت کیفری
۲۷۶	فصل دوم: موانع مسئولیت کیفری
۳۰۹	بخش پنجم: ادله اثبات در امور کیفری
۳۰۹	فصل اول: مواد عمومی
۳۱۱	فصل دوم: اقرار
۳۱۶	فصل سوم: شهادت
۳۲۴	فصل چهارم: سوگند
۳۲۶	فصل پنجم: علم قاضی
۳۲۸	فصل ششم: مسائل متفرقه
۳۳۰	برای مطالعه بیشتر
۳۳۰	مبحث نخست- توضیحی درباره اقدام تأمینی
۳۳۵	مبحث دوم- بحثی درباره مجازات ها
۳۳۷	مبحث سوم: استرداد مجرمین
۳۴۳	فهرست منابع





## مقدمه حقوق جزا

حقوق با توجه به مباحثی که در آن مطرح می شود به دو دسته تقسیم می شود:

<p>حقوق</p>	<p>۱- ملی (داخلی): بررسی و تحلیل قواعد و مقررات مربوط به</p> <p>روابط بین اشخاص - روابط اشخاص و دولت متبوع</p>
<p>حقوق</p>	<p>۲- بین المللی: بررسی و تحلیل قواعد و مقررات مربوط به</p> <p>روابط بین المللی (یک دولت با دول بیگانه یا با سازمانهای بین المللی) - روابط بین اتباع دولت ها یا یک دولت با اتباع بیگانه</p>
<p>حقوق</p>	<p>- عمومی: بررسی قواعد مربوط به روابط</p> <p>دولت و مأموران دولتی با مردم - سازمان های دولتی - خصوصی: بررسی قواعد حاکم بر روابط افراد و رفتار آنهاست</p>

پس حقوق جزا از شاخه های حقوق عمومی است چون بحث از جرم، مجرم، نقش او در پدیده مجرمانه، مسئولیت کیفری و واکنش جامعه در برابر پدیده مجرمانه است و مجازات، واکنشی از سوی دولت است. حقوق جزا به حقوق جزای داخلی و بین المللی تقسیم می شود که هر یک دارای بخش های گوناگونی است.

## حقوق جزای داخلی ۳ بخش دارد:

- ۱- حقوق جزای عمومی: بررسی قواعد عام و مشترک جرایم (جرم، ارکان جرم، مسئولیت کیفری، شرایط و موانع آن، کیفیت تعیین مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی)
- ۲- حقوق جزای اختصاصی: بررسی خاص جرایم؛ توصیف پدیده مجرمانه و واکنش آن (بررسی ارکان هر جرم به طور جداگانه و واکنش قانون گذار در برابر آن و احکام خاص آن جرم)
- ۳- آیین دادرسی کیفری: بررسی قواعد و جنبه های اجرایی مربوط به کشف جرم، تحقیقات مقدماتی، تعقیب متهم و رسیدگی به امر کیفری و صدور حکم و اجرای مجازات و قوانین آن

## حقوق کیفری از جنبه بین المللی:

- ۱- حقوق جزای بین الملل: درباره صلاحیت مراجع جزایی خارجی و اجرای قوانین جزای خارجی و اعتبار احکام جزایی صادره از آنها بحث می کند و درباره حقوق داخلی که دارای یک عنصر خارجی است، مانند؛ تابعیت، محل وقوع جرم، ارزش های مورد حمایت که منبع آن حقوق داخلی است.
- ۲- حقوق بین الملل کیفری: رسیدگی به جرایم بین المللی و بررسی مراجع صالح برای رسیدگی بوده و منبع آن کنوانسیون ها، قانون بین المللی است و در یک دادگاه بین المللی است.

حقوق جزا از رشته های حقوق داخلی است چون قواعد آن به مرزهای یک کشور محدود می شود و درباره روابط افراد در سرزمین واحد است. (ماده ۳ ق.م.ا) و با دیگر شاخه های حقوق در ارتباط است به این صورت که:

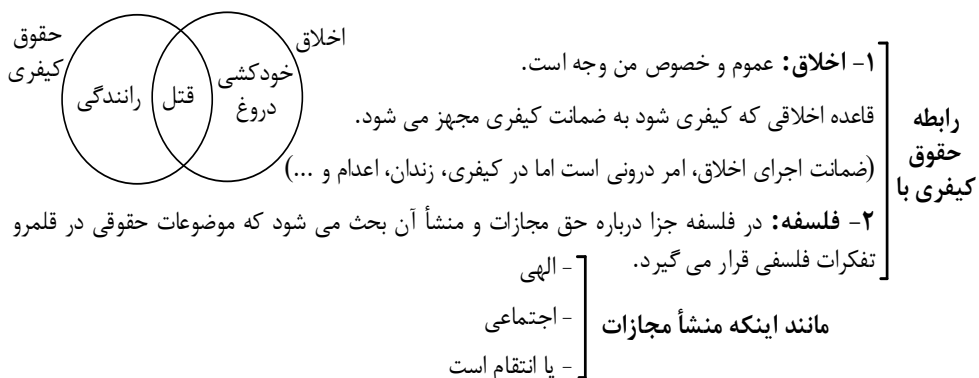
- ۱- حقوق اساسی: حقوق کیفری وظیفه پاسداری از حریم حقوق اساسی را دارد، ضامن اجرای آزادی های فردی و اجتماعی پیش بینی شده در قانون اساسی است همچنین حسن اجرای تکالیف دولت در قبال مجرمان و ... است.
- ۲- حقوق اداری: تخطی از وظایف کارگزاران دولتی گاهی جنبه کیفری به خود می گیرد و حقوق کیفری محدوده تخطی را از حقوق اداری می گیرد.
- ۳- بین الملل عمومی: عاملان نقض اصول و مقررات بین المللی قابل مجازات در دادگاههای داخلی هستند، از سویی در صورت خروج مجرم، مسائل استرداد مجرمین، پلیس بین الملل و ... نقطه اتصال این دو رشته است.



۴- حقوق کیفری و حقوق مدنی: گاهی تخلف از تعهدات ضمانت اجرای کیفری دارد، مانند ترک انفاق و گاهی اثبات جرم باید از جنبه مدنی اثبات شود مانند اثبات مالکیت در سرقت.

۵- حقوق تجارت: قانون گذار برای تجار وظایفی تعیین کرده که تخلف از آن وصف کیفری دارد. اما با وجود نقاط مشترک، حقوق کیفری استقلال دارد، زیرا:

- ۱- جرم ماهیتاً ضد اجتماعی است و محل نظم اجتماعی در نتیجه حتی گاهی با گذشت شاکی خصوصی تعقیب متوقف نمی شود.
- ۲- حقوق کیفری تابع اصول و قواعد خود است حتی در جرایم مربوط به ارزش های حقوق خصوصی و...
- ۳- شخصیت اشخاص در دادرسی کیفری مهم اما در حقوقی مهم نیست.



حقوق جزا دارای اهداف و ویژگی هایی به شرح زیر است:

- ۱- حفظ نظم عمومی و امنیت در جامعه
  - ۲- حفظ حدود آزادی افراد
  - ۳- اصلاح فرد بزهکار
  - ۴- پیشگیری
- اهداف خاص
- خاص یا فردی از تکرار جرم و ارتکاب توسط مجرم
  - عام یا اجتماعی، دیگر اشخاص مرتکب نشوند

### ویژگی حقوق جزا:

- ۱- الزامی بودن قواعد آن (آمره است و توافقی نیست)
- ۲- داشتن ضمانت اجرای خاص (مجازات)
- ۳- کلی و عام بودن قواعد آن (همه افراد در برابر قواعد آن برابرند).
- ۴- سرزمینی و شخصی بودن آن (داخل سرزمین و مخصوص شخص مجرم است).

**نکته مهم:** منابع حقوق جزا به دو دسته تقسیم می شود:

- ۱- **تقنینی:** در مرحله قانون گذاری منبع هستند: کتاب، سنت، اجماع، عقل، عرف، ضرورت ها، مصالح ناشی از ارزشها
- ۲- **قضایی:** در مرحله دادرسی مورد استفاده هستند که به دو دسته اصلی و فرعی تقسیم می شوند.



- منابع حقوق کیفری قضایی
- ۱- منابع صوری الزامی یا مستقیم یا اصلی که معتبر و قابل استناد دادگاه ها هستند.
  - ۲- منابع فرعی یا ارشادی یا تکمیلی یا غیر مستقیم یا استنباطی

### ۱- منابع صوری الزامی یا مستقیم یا اصلی که معتبر و قابل استناد دادگاه ها هستند.

- قانون
- ۱- مصوبات مجلس که طبق تشریفات ق.ا تصویب شده است.
  - ۲- مصوبات مجلس شورای ملی (مانند قانون شکار و صید)
  - ۳- لوایح شورای انقلاب (مانند عفو عمومی)
  - ۴- مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام (مانند قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس کلاهبرداری ...)
  - ۵- مصوبات کمیسیون های مجلس (آزمایشی اجرا شده و سپس به تصویب مجلس می رسد مانند ق.م.ا)
- ۲- آیین نامه های اجرایی قوه مجریه، توسط هیئت وزیران برای سهولت اجرای قوانین با اطلاع رئیس مجلس تصویب می شود.
  - ۳- آرای وحدت رویه یا رویه قضایی در معنای خاص که دیوان عالی کشور حکم می دهد و طبق ماده ۴۷۱ ق.ا.د.ک حکم قانون دارد و لازم الاتباع است.
  - ۴- معاهدات بین المللی با تصویب مجلس طبق اصل ۷۷ ق.ا و ماده ۹ ق.م قانون است.
  - ۵- منابع فقهی معتبر یا فتاوی معتبر ← طبق اصل ۱۶۷ و ماده ۲۲۰ ق.م.ا. [در باره حدودی که در قانون نیست. - تعزیرات منصوص شرعی.]

### ۲- منابع فرعی یا ارشادی یا تکمیلی یا غیرمستقیم یا استنباطی

- ۱- دکترین یا نظریات علمای حقوق نقش تفسیری دارد و استنباطی است.
- ۲- عرف و عادت: عاداتی که بین مردم به شکل قاعده الزامی شده است. بر مبنای ضرورت های اجتماعی مثلا برای تشخیص ماهیت مجرمانه که تعریفی در قانون ندارد مانند فحشا، منافی عفت، حرز و تأدیب
- ۳- رویه قضایی به معنای عام، آرای صادره دادگاه ها و یا شعب دیوان عالی کشور (عرف دادگاه ها)

### بخش اول: مواد عمومی

#### فصل اول: تعاریف

#### ماده ۱- موارد شمول قانون مجازات اسلامی:

#### ۱- جرائم و مجازات ها

#### مجازات های حدود، قصاص، دیات و تعزیرات

#### ۲- اقدامات تأمینی و تربیتی

(در مواد ۸۸ تا ۹۵ ق.م.ا درباره اطفال و نوجوانان و در ماده ۱۵۰ درباره مجانین)

#### ۳- شرایط مسئولیت کیفری: طبق ماده ۱۴۰ ق.م.ا: عقل، بلوغ و اختیار (مجموعه شرایط برای استحقاق مجازات)

#### ۴- موانع مسئولیت کیفری: گاهی مرتکب با اینکه رفتاری انجام داده که طبق قانون جرم است، گاهی به تصریح قانون گذار قابل مجازات نیست.

#### ۵- قواعد حاکم بر جرائم و مجازات ها و اقدامات تأمینی و قواعد حاکم بر چگونگی مسئولیت کیفری.

(همان قواعد عام و مشترک که به تعریف و تبیین جرم، وصف مجرمانه و علل تشدید یا تخفیف مجازات و مسئولیت جزایی می پردازد.)

- ۱- جرائم و مجازات ها
- چه رفتاری جرم است و مشمول چه عنوان مجرمانه ای است.
  - براساس قانون چه مجازاتی برای هر جرم مقرر می شود.



۲. اقدامات تأمینی و تربیتی که مربوط به اشخاصی است که مسئولیت کیفری ندارند (برای اشخاص دارای مسئولیت کیفری نیز می توان اقدام تأمینی و تربیتی تعیین کرد).

ماده ۲- تعریف جرم: هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می شود. ماده ۲ بیانگر «اصل قانونی بودن جرم و مجازات» است یعنی اینکه هیچ عملی جرم نیست مگر به موجب قانون و هیچ مجازاتی اجرا نمی شود مگر به موجب قانون.

نکته: طبق ماده ۱۸ آیین نامه دادرسی و دادگاههای ویژه روحانیت؛ هر فعل یا ترک فعلی که مطابق قوانین موضوعه یا احکام شرعیه قابل مجازات یا مستلزم اقدامات تأمینی و تربیتی باشد، جرم محسوب می شود. بنابراین تعریف جرم در آن با قانون فرق دارد. پس جرم هر رفتاری اعم از فعل (مثبت) یا ترک فعل (منفی) که در قانون (قانون عام یا خاص فقط منظور قانون مجازات اسلامی نیست.) مجازات تعیین شده دارد (دقت کنید که اقدامات تأمینی و تربیتی را بیان نکرده است).

### مبانی توجیه کننده اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها

۱- آیات قرآن کریم

- «ماکنا معذبین حتی نبعث رسولا» □ تا رسول نفرستیم (حکم ندهیم) عذاب نمی کنیم.

- «لا یكلف الله نفسا إلا ما آتیها» □ خداوند متعال کسی را مکلف نمی کند مگر آنچه به او داده است (احکام)

۲- سنت: حدیث رفع: از امت من نه چیز برداشته شد ... آنچه نمی دانند...

۳- قاعده قبح عقاب بلا بیان: مجازات بدون بیان قبیح و ناپسند است.

۴- اصل برائت: فرض بر بیگناهی اشخاص است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

۵- اصل اباحه: هرگاه شک کردیم عملی جرم یا گناه است، اصل بر این است که جرم نیست.

۶- اصول ۲۲، ۳۲، ۳۶، ۳۷، ۱۶۶ و ۱۶۹ قانون اساسی که همگی در مسیر ماده ۲ ق.م.ا هستند.

۷- اصل تفکیک قوا، لزوم اجرای عدالت از طریق برابری افراد در برابر قانون، حفظ حقوق و آزادی افراد و جلوگیری از تجاوز کارگزاران حکومتی، جلوگیری از تشتت آرای محاکم، جلوگیری از استبداد قضات، پیشگیری از وقوع جرم که مجرم سود و زیان را بامحاسبه جرم و مجازات در نظر بگیرد.

۸- اعلامیه جهانی حقوق بشر

۹- اعلامیه حقوق بشر فرانسه

نکته: اصل قانونی بودن جرم و مجازات از دو جنبه قابل توجه است:

۱- جنبه ماهوی اصل قانونی بودن: هیچ رفتاری جرم نیست مگر اینکه به موجب قانون پیش از ارتکاب عمل، جرم انگاری شده باشد و هیچ مجازاتی اعمال نمی شود مگر اینکه طبق قانون، مجازات آن تعیین شده باشد.

۲- جنبه شکلی اصل قانونی بودن: دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد یعنی صدور حکم و اجرای آن نیز باید طبق قانون و مستند به شرایط و کیفیات مقرر قانونی باشد. (ماده ۲ آ.د.ک)

### نتایج اصل قانونی بودن جرم و مجازات

۱- عطف بماسبق نشدن قوانین جزایی ← اصل ۱۶۹ ق.ا و مواد ۱۱ و ۱۰ ق.م.ا

۱- تبرئه در حال شک

۲- تفسیر مضیق و محدود قوانین جزایی ← ۲- منع دلیل تراشی به وسیله قیاس

### مبحث اول- تفسیر قانون:

یعنی زدودن ابهام و اجمال از متن قانون و روشن کردن مقصود قانون گذار است از طریق قواعد و مقررات ادبی یا منطقی یا با سوابق تاریخی. موارد مبهم مانند تشویش اذهان عمومی، عمل منافی عفت، اعمال منجر به نقض استقلال کشور، اموال تاریخی- فرهنگی، آلات مخصوص قمار (مفهوم این کلمات مشخص نشده و ابهام دارد).



تفسیر از جهات گوناگون تقسیماتی دارد به این صورت که:

- ۱- تفسیر قانونی: دو دسته است:
- ۱- تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است.
- ۲- تفسیر قانون اساسی در صلاحیت شورای نگهبان است.
- ویژگی تفسیر قانونی: مهم ترین نوع تفسیر است و عطف بماسبق می شود.
- ۲- تفسیر قضایی: تفسیر مقام قضایی
- ۱- اگر قاضی به بهانه اجمال قانون حکم ندهد ← مستنکف از احقاق حق است.
- ۲- طبق ماده ۵۹۷ تعزیرات به انفصال از شغل قضا و تأدیه خسارت به اشخاص محکوم می شود.
- ۳- منشأ شک قاضی سکوت یا اجمال قانون یعنی شبهه حکمیه است.
- ۳- تفسیر شخصی: تفسیر توسط دکترین و حقوقدانان

نکته: تفسیر در جایی است که:

- ۱- مفهوم قانون روشن نباشد.
- ۲- مفهوم قانون روشن است اما در سعه و ضیق مدلول آن تردید است یعنی در قلمرو آن شک داریم.
- اقسام تفسیر به اعتبار ماهیت تفسیر:

- ۱- تفسیر منطقی، توضیحی یا غایی: احراز نظر مقنن که منظور قانون گذار چیست.
- ۲- تفسیر مضیق، محدود، ادبی، لفظی یا منطوقی: تفسیر طبق لفظ قانون که دقیقاً معنای لفظ چیست برای حفاظت از اصل قانونی بودن جرم و مجازات
- ۳- تفسیر موسع: در قوانین جزایی ممنوع است.
- ۴- تفسیر از طریق قیاس: در قوانین جزایی ممنوع است مگر در قیاس منصوص العله (برخی معتقدند در موارد تفسیر به نفع متهم قیاس ممکن می شود مانند عوامل موجهه)

مراحل تفسیر

۱- احراز نظر مقنن

۲- تفسیر مضیق

۳- تفسیر به نفع متهم

(ریشه در اصل برائت دارد.)

نکته: محدوده اختیار قاضی در تفسیر قانون در حد رفع ابهام و اجمال است و قاضی حق جرم انگاری و جرم زدایی ندارد.



# حقوق جزای اختصاصی

درس - نکته - تست

قابل استفاده کلیه دانشجویان رشته حقوق، الهیات و معارف اسلامی و داوطلبان  
آزمون ورودی وکالت دادگستری و آزمون سردفتری اسناد رسمی،  
آزمون ورودی منصب قضا و کنکور کارشناسی ارشد و دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی

فاضل  
مؤسسه آموزش عالی  
www.fazel.ac.ir



مؤلف

دکتر صدیقه گلستان رو



۰۲۱ ۴۲۳۰۴۰۱۴  
۰۲۱ ۲۲۴۴۲۲۴۰۶



شیراز / پارامونت / ابتدای  
خیابان نصر دشت / کوچه ۱



www.fazel.ac.ir

فهرست مطالب

۱۲	حدود و تعزیرات
۱۲	کتاب دوم: حدود
۱۲	مواد عمومی حدود
۱۵	جرایم علیه امنیت حدی
۲۸	تعزیرات
۲۸	فصل اول: جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور (مواد ۵۱۲ - ۴۹۸)
۵۶	جرایم رایانه ای علیه امنیت
۵۶	فصل اول از بخش اول جرایم رایانه ای
۵۷	اهانت به مقدسات مذهبی حدی
۵۷	سبّ نبی
۵۹	فصل دوم تعزیرات: اهانت به مقدسات مذهبی و سوء قصد به مقامات داخلی
۶۳	فصل سوم: سوء قصد به مقامات سیاسی خارجی:
۶۶	فصل چهارم: تهیه و ترویج سکه قلب
۷۶	فصل پنجم: جعل و تزویر
۱۱۴	فصل ششم: محو یا شکستن مهر و پمپ و سرقت نوشته ها از اماکن دولتی
۱۱۶	فصل هفتم
۱۱۶	تخریب در زندان توسط زندانی
۱۲۳	فصل هشتم: غصب عناوین و مشاغل
۱۲۵	فصل نهم: تخریب اموال تاریخی و فرهنگی:
۱۳۴	فصل دهم: تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی
۱۳۴	سلب حقوق و آزادی مردم
۱۴۶	فصل یازدهم: ارتشاء و ربا و کلاهبرداری
۱۴۶	کلاهبرداری (همان، ج ۲، ص ۱۵۵-۱)
۱۸۳	فصل یازدهم: رشا و ارتشا و ربا
۱۸۳	مبحث نخست: رشوه
۱۹۷	مبحث دوم: ربا
۲۰۰	فصل دوازدهم: امتناع از انجام وظایف قانونی
۲۰۱	فصل سیزدهم: تعدیات مأمورین دولتی نسبت به دولت
۲۱۰	فصل چهاردهم: تمرد نسبت به مأمورین دولت
۲۱۱	فصل پانزدهم: هتک حرمت اشخاص
۲۱۱	۱- هتک حرمت حدی (قذف)
۲۱۶	۲- هتک حرمت تعزیری
۲۲۴	(مواد ۶۹۷ تا ۷۰۰ مرتبط با این فصل هستند)
۲۲۵	فصل شانزدهم: اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرایم
۲۲۵	تبانی در جرم علیه امنیت
۲۲۹	فصل هفدهم: جرایم علیه اشخاص و اطفال
۲۲۹	تعزیر بدل از قصاص نفس
۲۵۵	فصل هجدهم: جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی
۲۵۵	الف) جرایم منافی عفت حدی
۲۷۳	فصل نوزدهم: جرایم ضد حقوق و تکالیف خانوادگی
۲۷۷	فصل بیستم: قسم و شهادت دروغ و افشای سر



۲۷۷	افشای اسرار حرفه ای
۲۸۰	فصل بیست و یکم: سرقت و ربودن مال غیر
۲۹۶	سرقت تعزیری
۳۱۲	فصل بیست و دوم: تهدید و اکراه
۳۱۵	فصل بیست و سوم: ورشکستگی
۳۱۷	فصل بیست و چهارم: خیانت در امانت
۳۳۱	فصل بیست و پنجم: احراق و تخریب و اتلاف اموال و حیوانات
۳۴۴	فصل بیست و ششم: هتک و حرمت منازل و املاک غیر
۳۵۰	فصل بیست و هفتم: افترا و توهین و هتک حرمت
۳۵۶	فصل بیست و هشتم: تجاهر به استعمال مشروبات الکلی و قماربازی و ولگردی
۳۶۴	فصل بیست و نهم: جرایم ناشی از تخلفات رانندگی
۳۷۶	مبحث دوم: تخریب و اخلاق در داده ها یا سامانه های رایانه ای و مخابراتی:
۳۷۸	فصل سوم: سرقت و کلاهبرداری مرتبط با رایانه:
۳۸۰	فصل چهارم: جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی
۳۸۲	فصل پنجم: هتک حیثیت و نشر اکاذیب
۳۸۴	فصل ششم: مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی
۳۸۹	فصل هفتم: سایر جرایم
۳۹۰	فصل هشتم: تشدید مجازات
۳۹۶	بخش سوم: سایر مقررات
۴۱۴	کتاب سوم- قصاص
۴۱۴	بخش اول - مواد عمومی
۴۱۴	فصل اول- اقسام و تعاریف جنایات
۴۲۹	فصل دوم- تداخل جنایات
۴۳۲	فصل سوم- شرایط عمومی قصاص
۴۴۰	فصل چهارم- راه های اثبات جنایت
۴۵۰	فصل پنجم- صاحب حق قصاص
۴۶۱	فصل هفتم- اکراه در جنایت
۴۶۳	بخش دوم- قصاص نفس
۴۶۵	بخش سوم- قصاص عضو
۴۶۵	فصل اول- موجب قصاص عضو
۴۶۸	فصل دوم- شرایط قصاص عضو
۴۷۵	بخش چهارم- اجرای قصاص
۴۷۵	فصل اول- مواد عمومی
۴۸۲	فصل سوم- اجرای قصاص عضو
۴۸۵	کتاب چهارم- دیات
۴۸۵	بخش اول - مواد عمومی
۴۸۵	فصل اول - تعریف دیه و موارد آن
۴۸۷	فصل دوم - ضمان دیه
۴۸۸	فصل سوم - راه های اثبات دیه
۴۸۹	فصل چهارم - مسؤول پرداخت دیه
۴۹۵	فصل پنجم - مهلت پرداخت دیه
۵۰۷	فصل هفتم - تداخل و تعدد دیات





۵۱۱.....	بخش دوم - مقادیر دیه .....
۵۱۱.....	فصل اول - دیه نفس .....
۵۱۴.....	فصل دوم - قواعد عمومی دیه اعضاء .....
۵۱۷.....	فصل سوم - دیه مقدر اعضاء .....
۵۳۰.....	فصل چهارم - قواعد عمومی دیه منافع .....
۵۳۱.....	فصل پنجم - دیه مقرر منافع .....
۵۳۵.....	فصل ششم - دیه جراحات .....
۵۳۷.....	فصل هفتم - دیه جنین .....
۵۳۸.....	فصل هشتم - دیه جنایت بر میت .....
۵۴۰.....	منابع .....



حدود و تعزیرات  
کتاب دوم: حدود  
مواد عمومی حدود:

طبق ماده ۱۵ ق.م.ا ۱۰ ← حد مجازاتی است که

موجب -  
نوع -  
میزان -  
و کیفیت اجرای آن -

در شرع مشخص شده است.

ماده ۲۱۷: «در جرایم موجب حد، مرتکب در صورتی مسئول است که علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسئولیت کیفری به حرمت شرعی رفتار ارتكابی نیز آگاه باشد.»

شرط مسئولیت کیفری در جرایم حدی

۱- علم به موضوع جرم  
۲- داشتن قصد ارتكاب جرم  
۳- وجود شرایط مسئولیت کیفری (عقل، بلوغ و اختیار)  
۴- علم به حرمت شرعی رفتار ارتكابی (جهل حکمی پذیرفته شده است.)

نکته: جهل به قانون یعنی جهل به جرم بودن رفتار ارتكابی، فقط در حدود رافع مسئولیت کیفری است.

جهل به قانون رافع مسئولیت کیفری نیست مگر اینکه

- تحصیل علم عادتاً برای وی ممکن نبوده (ماده ۱۵۵)  
- یا شرعاً عذر شمرده شود. (حدود)

نکته: در حدود اصل بر این است که مرتکب نسبت به حرمت عمل ارتكابی علم ندارد.

تأثیر ادعای فقدان علم یا قصد در جرایم حدی:

ماده ۲۱۸: «در جرایم موجب حد هرگاه متهم ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسئولیت کیفری را در زمان ارتكاب جرم نمایند در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود و اگر ادعا کند که اقرار او با تهدید و ارباب یا شکنجه گرفته شده است ادعای مذکور بدون نیاز به بینه و سوگند پذیرفته می شود.»

تبصره ۱: «در جرایم محاربه و افساد فی الارض و جرایم منافی عفت با عنف، اکراه، ربایش یا اغفال، صرف ادعا مسقط حد نیست و دادگاه موظف به بررسی و تحقیق است.»

تبصره ۲: «اقرار در صورتی اعتبار شرعی دارد که نزد قاضی در محکمه انجام گیرد.»

در جرایم حدی

صرف ادعای

- مستوجب حد محاربه، افساد یا جرایم منافی عفت با عنف، اکراه، ربایش یا اغفال

- فقدان علم یا قصد  
- وجود موانع مسئولیت کیفری  
مسطق حد نیست و دادگاه موظف به بررسی و تحقیق است.

- فقدان علم یا قصد یا وجود موانع مسئولیت کیفری، در صورتی که احتمال صدق گفتار او داده شود.  
- که اقرار با تهدید، ارباب و شکنجه گرفته شده

- در سایر جرایم حدی  
- اگر مرتکب ادعا کند

← ادعای مرتکب بدون بینه و سوگند پذیرفته می شود. یعنی شبهه موجب عدم اثبات است.



## نکته: در جرایم منافی عفت

- ۱- اگر اکراهی بودن جرم در دادگاه ثابت نشده و یکی از مرتکبین ادعای اکراه کند ← احتمال صدق گفتار او داده شود ← ادعای او مسموع است.
- ۲- اگر اکراهی بودن در دادگاه ثابت شود و مرتکب ادعا کند تحت شکنجه اقرار کرده یا علم نداشته یا مست بوده ← در جرایم منافی عفت با عنف، اکراه، ربایش و اغفال صرف ادعا مسقط حد نیست و باید توسط دادگاه بررسی شود طبق تبصره ۱ ماده ۲۱۸

- نزد قاضی در محکمه اعتبار دارد.

## اقرار

- اما اقراری که نزد ضابطین دادگستری یا مقامات دادرسی باشد دارای اعتبار نیست.

- مرتکب ادعا می کند اقرار وی با شکنجه، تهدید یا ارعاب بوده ← یعنی قصد اقرار نداشته اما به خاطر تهدید یا ارعاب یا شکنجه مجبور به اقرار شده است.

## در اقرار

← بدون بینه و سوگند ادعای او پذیرفته می شود. (ماده ۲۱۸)

- مرتکب، اقرار را انکار کند یعنی با قصد و اختیار اقرار کرده ام. اما اقرار خلاف واقع بوده است.

که طبق ماده ۱۷۳ ق.ا.م.ا: «انکار پس از اقرار موجب سقوط مجازات نیست به جز در اقرار به جرمی که مجازات آن رجم یا حد قتل است که در این صورت در هر مرحله و در حین اجرا مجازات مزبور ساقط و به جای آن در زنا و لواط صد ضربه شلاق و در غیر آنها حبس تعزیری درجه پنج ثابت می شود.»

## ماده ۲۱۹: تغییر در مجازات حدی

ماده ۲۱۹: «دادگاه نمی تواند کیفیت نوع و میزان حدود شرعی را تغییر یا مجازات را تغییر دهد یا تبدیل یا ساقط نماید این مجازات ها تنها از طریق توبه و عفو به کیفیت مقرر در این قانون قابل سقوط، تقلیل یا تبدیل است.»

- نوع، کیفیت، میزان حد قابل تغییر، تقلیل، تبدیل یا اسقاط نیست.

- معافیت از کیفر، تعویق صدور حکم، تعلیق مجازات، نظام نیمه آزادی، آزادی مشروط، نظارت سامانه الکترونیک در جرایم حدی اعمال نمی شود.

## در جرایم حدی

- عفو خصوصی می تواند باعث سقوط مجازات حدی شود ← طبق ماده ۱۱۴ ق.ا.م.ا در جرایم حدی غیر از کذف اگر حد با اقرار ثابت شده باشد در صورت توبه مرتکب، حتی پس از اثبات جرم دادگاه می تواند عفو مجرم را از رهبری درخواست کند توسط رئیس قوه قضائیه.

- توبه مجرم در جرایم حدی مگر کذف و محاربه پیش از اثبات جرم موجب سقوط حد است. (ماده ۱۱۴ ق.ا.م.ا)



## توبه در جرایم حدی (ماده ۱۱۴)

- ۱- در محاربه
- پس از دستگیری موجب سقوط نیست.
  - پیش از دستگیری یا تسلط موجب سقوط است.
- ۲- در قذف ← با توبه ساقط نمی شود.
- ۳- سایر حدود
- قبل از اثبات جرم توبه کند ← حد ساقط می شود
  - بعد از اثبات جرم توبه کند
  - با اقرار ثابت شده ← حق درخواست عفو توسط دادگاه
  - با شاهد ثابت شده ← مجازات ساقط نمی شود.
- ۴- توبه در زنا و لواط به عنف، اکراه یا اغفال بزه دیده پیش از اثبات جرم موجب سقوط حد و تبدیل به تعزیر یعنی حبس یا شلاق تعزیری درجه ۶ یا هر دو می شود.

حدودی که در قانون نیست:

ماده ۲۲۰: «در مورد حدودی که در این قانون ذکر نشده است طبق اصل یکصد و شصت و هفت قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عمل می شود.»

اصل بر قانونی بودن جرم و مجازات است. اما طبق این ماده درباره حدودی که در قانون بیان شده مانند ارتداد به قاضی اجازه داده به منافع فقهی یا فتاوی معتبر مراجعه کند و مرتکب را مجازات کند.

نکات جرایم حدی:

- ۱- حدود مشمول مرور زمان نمی شود ← مرور زمان مخصوص جرایم تعزیری است.
- ۲- ایام بازداشت قبلی ← در شلاق و حبس حدی محاسبه نمی شود.
- ۳- امکان مجازات تکمیلی در جرایم حدی وجود دارد و دادگاه در اعمال آن حداکثر تا ۲ سال اختیار دارد. (ماده ۲۳۳ ق.ا.م.)
- ۴- امکان اعمال مجازات تبعی در جرایم حدی: (ماده ۲۵ ق.ا.م.)
- ۲ سال محرومیت از حقوق اجتماعی ← در شلاق حدی
  - ۳ سال محرومیت از حقوق اجتماعی ← در حد قطع عضو (سرقت و محاربه)
  - ۷ سال محرومیت از حقوق اجتماعی ← در سلب حیات از توقف حکم و حبس ابد از تاریخ توقف اجرای حکم
- ۵- مجازات شروع به اجرای حد: (ماده ۱۲۲ ق.ا.م.)
- مجازات مستوجب سلب حیات یا حبس دائم ← حبس تعزیری درجه ۴ (سرقت حدی مرتبه سوم، لواط ...)
  - مستوجب قطع عضو ← حبس تعزیری درجه ۵
  - مستوجب شلاق حدی ← حبس یا شلاق تعزیری درجه ۶
- ۶- مجازات معاونت در جرایم حدی: (ماده ۱۲۷ ق.ا.م.)
- حدی مستوجب سلب حیات یا حبس دائم ← درجه ۲ یا ۳ (حبس)
  - حدی موجب قطع عضو و سرقت حدی ← درجه ۵ یا ۶ (حبس)
  - حدی مستوجب شلاق ← درجه ۶ (فقط شلاق)
- ۷- مجازات سردسته در جرایم حدی ← حداکثر مجازات معاونت در همان جرم (ماده ۱۳۰ ق.ا.م.)
- ۸- سوگند و شهادت بر شهادت در اثبات جرایم حدی نقشی ندارد.



جرایم علیه امنیت حدی:

۱- محاربه مواد (۲۸۵-۲۷۹)

ماده ۲۷۹: «کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی شود.»

محاربه مصداق و نمونه بارز جرایم علیه امنیت در حقوق ایران و فقه اسلامی است.

- |  |   |               |
|--|---|---------------|
| <p>رفتار: کشیدن سلاح (برهنه کردن سلاح)</p> <p>شرایط و اوضاع و احوال</p> <p>مر تکب: هر کسی ← زن یا مرد (در هر مکان شهر یا خارج شهر و هر زمان شب یا روز)</p> <p>موضوع جرم: علیه امنیت به صورت عمومی است.</p> <p>وسيله جرم: سلاح</p> <p>نتیجه: سلب امنیت مردم راهها</p> | } | عنصر مادی     |
| <p>سوءنیت عام ← علم به موضوع و عمد در کشیدن سلاح</p> <p>سوءنیت خاص ← قصد تعرض به جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها</p> <p>نکته: قصد غیرمستقیم برای ارتکاب جرم کافی است پس اگر</p>   | } | ۲- عنصر معنوی |
| <p>قصد اولیه ربودن هواپیما یا مال دیگری باشد</p> <p>همین که می داند کار او موجب سلب امنیت می شود محارب است</p>   | } |               |
- مانند راهزن، سارق و قاچاقچی که دست به سلاح می برد و موجب سلب، امنیت مردم و راهها می شود.



## نکات محاربه

۱- واژه «مردم» نشان می دهد در محاربه باید نوعی «عمومیت» در جرم وجود داشته باشد.  
 ← کسی که با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد، محاربه نیست. مانند چاقو کشیدن روی صاحب خانه، مغازه دار یا دختری که به خواستگاری او جواب منفی داده

۲- در عمل لازم نیست که تعداد زیادی را بترساند ← یک نفر را بترساند، محاربه محقق شده است.  
 ۳- محاربه جرم مقید است، مقید به سلب امنیت و ایجاد رعب و هراس است یعنی ایجاد ناامنی در محیط

← کسی که به روی مردم سلاح بکشد ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی شود.

ناتوانی  
 - جسمی ← ضعیف الجثه یا شیوه عمل او خنده دار باشد و جدی نباشد و کلماتش یا رفتارش این را نشان دهد. بالاخره به نوعی مردم نترسند.  
 - روحی ← ترسو  
 - مهارتی و ... ← ناآشنا به کاربرد اسلحه

۴- کشیدن سلاح مستلزم استفاده عملی از آن نیست ← مثلاً هفت تیری را بکشد اما شلیک نکند در صورت سلب امنیت محارب است. (از مصادیق بارز محاربه، قطاع الطریق است.)

۵- سلاح  
 - آنچه برای نزاع و جنگیدن ساخته شده و معنای آن از لحاظ زمان و مکان متغیر است.  
 - برداشت عرف از سلاح یا اسلحه اعم از سرد و گرم است ← تفنگ، هفت تیر، مسلسل، توپ، تانک و ... اسلحه سرد مانند چاقو، شمشیر، خنجر، نیزه، قمه و ...

اما عصا، سنگ، بیل، داس (ابزار کار)، چوب، تازیانه، ادویه مانند فلفل، اسیدپاشی، آتش زدن و غیر سلاح نیست.

نکته: ساتور برای قصابی ساخته شده اما عنوان سلاح سرد بر آن صدق می کند.

ماده ۲۸۰: مقابله با محاربان

ماده ۲۸۰: «فرد یا گروهی که برای دفاع و مقابله با محاربان دست به اسلحه ببرد، محارب نیست.»

کسی که برای دفاع و مقابله دست به اسلحه ببرد، تخصصاً از محاربه خارج است زیرا در محاربه قصد خاص ترساندن مردم را لازم است.



# حقوق تجارت

## درس - نکته

قابل استفاده کلیه دانشجویان رشته حقوق، الهیات و معارف اسلامی و داوطلبان آزمون ورودی وکالت دادگستری و آزمون سردفتری اسناد رسمی، آزمون ورودی منصب قضا و کنگور کارشناس ارشد و دکتری حقوق خصوصی

**فاضل**  
 مؤسسه آموزش عالی  
 www.fazel.ac.ir



## مؤلفین

مجتبی نعمت الهی: دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، عضو کانون وکلای دادگستری فارس  
 الهه جمشیدی: کارشناس ارشد حقوق خصوصی، عضو کانون وکلای دادگستری فارس



## فهرست مطالب

۲	تجارت ۱
۲	تاجر و معاملات تجارتي
۳	تعريف تاجر
۶	اعمال تجارتي
۲۱	تكاليف تجار
۲۴	انواع دفاتر تجارتي
۳۰	دلالي
۳۹	حق العمل كاري
۴۸	قرار داد حمل و نقل
۵۴	قائم مقام تجارتي و ساير نمايندگان تجارتي
۵۶	ضمانت
۶۱	تجارت ۲
۶۱	شرکت ها
۶۲	كلييات
۷۷	بخش اول - بررسي شرکت ها به تفكيك
۷۷	شرکت هاي سهامي
۸۷	تعريف سهم
۹۵	اوراق قرضه
۹۵	انواع اوراق قرضه
۹۸	اوراق مشاركت
۱۰۰	اركان شرکت هاي سهامی
۱۲۰	تغييرات سرمايه در شرکت سهامی
۱۲۵	انحلال شرکت هاي سهامی
۱۳۱	شرکت با مسئوليت محدود
۱۳۸	شرکت تضامنی (مواد ۱۱۶ تا ۱۴۰ ق.ت) و شرکت نسبی (مواد ۱۸۳ تا ۱۸۹ ق.ت)
۱۴۳	شرکت مختلط سهامی و شرکت مختلط غير سهامی
۱۴۹	بخش دوم: بررسي شرکت ها به صورت تطبيقي
۱۹۰	تجارت ۳
۱۹۰	اسناد تجاري
۱۹۲	كلييات
۲۰۰	مقايسه برات- سفته- چك از منظرهاي گوناگون
۲۰۴	ظهنرئيسی در اسناد تجاری
۲۱۲	نكات مربوط به اصلاح قانون چك (مصوب ۱۳۹۷)
۲۲۴	تجارت ۴
۲۲۴	ورشكستگي
۲۲۵	تعريف ورشكستگي
۲۲۵	انواع ورشكستگي
۲۳۱	اوصاف حكم ورشكستگي
۲۳۲	آثار حكم ورشكستگي
۲۳۷	فرايند جريان ورشكستگي





- ۲۴۴ ..... قرار داد ارفاقی
- ۲۵۲ ..... اعاده اعتبار
- ۲۵۳ ..... نکات مهم قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی



## بخش اول - بررسی شرکت ها به تفکیک:

## شرکت های سهامی:

الف: سهامی عام (ماده ۴ و ۶ لایحه) ب: سهامی خاص (ماده ۴ و ۲۰ لایحه)

**ماده ۴ - شرکت سهامی** به دو نوع تقسیم می‌شود:

نوع اول - شرکت‌هایی که مؤسسين آنها قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تأمین می‌کنند. این گونه شرکت‌ها شرکت سهامی عام نامیده می‌شوند.

نوع دوم - شرکت‌هایی که تمام سرمایه آنها در موقع تأسیس منحصراً توسط مؤسسين تأمین گردیده است. این گونه شرکت‌ها شرکت سهامی خاص نامیده می‌شوند.

تبصره - در شرکت‌های سهامی عام عبارت "شرکت سهامی عام" و در شرکت‌های سهامی خاص عبارت "شرکت سهامی خاص" باید قبل از نام شرکت یا بعد از آن بدون فاصله با نام شرکت در کلیه اوراق و اطلاعیه‌ها و آگهی‌های شرکت به طور روشن و خوانا قید شود.

**ماده ۶ -** برای تأسیس شرکت‌های سهامی عام مؤسسين باید اقلأً بیست درصد سرمایه شرکت را خود تعهد کرده و لااقل سی و پنج درصد مبلغ تعهدشده را در حسابی به نام شرکت در شرف تأسیس نزد یکی از بانک‌ها سپرده سپس اظهارنامه‌ای به ضمیمه طرح اساسنامه شرکت و طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام که به امضاء کلیه مؤسسين رسیده باشد در تهران به اداره ثبت شرکت‌ها و در شهرستان‌ها به دایره ثبت شرکت‌ها و در نقاطی که دایره ثبت شرکت‌ها وجود ندارد به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و رسید دریافت کنند.

تبصره - هرگاه قسمتی از تعهد مؤسسين به صورت غیر نقد باشد باید عین آن یا مدارک مالکیت آن را در همان بانکی که برای پرداخت مبلغ نقدی حساب باز شده است تودیع و گواهی بانک را به ضمیمه اظهارنامه و ضامناً آن به مرجع ثبت شرکت‌ها تسلیم نمایند.

**ماده ۲۰ -** برای تأسیس و ثبت شرکت‌های سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکت‌ها کافی خواهد بود:

۱. اساسنامه شرکت که باید به امضاء کلیه سهامداران رسیده باشد.
۲. اظهارنامه مشعر بر تعهد کلیه سهام و گواهینامه بانکی حاکی از تأدیه قسمت نقدی آن که نباید کمتر از سی و پنج درصد کل سهام باشد. اظهارنامه مذکور باید به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد. هرگاه تمام یا قسمتی از سرمایه به صورت غیر نقد باشد باید تمام آن تأدیه گردیده و صورت تقویم آن به تفکیک در اظهارنامه منعکس شده باشد و در صورتی که سهام ممتاز وجود داشته باشد باید شرح امتیازات و موجبات آن در اظهارنامه منعکس شده باشد.
۳. انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت که باید در صورت جلسه‌ای قید و به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد.
۴. قبول سمت مدیریت و بازرسی با رعایت قسمت اخیر ماده ۱۷
۵. ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که هر گونه آگهی راجع به شرکت تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشر خواهد شد

تبصره - سایر قیود و شرایطی که در این قانون برای تشکیل و ثبت شرکت‌های سهامی عام مقرر است در مورد شرکت‌های سهامی خاص لازم‌الرعایه نخواهد بود.

## تفاوت دو شرکت سهامی عام و سهامی خاص:

۱- تفاوت از حیث نحوه تأمین سرمایه

- سهامی خاص: خود مؤسسين سرمایه شرکت را تأمین می‌کنند
- سهامی عام: بخشی از سرمایه توسط مؤسسين و بخشی توسط مردم تأمین می‌شود.



- ۲- تفاوت از حیث تعداد سهامداران
- سهامی خاص: حداقل ۳ نفر
  - سهامی عام: حداقل ۵ نفر
- ۳- تفاوت از حیث مدیران (ماده ۱۰۷ لایحه)<sup>۱</sup>
- سهامی خاص: حداقل ۳ نفر
  - سهامی عام: حداقل ۵ نفر
- ۴- تفاوت از حیث امکان ورود به بورس
- سهامی خاص: این شرکت نمی تواند وارد بورس شود (م ۲۱ لایحه)
  - سهامی عام: این شرکت می تواند وارد بورس شود.
- ۵- تفاوت از حیث حداکثر مبلغ اسمی سهام
- سهامی عام: حداکثر ۱۰ هزار ریال (م ۲۹ لایحه)
  - سهامی خاص: محدودیتی وجود ندارد.
- ۶- تفاوت از حیث امکان انتقال سهام
- در هر دو شرکت اصل بر آزادی نقل و انتقال سهام است
- سهامی عام: نمی توان نقل و انتقال سهام را در اساسنامه محدود کرد.
  - سهامی خاص: می توان این محدودیت را ایجاد کرد
- ۷- تفاوت از حیث امکان انتشار اوراق قرضه
- سهامی عام: انتشار اوراق قرضه ممکن است (م ۵۱ لایحه)
  - سهامی خاص: ممکن نیست
- توجه: اکنون به جای انتشار اوراق قرضه، اوراق مشارکت منتشر می شود که در جای خود بحث خواهد شد.
- ۸- تفاوت در میزان سرمایه
- سهامی عام: حداقل پانصد هزار تومان
  - سهامی خاص: حداقل یکصد هزار تومان
- ۹- تفاوت از حیث بازرسی شرکت: هر دو شرکت نیاز به بازرسی دارند.
- سهامی عام: بازرسی حتماً باید از بین مؤسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی باشد. (طبق قانون نحوه استفاده از خدمات تخصصی حسابداران رسمی در شرکت ها)
  - سهامی خاص: بازرسی هر شخصی می تواند باشد.
- ۱۰- تفاوت از حیث لزوم تشکیل مجمع عمومی موسس:
- سهامی عام: الزامی است
  - سهامی خاص: الزامی نیست و در صورت تشکیل م.ع.م، از مقررات حد نصاب تشکیل جلسات و تصمیم گیری در م.ع.م تبعیت نمی کند.
- ۱۱- نحوه تصمیم گیری های اولیه:
- سهامی عام: با اکثریت دو سوم آرای حاضرین
  - سهامی خاص: همواره با اتفاق آرا

<sup>۱</sup> ماده ۱۰۷ - شرکت سهامی به وسیله هیأت مدیره ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل می باشند اداره خواهد شد. عده اعضای هیأت مدیره در شرکت های سهامی عمومی نباید از پنج نفر کمتر باشد.

<sup>۲</sup> ماده ۲۱ - شرکت های سهامی خاص نمی توانند سهام خود را برای پذیره نویسی یا فروش در بورس اوراق بهادار یا توسط بانکها عرضه نمایند و یابه انتشار آگهی و اطلاعیه و یا هر نوع اقدام تبلیغاتی برای فروش سهام خود مبادرت کنند مگر این که از مقررات مربوط به شرکت های سهامی عام به نحوی که در این قانون مذکور است تبعیت نمایند

<sup>۳</sup> ماده ۲۹ - در شرکت های سهامی عام مبلغ اسمی هر سهم نباید از ده هزار ریال بیشتر باشد.

<sup>۴</sup> ماده ۵۱ - شرکت سهامی عام می تواند تحت شرایط مندرج در این قانون اوراق قرضه منتشر کند.



**نکته:** در شرکت سهامی عام تمام تصمیمات اولیه در مجمع عمومی موسس و با اکثریت  $\frac{2}{3}$  آرا حاضر در جلسه اخذ می باشد (تصویب اساسنامه- تصویب اظهارنامه- انتخاب اولین مدیران و بازرسان- انتخاب اولین روزنامه کثیرالانتشار و ...) اما در شرکت سهامی خاص این تصمیمات اولیه چه مجمع موسس برگزار شود چه نشود باید به اتفاق آرا باشد یعنی همه موسسین با آن موافق باشند.

### الف: تشکیل شرکت سهامی عام:

مراحل تشکیل شرکت سهامی عام به ترتیب اقداماتی که باید توسط مؤسسین انجام شود به شرح زیر است:

- ۱- تهیه طرح اساسنامه از سوی مؤسسین
- ۲- تعهد لاقفل بیست درصد سرمایه شرکت و پرداخت لاقفل سی و پنج درصد مبلغ تعهد شده در حسابی به نام "شرکت در شرف تأسیس" و دریافت گواهی از بانک
- ۳- اجازه از سازمان بورس
- ۴- ارائه اظهارنامه + طرح اساسنامه + طرح اعلامیه پذیرهنویسی + گواهی بانک + مجوز سازمان بورس
- به اداره ثبت شرکت ها در تهران و مراکز استان ها
- به دایره ثبت شرکت ها در شهرستان ها
- به اداره ثبت اسناد و املاک محل در صورت عدم وجود دایره ثبت شرکت ها
- ۵- انتشار اعلامیه پذیرهنویسی از سوی مؤسسین
- ۶- انجام پذیرهنویسی
- ۷- بررسی و احراز پذیرهنویسی از سوی مؤسسین حداکثر تا یک ماه
- ۸- دعوت مجمع عمومی مؤسس در صورتی که تمام سرمایه شرکت تعهد شده باشد و اقل سی و پنج درصد آن پرداخت شده باشد

بنابراین مراحل تشکیل شرکت سهامی عام را می توان در سه مرحله کلی زیر خلاصه کرد:

۱- تهیه اسناد و مدارک اولیه

۲- پذیرهنویسی

۳- تشکیل مجمع عمومی موسس

#### تهیه اسناد و مدارک اولیه

موسسین در بدو تشکیل شرکت باید اسناد و مدارکی را آماده کرده و تحویل مرجع ثبت شرکت ها دهند. این اسناد و مدارک عبارتند از:

۱- گواهی نام بانک (ماده ۶ لایحه و تبصره آن):

موسسین شرکت باید در یکی از بانک ها حسابی به نام «شرکت سهامی عام در شرف تأسیس» افتتاح کنند و مبالغ نقدی و غیرنقدی لازم را در آن تأدیه یا تسلیم نمایند.

در شرکت سهامی عام موسسین باید لاقفل ۲۰٪ از کل سرمایه را خود تعهد کرده و از مقدار تعهد شده لاقفل ۳۵٪ آن را به شکل نقدی یا غیرنقدی بپردازند.

**نکته:** اگر آورده موسسین غیرنقدی باشد باید آن را عیناً و یا اسناد و مدارک آن را تحویل بانک دهند.

**نکته:** تمام آورده های غیرنقدی باید تا قبل از برگزاری مجمع عمومی موسس توسط کارشناس رسمی دادگستری مقوم شود و سپس در مجمع عمومی موسس به تصویب برسد. مجمع باید آورده را به همان قیمت کارشناسی و یا کمتر از آن تصویب کند. اگر مجمع آورده غیرنقدی موسس را تصویب نکند جلسه دوم مجمع حداکثر یک ماه بعد برگزار می شود. در این مدت، موسسی که آورده اش پذیرفته نشده باید به جای آن وجه نقد بیاورد. در غیر این صورت به منزله خروج وی از شرکت بوده و سایر اشخاص حاضر در جلسه دوم باید جای خالی سهام او را با پذیرهنویسی پر کنند و گرنه عدم تشکیل شرکت اعلام می شود. (البته در متن ماده ۷۹ لایحه عنوان شده: ".... سایر پذیرنده نویسان می توانند...")



**نکته:** اگر موسسی دارای آورده غیر نقدی باشد باید آنرا تماما در همان ابتدا تسلیم کند و نمی تواند از پرداخت ۳۵٪ درصدی و تعهد به پرداخت باقی مانده در آینده استفاده کند.

۲- اظهارنامه (ماده ۷ لایحه): اظهارنامه در حکم شناسنامه شرکت است. بنابراین باید حاوی تمام خصوصیات شرکتی باشد که موسسین قصد تشکیل آن را دارند.

۳- طرح اساسنامه: اساسنامه به منزله قانون حاکم بر شرکت است. طرح اساسنامه پیشنهاد اولیه آن توسط موسسین است که پس از تصویب در مجمع عمومی موسس تبدیل به اساسنامه می شود.

۴- طرح اعلامیه پذیره نویسی: پیشنهاد اولیه موسسین است برای چگونه برگزار شدن عملیات پذیره نویسی که طی آن بخش باقیمانده سرمایه شرکت توسط مردم تعهد و ۳۵٪ از آن نقدا پرداخت می شود. (باقی مانده مبلغ اسمی سهام باید حداکثر ظرف ۵ سال از طرف شرکت مطالبه و توسط سهامداران پرداخت شود؛ بند ۷ م ۸ لایحه)

۵- مجوز سازمان بورس: با تصویب قانون بازار اوراق بهادار در سال ۸۴ برای ثبت شرکت های سهامی عام افزایش سرمایه آنها و همچنین اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی توسط مرجع ثبت شرکت ها، اجازه سازمان بورس و اوراق بهادار نیز الزامی است، اعم از اینکه شرکت مذکور در بورس پذیرفته شده باشد و یا نشده باشد.

**نکته:** تمام مدارک و مجوزات فوق باید توسط موسسین به مرجع ثبت شرکت ها تحویل شود. این مرجع صرفا وظیفه دارد مدارک ارائه شده را با قانون تطبیق دهد واز حیث مغایرت آنها با واقعیت هیچگونه مسئولیتی ندارد. پس از این تأییدیه، مرجع ثبت شرکت ها اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی را صادر می کند.

**پذیره نویسی:** پذیره نویسی در لایحه تعریف نشده است. پذیره نویسی بطور کلی روشی است که در شرکت سهامی عام بخشی از سرمایه شرکت که توسط موسسین تعهد نشده، توسط مردم تعهد و بخشی از آن پرداخت می شود. براین اساس متقاضیان در زمان ها و مکان های اعلام شده در اعلامیه پذیره نویسی مراجعه کرده و بخشی از سرمایه شرکت را تعهد کرده و حداقل ۳۵٪ از مبلغ تعهد کرده را صرفا به شکل نقدی می پردازند (پذیره نویسی غیرنقدی وجود ندارد) این عملیات در قالب امضا ورقه تعهد سهم توسط پذیره نویس انجام می شود.

**نکته:** ماهیت پذیره نویسی یک عمل حقوقی و به شکل خاص یک قرارداد است ایجاب این قرارداد توسط موسسین در قالب اعلامیه پذیره نویسی و قبول آن توسط مردم در قالب امضا ورقه تعهد سهم جلوه می کند.

**نکته:** پذیره نویسی و امضا ورقه تعهد سهم مستلزم قبول اساسنامه و تصمیمات مجامع عمومی شرکت است.

**نکته:** پذیره نویس هر شخصی می تواند باشد، اعم از حقیقی یا حقوقی؛ لیکن مؤسسین می توانند در اعلامیه پذیره نویسی محدودیت هایی برای آن اعمال کنند.

**نکته:** طبق لایحه مهلت پذیره نویسی توسط خود موسسین تعیین می شود لیکن طبق ماده ۲۳ قانون بازار اوراق بهادار این مهلت توسط سازمان بورس تعیین می شود که حداکثر یکماه بوده و فقط برای یک دوره ۳۰ روزه دیگر قابل تمدید است.

**تشکیل مجمع عمومی موسس:** پس از پایان مدت پذیره نویسی، موسسین یکماه فرصت دارند بررسی نمایند که آیا پذیره نویسی به شکل صحیح انجام شده یا خیر. در صورت احراز پذیره نویسی، موسسین باید مجمع عمومی مؤسس را دعوت نمایند. این مجمع متشکل است از مؤسسین و پذیره نویسان. (تشکیل این مجمع در شرکت سهامی خاص اختیاری است) دعوت از طریق روزنامه ای است که در اعلامیه پذیره نویسی معین شده است.

حد نصاب تشکیل مجمع عمومی مؤسس و اخذ تصمیم در آن: مجمع عمومی مؤسس حداکثر تا ۳ بار می تواند دعوت شود.

در دعوت اول مجمع در صورتی رسمیت دارد که اشخاصی که لااقل نصف سرمایه را تعهد کرده اند در جلسه حاضر باشند.

اگر در دعوت اول حد نصاب لازم ایجاد نشد، مؤسسین برای بار دوم مجمع را دعوت می کنند. در اینجا مجمع در صورتی رسمیت دارد که اشخاصی که لااقل  $\frac{1}{3}$  سرمایه را تعهد کرده باشند در آن حضور به هم برسانند.

اگر در دعوت دوم نیز جلسه رسمیت نیافت مؤسسین برای بار سوم مجمع را دعوت کرده که با همان حد نصاب بار دوم رسمیت خواهد داشت.

**نکته:** دعوت دوم و سوم زمانی معتبر است که آگهی دعوت لااقل ۲۰ روز قبل از مجمع منتشر شود.

**نکته:** در صورتیکه در بار سوم مجمع رسمیت نیابد شرکت قابل تشکیل نبوده و مؤسسین باید عدم تشکیل شرکت را به مرجع ثبت شرکت ها اعلام کنند.

**نکته:** در صورتی که در جلسه مجمع عمومی مؤسس مزایای مطالبه شده یا آورده غیرنقدی مؤسسین تصویب نشود و کار به جلسه بعدی بکشد (حداکثر یک ماه بعد) حد نصاب رسمیت این جلسه حضور دارندگان بیش از نصف پذیره نویسان هر مقدار از سرمایه تعهد شده خواهد بود. (مواد ۷۹ و ۸۰ لایحه اصلاحی ۴۷)

**نکته:** کلیه تصمیمات در مجمع عمومی مؤسس در هر دعوتی که باشد با اکثریت  $\frac{2}{3}$  آراء حاضر در جلسه اخذ می شود.



**نکته:** طبق تبصره ماده ۷۵ لایحه در مجمع عمومی مؤسس، هر سهم دارای یک رأی است و هر گونه مقرر بر خلاف این قاعده باطل و بلا اثر است. لازم به ذکر است که تبصره ماده ۷۵ فقط مخصوص مجمع عمومی مؤسس است و در مجامع عادی و فوق العاده می تواند به موجب اساسنامه برخلاف آن تراضی شود. مثلاً گفته شود دارندگان سهام ممتاز به ازای هر سهم ۵ حق رأی دارند یا مثلاً فقط کسانی دارای حق رأی هستند که از حد نصاب خاصی به بالا دارای سهم باشند.

### وظایف مجمع عمومی مؤسس:

- ۱- رسیدگی به گزارش مؤسسين و تصویب آن (منظور از گزارش مؤسسين، ارائه کل فرایند تشکیل شرکت است).  
**نکته:** گزارش مؤسسين باید حداقل ۵ روز قبل از برگزاری مجمع در محل از قبل تعیین شده آماده باشد.
- ۲- احراز پذیره نویسی کلیه سهام شرکت و تادیه مبالغ لازم
- ۳- تصویب طرح اساسنامه و در صورت لزوم اصلاح آن: طرح اساسنامه پس از تصویب توسط مجمع عمومی مؤسس، تبدیل به اساسنامه می شود و از این به بعد هرگونه تغییر و اصلاح در آن از صلاحیت مجمع عمومی موسس خارج بوده و در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده است.
- ۴- انتخاب اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت
- نکته:** اولین مدیران و بازرسان در شرکت سهامی عام در مجمع عمومی مؤسس و با اکثریت  $\frac{2}{3}$  آرا حاضر در جلسه انتخاب می شوند. لیکن مدیران و بازرسان بعدی در مجمع عمومی عادی و با اکثریت نسبی انتخاب می شوند.
- ۵- انتخاب يك روزنامه كثیرالانتشار براي درج آگهی های مربوط به شرکت
- نکته:** در شرکت سهامی عام در ابتدا یک روزنامه توسط مجمع عمومی مؤسس و یک روزنامه توسط وزارت ارشاد (وزارت اطلاعات و جهانگردی سابق) انتخاب می شوند که همراه با هم آگهی های شرکت را چاپ می کنند. این اتفاق تا اولین مجمع عمومی عادی ادامه می یابد. از این به بعد فقط یک روزنامه توسط مجمع عمومی عادی و با اکثریت مطلق انتخاب می شود.
- ۶- رسیدگی به مزایای مطالبه شده توسط مؤسسين
- گاهی اوقات مؤسسين به علت زحماتی که در تشکیل شرکت متقبل شده اند تقاضای یک سری امتیازات ویژه دارند. حال اگر مجمع این امتیازات را تصویب نکرد جلسه مجمع ادامه نمی یابد و جلسه بعدی حداکثر یکماه دیگر تشکیل می شود. اگر در جلسه بعدی مشخص شد که مطالبه کنندگان این مزایا از شرکت خارج شده اند بقیه حاضرین در جلسه باید جای خالی سرمایه آنها را پر کنند و گرنه مؤسسين باید عدم تشکیل شرکت رابه مرجع ثبت شرکت ها اعلام نمایند.
- ۷- رسیدگی به آورده غیرنقدی مؤسسين (قبلاً توضیح داده شده است)

### ب: تشکیل شرکت سهامی خاص (ماده ۲۰ لایحه)

مراحل تشکیل شرکت سهامی خاص ←

- ۱- تهیه اظهارنامه
- ۲- تهیه اساسنامه
- ۳- تعهد کلیه سهام و تهیه گواهی بانک مبنی بر تأدیه قسمت نقدی آن که کمتر از سی و پنج درصد کل سهام نباید باشد.
- ۴- انتخاب مدیران و بازرس یا بازرسان
- ۵- قبول سمت به صورت کتبی از سوی مدیران و بازرس یا بازرسان
- ۶- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار به اتفاق آراء
- ۷- تسلیم مدارک و صورتجلسات فوق به مرجع ثبت شرکتهای

**نکته:** در شرکت سهامی خاص اگر آورده غیرنقدی باشد لزومی به تحویل اسناد و مدارک یا عین آن به بانک وجود ندارد و تحویل مدیران شرکت می شود. در این شرکت ممکن است تمام سرمایه غیرنقدی باشد، برخلاف سهامی عام که حداقل بخشی از سرمایه که پذیره نویسی می شود حتماً باید نقدی باشد.

مدارک لازم برای تشکیل شرکت سهامی خاص:

- ۱- اساسنامه شرکت: اساسنامه در حکم قانون شرکت است و زمانی رسیمت دارد که به امضای کلیه سهامداران برسد (در شرکت های سهامی خاص در بدو تأسیس کلیه تصمیمات با اتفاق آرا اتخاذ می شود)



**نکته:** اگر شرکت شعبه یا شعبات یا نمایندگی داشته باشد باید در اساسنامه ذکر شود و اگر شعبه یا نمایندگی بعداً ایجاد شود باید اساسنامه در مجمع عمومی فوق العاده اصلاح شود.

۲- اظهارنامه: در حکم شناسنامه شرکت است و باید حاوی اوصاف و شرایط کلی شرکت باشد همچنین حاکی از تعهد کلیه سرمایه شرکت و پرداخت لااقل ۳۵٪ از آن چه به شکل نقدی یا غیرنقدی باشد. اظهارنامه باید به امضای همه مؤسسين رسیده باشد

۳- صورتجلسه انتخاب اولین مدیران و بازرسان که به امضای تمام سهامداران رسیده باشد (مدیران و بازرسان بعدی در مجمع عمومی عادی و با اکثریت نسبی انتخاب می شوند)

۴- صورتجلسه قبول کتبی سمت توسط اولین مدیران و بازرسان

۵- صورتجلسه انتخاب اولین روزنامه کثیرالانتشار شرکت که به امضای همه سهامداران رسیده باشد. (روزنامه های بعدی در مجمع عمومی عادی و با اکثریت مطلق انتخاب می شوند.)

**نکته:** تشکیل مجمع عمومی مؤسس از الزامات شرکت های سهامی عام است و در شرکت سهامی خاص الزامی به تشکیل این مجمع نیست (ماده ۸۲ لایحه)

**نکته:** در شرکت سهامی خاص، اگر م.ع.م تشکیل شود از قواعد شرکت سهامی عام تبعیت نمی کند یعنی تصمیم گیری مجمع عمومی مؤسس، در سهامی خاص بر خلاف شرکت سهامی عام، با اتفاق آرا خواهد بود.

### ثبت شرکت های سهامی:

ثبت شرکت های سهامی اصولاً وظیفه مدیران شرکت است. همانطور که قبلاً گفته شد در شرکت های تجاری شخصیت حقوقی شرکت ملازمه ای با ثبت آن ندارد. بطور مثال در شرکت های سهامی تشکیل شرکت با قبول کتبی سمت توسط اولین مدیران و بازرسان خواهد بود، هر چند ثبت شرکت بعد از آن انجام می شود. با وجود این ثبت شرکت امتیازات و ضمانت اجراهای خاصی دارد که ذیلاً به بررسی آنها می پردازیم:

۱- طبق ماده ۲۲ لایحه استفاده از وجوه تأدیه شده به نام شرکت های سهامی در شرف تأسیس ممکن نیست مگر پس از به ثبت رسیدن شرکت. استثنائاً طبق ماده ۱۹ لایحه اگر حداکثر تا ۶ ماه از تاریخ تسلیم اظهار نامه، شرکت به ثبت نرسد به درخواست هر کدام از مؤسسين یا پذیره نویسان، مرجع ثبت شرکت ها گواهی عدم ثبت شرکت را صادر کرده و به بانک ارسال می کند. براساس این گواهی سایر مؤسسين و پذیره نویسان می توانند به بانک مراجعه کرده و وجوه واریزی خود را مسترد کنند. تا این مرحله هر هزینه ای شده باشد برعهده خود مؤسسين است. (بطور کلی مؤسسين نسبت به اعمال خود در قبال تأسیس شرکت دارای مسئولیت تضامنی هستند)

۲- طبق ماده ۲۸ لایحه تا وقتی که شرکت به ثبت نرسیده صدور ورقه سهم یا گواهی نامه موقت سهم ممنوع است. در صورت تخلف، امضا کنندگان مسئول جبران خسارت اشخاص ثالث خواهند بود، همچنین مسئولیت کیفری هم خواهند داشت.

۳- طبق ماده ۵۵ لایحه انتشار اوراق قرضه در شرکت سهامی عام امکان پذیر نیست مگر اینکه اولاً کلیه سرمایه ثبت شده شرکت پرداخت شده باشد. ثانیاً لااقل ۲ سال از تاریخ ثبت شرکت گذشته باشد. ثالثاً ۲ ترازنامه مالی آن به تصویب مجموع عمومی عادی رسیده باشد.

۴- طبق ماده ۲۷۸ لایحه تبدیل شرکت سهامی خاص به عام امکان پذیر نیست مگر اینکه لااقل ۲ سال تمام از تاریخ ثبت شرکت گذشته باشد. (سایر شرایط در ماده ۲۷۸ مطالعه شود)

۵- تا وقتی که شرکت به ثبت نرسیده مسئولیت مؤسسين به قوت خود باقی است. مسئولیت مؤسسين هم جنبه مدنی دارد و هم جنبه جزایی؛ جنبه مدنی آن همان مسئولیت تضامنی است و جنبه جزایی آن طبق بند ۳ ماده ۲۴۳ لایحه، حبس تأدیبی از ۳ ماه تا ۲ سال و یا جزای نقدی از ۲۰ هزار تا ۲۰۰ هزار ریال و یا جمع هر دو مجازات خواهد بود.

### آثار تشکیل شرکت ها (حق شرکا در شرکت):

تشکیل شرکت برای شرکا حقی ایجاد می کند. این حق:

در شرکت های اشخاص ← سهم الشرکه

در شرکت های سرمایه ← سهم نامیده می شود.

**نکته:** شرکت با مسئولیت محدود علی رغم این که از جمله شرکت های سرمایه است، اما به حق شرکا در آن سهم الشرکه گفته می شود.



**تعریف سهم:** قسمتی از سرمایه شرکت سهامی است که مبین میزان مشارکت (میزان رای) تعهدات (ضررها) و منافع (سودها) صاحب آن در شرکت سهامی است.

**تعریف ورقه سهم:** سند قابل معامله ای که نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد. اوراق سهام باید همگی چاپی و متحدالشکل باشند و دارای شماره ترتیبی باشد. این اوراق سهم باید به امضای لااقل ۲ نفر که به موجب اساسنامه تعیین شده اند برسد.

**تعریف ورقه تعهد سهم:** ورقه ای است که هنگام پذیره نویسی، پذیره نویس به موجب آن تعهد می کند که مقداری از سرمایه شرکت را تامین کند. (فقط در شرکت سهامی عام)

**نکته:** اوراق مشارکت و اوراق سهام شرکت سهامی عام که در بورس حاضر است در زمره اوراق بهادار محسوب می شوند.

#### شرایط الزامی اوراق سهام:

- متحدالشکل
- چاپی
- دارای شماره ترتیب
- امضای لااقل ۲ نفر که به موجب اساسنامه تعیین می شود.

#### اوصاف سهام:

- قابلیت نقل و انتقال (اعم از قراردادی یا قهری)
- اوراق بهادار بودن سهام (البته صرفاً اوراق سهام شرکت سهامی عامی که در بازار بورس فعالیت دارد)
- عدم امکان توقیف سهام شرکت توسط طلبکاران شرکت. (چون شرکت تجاری دارای شخصیت حقوقی مستقل از شخصیت صاحبان سهام است)
- عدم امکان اجاره دادن سهام به دو دلیل
  - حق صاحبان سهام در شرکت حق دینی است
  - حق دینی قابل واگذاری نیست

**نکته:** سهام شرکت در قبال بدهی شرکت قابل توقیف نیست چون متعلق به سهامداران است اما اموال شرکت چون متعلق به خود شرکت است قابل توقیف می باشد.

**نکته:** سهام سهامداران شرکت در قبال بدهی خودشان به اشخاص ثالث قابل توقیف است.

#### حقوق مربوط به سهام:

- حق شرکت در منافع شرکت (م ۹۰ لایحه)
- حق تقدم در خرید سهام جدید (م ۱۶۶ لایحه)
- حق تصرف مالکانه در سهام (م ۴۱ لایحه)
- دریافت مبلغ اسمی سهم بعد از تصفیه (م ۲۲۴ لایحه)
- حق مالکیت نسبت به اموال باقیمانده شرکت پس از تصفیه
- دارا شدن حقوق غیرمادی. مثال: دعوت شدن به جلسه، حق اطلاع از حساب شرکت، اقامه دعوی....

#### تکالیف مربوط به سهام:

- پرداخت مبلغ اسمی سهام
- قبول اساسنامه و تصمیمات مجامع و هیئت مدیره

#### ارزش سهم

♦ مبلغ اسمی سهم ← مبلغی که در اساسنامه برای هر سهم تعیین می شود و بر روی برگه سهم نیز درج می شود. طبق ماده ۲۹ لایحه مبلغ اسمی سهم در شرکت سهامی عام ← نباید از ده هزار ریال بیشتر باشد (حداکثر ۱۰۰۰ تومان) در حالیکه در شرکت سهامی خاص، محدودیتی از این حیث وجود ندارد.

♦ مبلغ واقعی سهم ← براساس فعالیت شرکت و سود و زیان به دست آمده، ارزش سهم نسبت به مبلغی که در اساسنامه قید شده (مبلغ اسمی سهم) تغییر می کند این مبلغ براساس تراز نامه معین می شود و در هنگام نقل و انتقال سهام بین طرفین رد و بدل می شود. به عنوان مثال ممکن است ارزش اسمی سهام ۱۰۰۰۰ ریال باشد اما در بازار ۵۰۰۰۰ ریال خرید و فروش شود یا کمتر از آن.





♦ مبلغ بورسی سهم ← قیمتی که بازار بورس برای سهام تعیین می کند. هر چند ارزش بورسی سهم از قیمت واقعی آن تبعیت می کند اما عوامل تبلیغاتی و مقتضیات اقتصادی تاثیر به سزایی در آن دارد.

### انواع سهام:

۱- سهم ممتاز: این سهم نقطه مقابل سهام عادی است و استثنائی بر اصل تساوی حقوق سهامداران محسوب می شود. سهم ممتاز سهمی است که با رعایت مقررات قانونی در اساسنامه یا توسط مجمع عمومی فوق العاده برای آن مزایایی پیش بینی شده باشد. این مزایا می تواند هر کدام از موارد زیر باشد:

(الف) داشتن حق رأی بیشتر

(ب) حق بردن سود بیشتر

(ج) حق رجحان در تقسیم سود و غیره

**نکته:** مبلغ اسمی سهم ممتاز همان مبلغ اسمی سهم عادی است و نقل و انتقال آن اصولاً مانند سایر سهام است مگر اینکه اساسنامه آن را محدود کرده باشد.

**نکته:** تغییر در امتیازات اینگونه سهام با شرایط خاصی انجام می شود؛ بدین نحو که تغییر در آن علاوه بر مصوبه مجمع عمومی فوق العاده، موافقت دارندگان نصف بعلاوه یک این گونه سهام را نیز لازم دارد. (ماده ۴۲ لایحه) (نیازی به برگزاری مجمع خاص نیست)

۲- سهم مؤسس (نوع مخصوصی از سهام): این سهام همانطور که از نامش پیداست فقط مخصوص مؤسسين شرکت است و حاوی امتیازاتی است که صرفاً در اساسنامه برای مؤسسين در نظر گرفته شده باشد. این امتیازات می تواند همان امتیازات سهام ممتاز و یا موارد دیگری باشد. نکته: تغییر در امتیازات اینگونه سهام تشریفاتی متفاوت از سهام ممتاز دارد. طبق ماده ۹۳ لایحه برای تغییرات در سهام مؤسس علاوه بر مصوبه

مجمع عمومی فوق العاده، لااقل  $\frac{2}{3}$  دارندگان اینگونه سهام که در جلسه رسمی مجمع خاص خود حاضر هستند باید با آن موافق باشند.

برای اینکه این مجمع خاص رسمیت داشته باشد باید در دعوت اول دارندگان لااقل نصف اینگونه سهام در جلسه حاضر باشند.

اگر در دعوت اول این حد نصاب حاصل نشد در دعوت دوم با حضور دارندگان لااقل  $\frac{1}{3}$  اینگونه سهام رسمیت خواهد داشت.

۳- سهم انتفاعی: سهمی است که مبلغ اسمی آن از محل اندوخته اختیاری یا سود قابل تقسیم از جانب شرکت به دارنده سهم پرداخت شده لیکن این شخص از شرکت خارج نمی شود و کماکان سهامدار باقی می ماند اما فقط در مسائل غیرمالی حق دخالت دارد. مانند حضور در مجامع و رأی دادن. تنها حق مالی که دارنده سهم انتفاعی دارد حق بردن سودهای آتی در شرکت است. بنابراین اگر شرکت منحل و یا تصفیه شود دارنده سهم انتفاعی حقی بر اموال و سرمایه شرکت ندارد. (به این اقدام باز خرید سهام شرکت توسط شرکت گفته می شود که امری صحیح و مجاز است لیکن خرید سهام شرکت توسط خود شرکت باطل است زیرا در این حالت شرکت مبلغ اسمی سهم را به سهامدار می پردازد و او را از شرکت خارج کرده و خود جانشین آن می شود در حالی که هیچ شرکتی نمی تواند سهامدار خود باشد.)

**نکته:** صدور سهم انتفاعی ارتباط مستقیمی با استهلاك سرمایه و کاهش آن دارد در نتیجه صدور اینگونه سهام در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده است. این مجمع اصولاً در همه حال می تواند مجوز صدور سهم انتفاعی صادر کند مگر در مواقع خاص از جمله بعد از صدور اوراق قرضه مرکب قابل تعویض با سهام.

۴- سهم جایزه (حق امتیاز سهام): سهامی است که ممکن است شرکت در ازای اضافه ارزش سهام جدید فروخته شده به صاحبان قبلی سهام بدهد. البته ممکن است شرکت این اضافه ارزش را در قالب وجه نقد بپردازد و یا اینکه آن را به اندوخته شرکت اضافه نماید تا تمام سهامداران چه قبلی ها و چه سهامداران جدید از آن استفاده کنند. (ماده ۱۶۰م لایحه)

۵- سهم با نام: سهمی است که نام دارنده سهم بر روی برگه قید شده است و یا اینکه صرفاً روی آن واژه با نام قید شده ولی نام دارنده در دفتر سهام شرکت قید شود.

نقل و انتقال سهام با نام باید در دفتر سهام شرکت به ثبت برسد و انتقال دهنده یا نماینده قانونی او دفتر را امضا کند. اگر انتقال دهنده هنوز تمام مبلغ اسمی سهم را پرداخت نکرده باشد انتقال گیرنده یا نماینده قانونی او نیز باید دفتر را امضا کند، در غیر اینصورت نقل و انتقال هم در برابر شرکت و هم در برابر اشخاص ثالث بی اعتبار است. (در برابر خودشان معتبر و حاوی آثار است)

۶- سهم بی نام: سهامی است که نه بر روی برگه سهم و نه دفتر سهام شرکت نام دارنده قید نشده است. این سهام در حکم اسناد در وجه حامل هستند. بنابراین نقل و انتقال آنها به راحتی و با قبض و اقباض انجام می شود.

**نکته:** شرکت سهامی خاص فقط می تواند سهام با نام داشته باشد لیکن شرکت سهامی عام می تواند سهام با نام و یا بی نام داشته باشد.

**نکته:** سهم بی نام به صورت سند در وجه حامل تنظیم شده و ملک دارنده شناخته می شود (مگر در صورت اثبات خلاف آن)



**نکته:** در شرکت سهامی عام اگر طبق اساسنامه، سهام به شکل بی نام باشد، قطعاً تمام سهام شرکت بدون هیچ استثنایی با نام خواهد بود، لیکن اگر طبق اساسنامه، سهام به شکل بی نام باشد، قطعاً تعدادی از سهام شرکت استثنائاً با نام خواهد بود، مانند سهام وثیقه مدیران یا سهام اشخاص محجور (اگر در شرکت محجوری وجود داشته باشد)

**نکته:** تا زمانیکه تمام مبلغ اسمی سهام شرکت پرداخت نشده باشد صدور ورقه سهم بی نام و یا صدور گواهی نامه موقت سهم بی نام توسط شرکت سهامی عام ممنوع خواهد بود.



# احکام شرعی

درس - نکته - تست

قابل استفاده کلیه دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاه ها و داوطلبان کلیه آزمون های استخدامی، آزمون سردفتری استاد رسمی و قضاوت

فاضل  
مؤسسه آموزش عالی  
www.fazel.ac.ir



مؤلف

گروه مولفان فاضل



## فهرست مطالب

۷	فصل اول: معنای ولایت فقیه
۷	ضرورت ولایت فقیه
۷	قلمرو ولایت فقیه
۹	اختلاف نظر ولی فقیه با نظر مرجع تقلید
۱۰	فصل دوم: احکام تقلید
۱۰	راه‌های شناخت احکام
۱۱	اقسام تقلید
۱۲	اعمال بدون تقلید
۱۲	شرایط مرجع تقلید
۱۴	تبعیض در تقلید
۱۴	راه‌های شناخت مجتهد جامع‌الشرائط
۱۴	راه‌های به دست آوردن فتوای مجتهد
۱۵	احکام عدول
۱۵	مسائل متفرقه‌ی تقلید
۱۶	فصل سوم: احکام آبها و مُطَهِّرات و تَحَلُّی و نجاسات
۱۶	اقسام آبها
۱۸	مطهرات:
۲۱	راه‌های ثابت شدن طهارت
۲۱	اصل طهارت
۲۲	احکام ظرف‌ها
۲۳	فصل چهارم: وضو و تیمم
۲۳	شرایط وضو
۲۶	معنای وضو
۲۶	کیفیت وضو
۲۹	سایر احکام وضو
۳۰	مُبطَلات وضو
۳۰	احکام وضو
۳۰	شک در اصل وضو (شک دارد وضو گرفته یا نه)
۳۱	غایات وضو (کارهایی که باید برای آن وضو گرفت)
۳۲	مس قرآن
۳۴	موارد تیمم
۳۵	چیزهایی که تیمم بر آن صحیح است
۳۵	کیفیت تیمم
۳۶	شرایط تیمم
۳۸	احکام تخی (بول و غایط کردن) (ادرار و مدفوع)
۳۸	استبرا
۳۹	استنجا (تطهیر مخرج بول و غایط)
۴۰	نجاسات
۴۴	راه‌های ثابت شدن نجاست
۴۵	احکام نجاسات
۴۵	وسواس و درمان آن



۴۷	..... فصل پنجم: غسل - قسمت اول
۴۷	..... معنای غسل
۴۷	..... اقسام غسل
۴۷	..... کیفیت غسل
۴۸	..... شرایط غسل
۴۸	..... احکام غسل
۴۹	..... شک در غسل
۴۹	..... اسباب جنابت
۵۰	..... احکام غسل جنابت
۵۱	..... غسل‌های مخصوص بانوان
۵۳	..... فصل ششم: احکام نماز
۵۳	..... اقسام نمازها: نمازهای واجب و مستحب
۵۴	..... مقدار پوشش در نماز
۵۵	..... شرایط لباس نمازگزار
۵۷	..... مواردی که لازم نیست بدن یا لباس نمازگزار پاک باشد:
۵۸	..... شرایط مکان نمازگزار:
۶۱	..... احکام قبله
۶۲	..... اهمیت نمازهای یومیه
۶۳	..... تعداد نمازهای یومیه
۶۳	..... اوقات نمازهای یومیه
۶۴	..... احکام اوقات نماز
۶۵	..... ترتیب در بین نمازها
۶۶	..... اذان و اقامه
۶۷	..... ارکان نماز
۸۹	..... مبطلات نماز
۹۱	..... شکایات نماز
۹۳	..... نماز قضا
۹۴	..... نماز استیجاری
۹۵	..... نماز قضای پدر و مادر
۹۵	..... مشروعیت و اهمیت نماز جماعت
۹۷	..... نماز جماعت
۹۸	..... احکام نماز جماعت
۹۹	..... شرایط امام جماعت
۱۰۰	..... مسایل متفرقه‌ی نماز
۱۱۴	..... فصل هفتم: احکام روزه
۱۱۴	..... معنای روزه
۱۱۴	..... انواع روزه
۱۱۵	..... روزه‌های واجب
۱۱۵	..... شرایط وجوب روزه
۱۱۶	..... شرایط صحت روزه
۱۱۶	..... نیت روزه
۱۱۶	..... روزه‌های واجب:



۱۱۹	مفطرات روزه
۱۲۴	کفاره‌ی افطار عمدی روزه‌ی ماه مبارک رمضان
۱۲۶	کفاره‌ی افطار قضای ماه رمضان
۱۲۷	کفاره‌ی تأخیر
۱۲۷	موارد فدیّه
۱۳۱	احکام روزه‌ی قضای پدر و مادر
۱۳۱	احکام روزه‌ی مسافر
۱۳۲	راههای ثابت شدن اول ماه
۱۳۳	مسائل متفرقه‌ی روزه
۱۳۴	فصل هشتم: خمس
۱۳۴	وجوب خمس
۱۳۵	منابع هفتگانه خمس
۱۳۵	خمس درآمد
۱۳۵	انواع درآمد
۱۳۶	نمونه‌هایی از موارد عدم انطباق درآمد
۱۴۰	نمونه‌هایی از موارد عدم انطباق مؤونه
۱۴۳	نمونه‌هایی از موارد انطباق مؤونه
۱۴۵	نحوه‌ی محاسبه‌ی خمس درآمد و پرداخت آن
۱۵۲	مسائل متفرقه‌ی خمس
۱۵۳	فصل نهم: جهاد
۱۵۳	معنای جهاد
۱۵۳	وجوب جهاد
۱۵۳	اقسام جهاد
۱۵۵	فصل دهم: انفال
۱۵۵	معنای انفال
۱۵۵	منابع انفال
۱۵۷	فصل یازدهم: امر به معروف و نهی از منکر
۱۵۷	معنای امر به معروف و نهی از منکر
۱۵۷	وجوب امر به معروف و نهی از منکر
۱۵۸	محدوده‌ی امر به معروف و نهی از منکر
۱۵۸	شرایط امر به معروف و نهی از منکر
۱۶۰	مراحل و مراتب امر معروف و نهی از منکر
۱۶۴	فصل دوازدهم: پوشش و نگاه کردن
۱۶۴	پوشش
۱۶۶	احکام نگاه کردن
۱۶۸	فصل سیزدهم: احکام مساجد
۱۶۸	احکام حرام مساجد
۱۷۰	احکام مستحب مساجد
۱۷۲	فصل چهاردهم: احکام درگذشتگان
۱۷۲	غسل مس میت
۱۷۲	احکام محتضر (کسی که در حال جان دادن است)
۱۷۳	واجبات پس از مرگ



۱۷۳	.....	غسل میت
۱۷۴	.....	خُئوط
۱۷۴	.....	کفن
۱۷۵	.....	نماز میت
۱۷۶	.....	احکام نبش قبر
۱۷۷	.....	احکام شهید
۱۷۷	.....	احکام اعدامی
۱۷۸	.....	سوالات تستی
۲۲۴	.....	منبع:



### فصل اول: معنای ولایت فقیه

ولایت فقیه یعنی حکومت فقیه عادل و دین شناس.

#### توجه:

ولایت فقیه در رهبری جامعه‌ی اسلامی و اداره‌ی امور اجتماعی ملت اسلامی در هر عصر و زمان از ارکان مذهب حقه‌ی اثنی عشری است که ریشه در اصل امامت دارد. عدم اعتقاد به ولایت فقیه، اعم از این که بر اثر اجتهاد باشد یا تقلید، در عصر غیبت حضرت حجت(عج) موجب ارتداد و خروج از دین اسلام نمی‌شود، و اگر کسی به نظر خود بر اساس استدلال و برهان به عدم لزوم اعتقاد به آن رسیده باشد معذور است، ولی ترویج اختلاف و تفرقه بین مسلمانان برای او جایز نیست.

### ضرورت ولایت فقیه

از آن جا که دین حنیف اسلام که آخرین دین آسمانی است و تا روز قیامت استمرار دارد و دین حکومت و اداره‌ی امور جامعه است، لذا همه‌ی طبقات جامعه‌ی اسلامی ناگزیر از داشتن ولی امر و حاکم و رهبر هستند تا امت اسلامی را از شر دشمنان اسلام و مسلمین حفظ نماید، و از نظام جامعه‌ی اسلامی پاسداری نموده و عدالت را در آن برقرار و از ظلم و تعدی قوی بر ضعیف جلوگیری نماید، و وسایل پیشرفت و شکوفایی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را تأمین کند.

#### توجه:

ولایت فقیه، حکم شرعی تبعیدی است که مورد تأیید عقل نیز می‌باشد، و در تعیین مصداق آن روش عقلایی وجود دارد که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان شده است.

### قلمرو ولایت فقیه

#### ۱- اوامر ولایی ولی فقیه

همه‌ی مسلمانان باید از اوامر ولایی و دستورات حکومتی ولی فقیه اطاعت نموده و تسلیم امر و نهی او باشند. این حکم شامل فقهای عظام هم می‌شود چه رسد به مقلدین آنان.

**توجه:** برای هیچ کسی جایز نیست که با متصدی امور ولایت به این بهانه که خودش شایسته تر است، مخالفت نماید. این در صورتی است که متصدی منصب ولایت از راههای قانونی شناخته شده به مقام ولایت رسیده باشد.

#### ۲- احکام ولایی ولی فقیه

احکام ولایی و انتصابات صادره از طرف ولی امر مسلمین اگر هنگام صدور، موقت نباشد، همچنان استمرار دارد و نافذ خواهد بود، مگر این که ولی امر جدید مصلحتی در نقض آنها ببیند و آنها را نقض کند.

#### ۳- اجرای حدود

اجرای حدود (مثل حد زنا و سرقت) در زمان غیبت هم واجب است، و ولایت بر آن اختصاص به ولی امر مسلمین دارد.

#### ۴- مقدم بودن اختیارات ولی فقیه بر اختیارات آحاد امت

تصمیمات و اختیارات ولی فقیه در مواردی که مربوط به مصالح عمومی اسلام و مسلمین است، در صورت تعارض با اراده و اختیار آحاد مردم، بر اختیارات و تصمیمات آحاد امت، مقدم و حاکم است.

#### ۵- اداره‌ی رسانه‌های گروهی

اداره‌ی رسانه‌های گروهی باید تحت امر و اشراف ولی امر مسلمین باشد و در جهت خدمت به اسلام و مسلمین و نشر معارف ارزشمند الهی به کار گمارده شود، و نیز در جهت پیشرفت فکری جامعه‌ی اسلامی و حل مشکلات آن و اتحاد مسلمانان و گسترش اخوت و برادری در میان مسلمین و امثال این گونه امور از آن استفاده می‌شود.





## سه نکته در ارتباط با قلمرو ولایت فقیه

- اطاعت از دستورات نماینده‌ی ولی فقیه: نماینده‌ی ولی فقیه در صورتی که دستورات خود را بر اساس قلمرو صلاحیت و اختیاراتی که از طرف ولی فقیه به او واگذار شده است صادر کرده باشد مخالفت با آنها جایز نیست.
- ولایت اداری: در مفاهیم اسلامی چیزی به عنوان ولایت اداری (به معنای لزوم اطاعت از دستورات مقام بالاتر بدون حق اعتراض) وجود ندارد، ولی مخالفت با اوامر اداری که بر اساس ضوابط و مقررات قانونی اداری صادر شده باشد جایز نیست.
- ولایت تکوینی: ولی فقیه، ولایت تکوینی ندارد. این امر اختصاص به معصومین (ع) دارد.

## اختلاف نظر ولی فقیه با نظر مرجع تقلید

در مواردی که نظر ولی فقیه با نظر مرجع تقلید مختلف است، اگر این اختلاف، در مسایل مربوط به اداره‌ی کشور و اموری که به عموم مسلمانان ارتباط دارد باشد، مثل دفاع از اسلام و مسلمین بر ضد کفار و مستکبران متجاوز، باید نظر ولی امر مسلمین اطاعت شود و اگر در مسایل فردی محض باشد، هر مکلفی باید از فتوای مرجع تقلیدش پیروی نماید.



## فصل دوم: احکام تقلید

## مقدمه

مكلف بايد مسائلي را كه انجام تكاليف شرعي روزمره وابسته به دانستن آن است فرا بگيرد، مانند مسائلي اصلي نماز و روزه و طهارت و برخي معاملات و غير آن، و اگر ياد نگرفتن احكام به ترك واجب يا ارتكاب حرام بيانجامد گناهكار خواهد بود.

## توجه:

مكلف به كسي گفته مي‌شود كه واجد شرايط تكليف باشد:

۱. بلوغ
۲. عقل
۳. قدرت

نشانه‌هاي بلوغ يكي از سه چيز است:

۱. روبيدن موي درشت زير شكم بالاي عورت (شرمگاه)
  ۲. احتلام (بيرون آمدن مني)
  ۳. تمام شدن ۱۵ سال قمری در پسر و تمام شدن ۹ سال قمری در دختر
- تا زمانی که یکی از نشانه‌های بلوغ در فردی تحقق پیدا نکرده شرعاً حکم به بلوغ او نمی‌شود و مكلف به احكام شرعي نيست. صرف احتمال اين كه انبات (رويش موي درشت زير شكم) يا احتلام زودتر از سن تكليف ظاهر شده‌اند براي حكم به بلوغ كفايت نمي‌كند. خونی که دختر قبل از اتمام نه سالگی می‌بیند علامت شرعی بلوغ نیست. همانطور که گفتیم معیار در سن بلوغ، سال قمری است و در صورتی که تولد بر اساس سال شمسی معلوم باشد می‌توان آن را بر اساس سال قمری از طریق محاسبه اختلاف بین سال قمری و سلا شمسی به دست آورد. (هر سال قمری ۱۰ روز و ۲۱ ساعت و ۱۷ ثانیه کمتر از سال شمسی است.)

## راه‌های شناخت احکام

مكلف براي شناخت احكام دين و عمل به آنها سه راه دارد:

## ۱. اجتهاد

اجتهاد يعني استنباط و استخراج احكام شرعي و قوانين الهی از مدارك و منابع قطعی كه نزد فقهای اسلام مقرر و ثابت شده است.

## ۲. احتیاط

احتیاط يعني عمل كردن به طوري كه مطمئن شود وظیفه‌ی شرعی خود را انجام داده است، مثلاً كاری را كه بعضی از مجتهدین حرام می‌دانند و بعضی دیگر حرام نمی‌دانند به جا نیاورد و كاری را كه بعضی واجب می‌دانند و بعضی دیگر واجب نمی‌دانند، انجام دهد.

## ۳. تقلید

تقلید يعني در احكام دين به مجتهد جامع الشرائط مراجعه كردن، و به عبارت دیگر بر طبق تشخیص و فتوای او اعمال شرعی را به جا آوردن.

## توجه:

- تقلید، علاوه بر این كه ادله‌ی لفظی دارد، عقل نیز حكم می‌كند كه شخص ناآگاه به احكام دين بايد به مجتهد جامع الشرائط مراجعه كند.
- مكلف اگر در احكام دين مجتهد نيست بايد از كسي كه مجتهد است تقلید كند و يا به احتیاط رفتار نمايد.
- از آن جایی كه عمل به احتیاط مستلزم شناسایی موارد و چگونگی احتیاط و صرف وقت بیشتر است، بهتر آن است كه مكلف در احكام دين از مجتهد جامع الشرائط تقلید كند.
- تقلید بر كسي واجب است كه واجد سه شرط باشد:

- مكلف باشد.
- مجتهد نباشد.
- محتاط نباشد.



### اقسام تقلید

تقلید از یک نظر بر دو قسم است:

۱. ابتدایی: (یعنی تقلید کردن از مجتهد مرده بدون آن که قبلاً در زمان حیات وی از او تقلید کرده باشد) که بنا به احتیاط (واجب) جایز نیست.
۲. بقایی: (یعنی باقی بودن بر تقلید از مجتهد مرده‌یی که در زمان حیات وی از او تقلید کرده است) که در همه‌ی مسایل حتی در مسایلی که تا کنون مکلف به آنها عمل نکرده جایز و مجزی است.

### توجه:

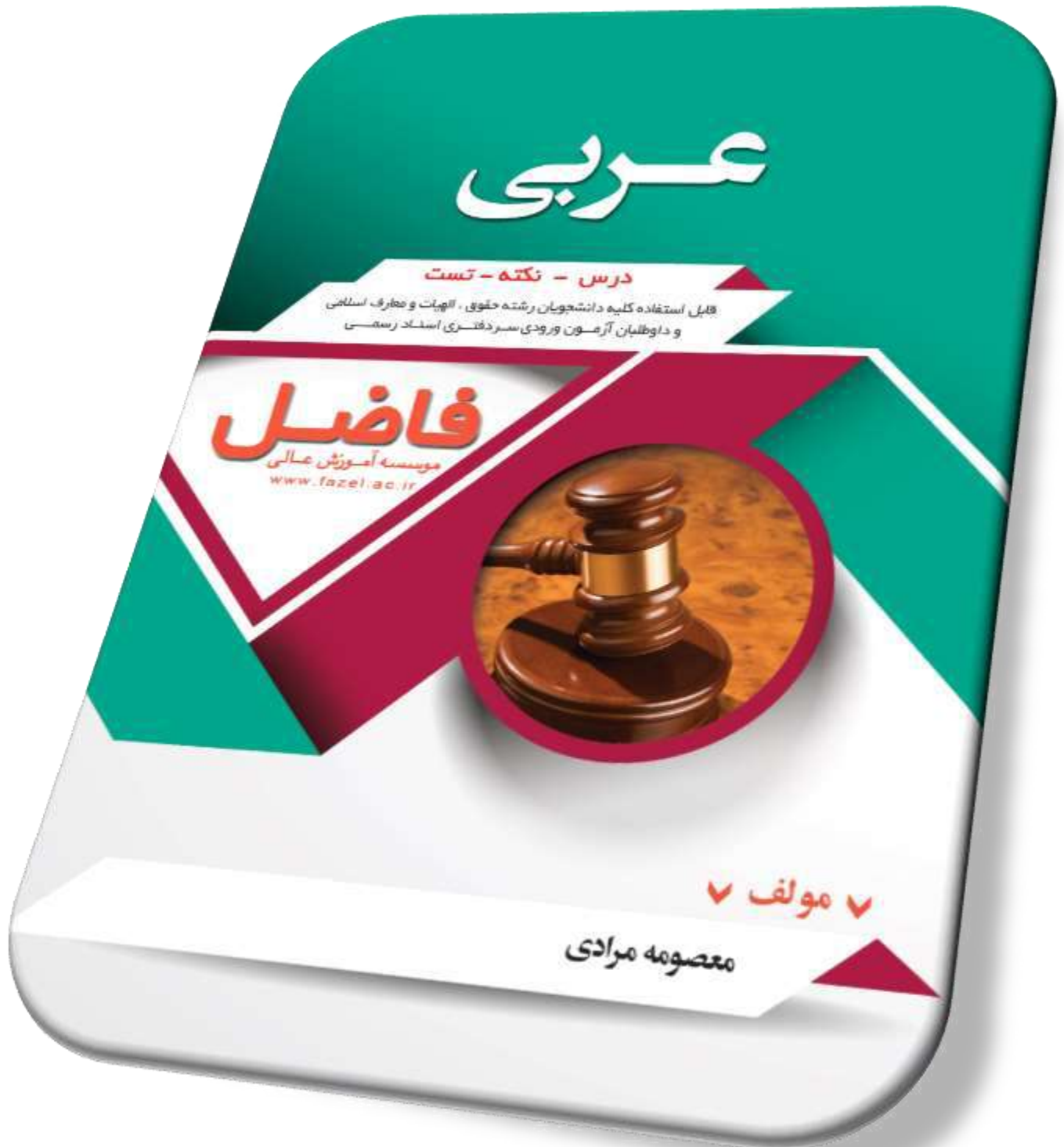
- در تقلید بقایی، فرقی نیست بین آن که مجتهد میت، اعلم باشد یا نباشد، در هر صورت جایز است، ولی سزاوار است که احتیاط در بقا بر تقلید میت اعلم ترک نشود.
- تقلید ابتدایی از مجتهد میت یا بقا بر تقلید او و حدود آن، باید به تقلید از مجتهد زنده و بنابر احتیاط واجب اعلم باشد. بلی در صورتی که جواز بقا بر تقلید میت، مورد اتفاق فقهای عصر حاضر باشد اجازه از اعلم واجب نیست.
- افرادی که در زمان حیات مجتهد جامع‌الشرائط غیر بالغ بوده‌اند ولی به نحو صحیح از او تقلید کرده‌اند، می‌توانند بعد از فوت آن مجتهد همچنان بر تقلید وی باقی بمانند.
- شخصی که از مجتهدی تقلید می‌کرده و بعد از فوت او در بعضی از مسایل از مجتهد دیگری تقلید کرده است و این مجتهد نیز وفات نموده، می‌تواند مانند گذشته بر تقلید از مجتهد اول در مسایلی که از او عدول نکرده باقی بماند، همچنان که مخیر است در مسایلی که عدول نموده بر فتوای مجتهد دوم باقی بماند و یا به مجتهد زنده عدول کند.

### اعمال بدون تقلید

اعمال افرادی که تقلید نمی‌کنند یا تقلید صحیح ندارند در صورتی محکوم به صحت است که:

۱. موافق احتیاط باشد.
۲. یا مطابق واقع باشد.
۳. یا مطابق با نظر مجتهدی باشد که وظیفه دارند از او تقلید کنند.





## فهرست مطالب

۱.....	مقدمات
۳.....	جنس اسم
۵.....	اسم از نظر تعداد
۷.....	آزمون تستی شماره ۱- «عمومیات»
۱۳.....	آزمون تستی شماره ۲- «مبحث ضمائر»
۱۴.....	حروف
۱۶.....	آزمون تستی شماره ۳- مبحث حروف «ا»
۱۷.....	ادوات شرط
۱۸.....	آزمون تست شماره ۴- مبحث حروف «پ»
۱۹.....	اسم از نظر حرف آخر:
۱۹.....	اسم از نظر معرفه و نکره بودن
۲۲.....	انواع من و ما
۲۳.....	آزمون تستی شماره ۵- مبحث تست اسم شماره «۱»
۲۷.....	آزمون تستی شماره ۶- مبحث اسم شماره «۳»
۲۸.....	آزمون تستی شماره «۷» جامع اسم «۱»
۳۰.....	طریقه ساخت فعل ماضی
۳۱.....	طریقه ساخت فعل مضارع
۳۲.....	فعل امر
۳۵.....	فعل نهی
۳۸.....	آزمون تستی شماره ۱
۳۹.....	فعل ثلاثی مجرد و مزید
۴۱.....	تست شماره ۲
۴۲.....	فعل لازم و متعدی
۴۳.....	فعل معلوم و مجهول
۴۵.....	تست شماره ۳
۴۶.....	مرفوعات (فاعل)
۵۱.....	خبر لای نفی جنس
۵۲.....	تست مبحث مرفوعات
۵۵.....	حال (قید حالت)
۵۷.....	اسلوب استثنا- اسلوب اختصاص و حصر
۵۹.....	مفعول مطلق
۶۰.....	منادا
۶۱.....	خبر افعال ناقصه
۶۲.....	اسم حروف مشبیه بالفعل
۶۲.....	اسم لای نفی جنس
۶۳.....	تست های کنکور مبحث منصوبات
۶۵.....	مجرورات
۶۷.....	توابع
۶۸.....	تست مربوط به عمومیات (مفرد/ مثنی/ جمع/ مذکر/ مؤنث)
۷۱.....	تست مبحث ضمائر
۷۳.....	تست مبحث جامد و مشتق



- ۷۵..... تست مبحث مرفوعات..... تست مبحث مرفوعات
- ۷۵..... مبحث فاعل..... مبحث فاعل
- ۷۶..... تست مبحث مبتدا و خبر..... تست مبحث مبتدا و خبر
- ۷۷..... تست افعال ناقصه..... تست افعال ناقصه
- ۷۸..... تست حروف مشبیه ولای نفی جنسی..... تست حروف مشبیه ولای نفی جنسی
- ۸۱..... پرسش های چهار گزینه ای..... پرسش های چهار گزینه ای
- ۹۱..... ترجمه ی فعل های مضارع..... ترجمه ی فعل های مضارع
- ۹۳..... پرسش های چهار گزینه ای..... پرسش های چهار گزینه ای
- ۱۰۴..... ترجمه ی فعل امر..... ترجمه ی فعل امر
- ۱۰۵..... پرسش های چهار گزینه ای..... پرسش های چهار گزینه ای
- ۱۰۸..... ترجمه ی باب ها..... ترجمه ی باب ها
- ۱۰۹..... پرسش های چهار گزینه ای..... پرسش های چهار گزینه ای
- ۱۱۰..... ترجمه ی فعل های لازم و متعدی..... ترجمه ی فعل های لازم و متعدی
- ۱۱۱..... ترجمه ی فعل های معلوم و مجهول..... ترجمه ی فعل های معلوم و مجهول
- ۱۱۲..... پرسش های چهار گزینه ای..... پرسش های چهار گزینه ای
- ۱۱۵..... ترجمه ی جملات شرطی..... ترجمه ی جملات شرطی
- ۱۱۶..... پرسش های چهار گزینه ای..... پرسش های چهار گزینه ای
- ۱۲۲..... ترجمه ی عبارت های دو فعلی..... ترجمه ی عبارت های دو فعلی
- ۱۲۳..... پرسش های چهار گزینه ای..... پرسش های چهار گزینه ای
- ۱۲۴..... ترجمه ی اسم از لحاظ عدد..... ترجمه ی اسم از لحاظ عدد
- ۱۲۵..... پرسش های چهار گزینه ای..... پرسش های چهار گزینه ای
- ۱۲۷..... ترجمه ی معارف و نکرات..... ترجمه ی معارف و نکرات
- ۱۲۹..... پرسش های چهار گزینه ای..... پرسش های چهار گزینه ای
- ۱۳۱..... ترجمه ی مشتقات..... ترجمه ی مشتقات
- ۱۳۲..... پرسش های چهار گزینه ای..... پرسش های چهار گزینه ای
- ۱۳۳..... ترجمه ی حروف جر..... ترجمه ی حروف جر
- ۱۳۴..... ترجمه ی ترکیبات وصفی و اضافی..... ترجمه ی ترکیبات وصفی و اضافی
- ۱۳۵..... پرسش های چهارگزینه ای..... پرسش های چهارگزینه ای
- ۱۴۱..... ترجمه ی جمله ی اسمیه..... ترجمه ی جمله ی اسمیه
- ۱۴۲..... پرسش های چهار گزینه ای..... پرسش های چهار گزینه ای
- ۱۴۳..... ترجمه ی نواسخ..... ترجمه ی نواسخ
- ۱۴۳..... ترجمه ی حروف مشبیه بالفعل..... ترجمه ی حروف مشبیه بالفعل
- ۱۴۴..... ترجمه ی لای نفی جنس..... ترجمه ی لای نفی جنس
- ۱۴۵..... پرسش های چهار گزینه ای..... پرسش های چهار گزینه ای
- ۱۴۸..... ترجمه ی مفاعیل..... ترجمه ی مفاعیل
- ۱۴۹..... پرسش های چهار گزینه ای..... پرسش های چهار گزینه ای
- ۱۵۰..... ترجمه ی حال..... ترجمه ی حال
- ۱۵۱..... پرسش های چهار گزینه ای..... پرسش های چهار گزینه ای
- ۱۵۳..... ترجمه ی استثناء..... ترجمه ی استثناء
- ۱۵۴..... پرسش های چهار گزینه ای..... پرسش های چهار گزینه ای
- ۱۵۷..... ترجمه ی اعداد..... ترجمه ی اعداد
- ۱۵۹..... پرسش های چهار گزینه ای..... پرسش های چهار گزینه ای



- ۱۶۳..... پرسش های چهار گزینه ای
- ۱۶۴..... مفهوم
- ۱۷۳..... پاسخنامه پرسش های چهار گزینه ای



کلمه در عربی شامل مباحث زیر می شود. پس برای تشخیص کلمه، نیاز به شناخت موارد زیر داریم:

کلمه	- اسم: کلمه ای است که معنای مستقلی داشته باشد و وابسته به زمان های سه گانه نباشد. مانند الکتاب
	- فعل: کلمه ای است که بر انجام دادن کاری در زمانهای
	- گذشته - حال - آینده
	- حرف: کلمه ای است که به تنهایی معنای خاصی ندارد: «فی، الی، عن و ...»

برای شناخت اسم، دانستن موارد زیر ضروری است:

علامت های اسم	۱- «ال»: العلم
	۲- تنوین ـــــــــــــــــ : معلم، قلماً
	۳- کلمه ای که آخر آن «ة» باشد: مدرسة
	۴- کلمه ای که بعد از یکی از حروف جر (فی، الی، علی، لی، بی، عن، من، حتی) واقع شود: فی المدرسة
	۵- کلماتی که سه حرف دارند و عین الفعل (دومین حرف اصلی) آن ها ـــــــــ است: علم فکراً
	۶- کلماتی که به الف ممدوده «اء» ختم شوند: صحراء، زهراء

✓ نکته «۱» اسمی که (ال) داشته باشد هیچ گاه تنوین ـــــــــ نمی گیرد و اسمی که تنوین ـــــــــ داشته باشد هیچ گاه ال نمی گیرد. مانند: المعلم، معلم

✓ نکته «۲» اسمی که مضاف واقع می شود هیچ گاه ال و تنوین ـــــــــ نمی گیرد. مانند: معلم المدرسة

✓ نکته «۳» مضاف و مضاف الیه: هرگاه دو اسم پشت سر هم بیایند و اولی ال و تنوین نداشته باشد اسم اولی مضاف و دومی مضاف الیه می باشد.

قلم المعلم

برای شناخت فعل دانستن موارد زیر ضروری است:

علامت های فعل	۱- کلمه ای که قبل از آن «قد، س، سوف» بیاید. مانند: قَدْذَهَبَ، سَيَذْهَبُ، سَوْفَ يَدْخُلُ
	۲- کلمه ای که آخر آن «تْ» باشد. مانند: دَخَلَتْ
	۳- کلمه ای که در آخر آن ضمایر مرفوعی بیاید. رجوع شود به صفحه ی ۸ و ۹ کتاب
	۴- کلمه ای که حروف «جازه، ناصبه» قبل از آن بیاید.





حروف جازمه  
 - جازم یک فعل (لم، لماً، لای نهی، لِ امر)  
 - جازم دو فعل (إن، مَن، ما)

حروف ناصبه (آن، کن، گی، إذن، حتّی، لِ، لکی)

## جنس اسم

هنگامی که تشخیص دادیم کلمه اسم است، باید جنس اسم را مورد بررسی قرار دهیم:

<p>- حقیقی: اسمی است که نام یا صفت انسان یا حیوان نر است          مثال: علی، الدیك (خروس)</p> <p>- مجازی: اسمی است که قواعد اسم مذکر ( نر ) برای آن بکار می رود:          مثال: شجر، کتاب</p> <p>- حقیقی: اسمی است که بر حیوان یا انسان ماده دلالت دارد          مثال: البقرة (گاو ماده) فاطمه</p> <p>- مجازی: اسمی که قواعد مؤنث ( ماده ) برای آن بکار می رود          مثال: الشجرة</p> <p>- معنوی: اسمی که علامت های مؤنث <math>\left. \begin{matrix} \text{ة} \\ \text{ی} \\ \text{اء} \end{matrix} \right\}</math> را ندارند ولی معنای آن مؤنث است          مثال: بنت، أم، أرض</p> <p>- لفظی: اسمی است که علامت مؤنث را دارد ولی بر مذکر دلالت می کند و فقط ظاهر آن مؤنث می باشد؛ بعبارتی مؤنث لفظی اصولاً مذکر حقیقی است.          مثال: معاوية، زکریاء</p>	}	<p>مذکر</p> <p>جنس اسم</p> <p>مؤنث</p>
--	---	--

علامت های مؤنث  
 - اسم هایی که به «ة» ختم می شوند. مثال: جميلة  
 - اسم هایی که به «اء» ختم می شوند. مثال: صحراء  
 - اسم هایی که به «ی» ختم می شوند. مثال: کبریٰ



## موارد مؤنث معنوی:

- اندام های زوج بدن انسان. مثال: عین، اذن، رجل، ید

- جمع های مکسر غیرعقل. مثال: طیور، زناбір

- شهرها شیراز

- اسامی - کشورهای ایران

- قبایل قریش

- اسم های مؤنث سمعی

- عُنُق: گردن	- دار: خانه
- أَرْض: زمین	- سَمَاء: آسمان
- شَمْس: خورشید	- عَصَاء: عصا
- رُوح: روح	- بَطْر: چاه
- نَفْس: جان	- جَهَنم: جهنم
- نَار: آتش	- رِيح: باد
- حَرْب: جنگ	

اسم از نظر تعداد

در ادامه شناخت اسم، اسم ها را از نظر تعداد بررسی می کنیم:

- مفرد: اسمی است که بر ۱ شخص یا شیء دلالت کند مثال: مُعَلِّم

- مثنی: اسمی است که بر ۲ شخص یا دو شیء دلالت کند:

نشانه مثنی ] اِنِ مَعْلَمَانِ  
] يِنِ مَعْلَمَيْنِ

- مذکر سالم ] وَنَ مَعْلَمُونَ  
] يَنَ مَعْلَمِينَ

اسم از نظر  
تعداد

- مؤنث سالم: ات مَعْلَمَات

نکته: برای جمع بستن اسم مؤنث (ة) از انتهای آن حذف شده سپس (ات) اضافه می شود معلمة: مَعْلَمَات  
جمع مکسر: اصولاً بر وزن های:

مَفَاعِل، مَفَاعِيل، أَفَاعِل، أَفَاعِيل، فَوَاعِل، فَوَاعِيل، فِعَال، فُعُل  
می آید ]

✓ نکته «۱»: کلماتی که بر غیر عاقل دلالت دارند بصورت جمع مکسر جمع بسته می شوند.

دین ← ادیان

لون ← الوان

✓ نکته «۲»: جمع مذکر سالم یا مثنی هرگاه مضاف واقع شوند «ن» از انتهای آنها حذف می شود. مانند:

مَعْلَمُونَ + المدرسة ← مَعْلَمُوا المدرسة



✓ نکته «۳»: برای تشخیص کلماتی که «ات» دارند چگونه تشخیص دهیم جمع مؤنث هستند یا جمع مکسر؟ اگر «ات» را حذف کردیم کلمه بی معنا بود، جمع مکسر و اگر معنادار بود جمع مؤنث می باشد.  
مانند: اصوات ← اَصو ← بی معنی ← مکسر  
معلمات ← معلم ← معنادار ← جمع مؤنث

- جوعان: گرسنه	] این کلمات مفرد هستند و «ان» بکار رفته جزء خود کلمه می باشد
- غضبان: عصبانی	
- عُفران: آمرزش	
- دَوران: چرخش	
- گسلان: تنبل	
- طیران: پرواز	
- عُدوان: دشمنی	
- عطشان: تشنه	

\* برخی از اسم هایی که دارای ۲ جمع مکسر هستند

خادم	خُدَام	مِیَاه	مِیَاه	شَبَاب	شَبَاب	شَبَاب	شَبَاب
خدمه	مَاء	امواه	شَبَاب	شَبَاب	شَبَاب	شَبَاب	شَبَاب
طالب	طَلِبَة	قَوَاد	قَوَاد	بِرَّة	بِرَّة	بِرَّة	بِرَّة
طلاب	قَائِد	قَائِدَة	قَائِد	اِبْرَار	اِبْرَار	اِبْرَار	اِبْرَار
	كُفَر	كُفَر	كُفَر	كُفَر	كُفَر	كُفَر	كُفَر
	حُمُر	حُمُر	حُمُر	حُمُر	حُمُر	حُمُر	حُمُر

\* برخی از جمع های مکسر با وزن فعال اشتباه نشود. مانند:

جَبَل ← جِبَال    جَمَل ← جِمَال    حَبَل ← حِبَال

\* این لغات مفرد هستند نه جمع مکسر:

خروف ← گوسفند    عروج ← بالا رفتن    سجود ← سجده کردن    مناخ ← آب و هوا

آزمون تستی شماره ۱- «عمومیات»

۱- جمع مکسر «لَوْن» کدام کلمه می باشد؟

الف) لَوْنِیْنَ    ب) لَوْنَات    ج) الوان    د) لَوَان

۲- ای کلمه تَدُلُّ علی المؤنث؟

الف) علی    ب) زهراء    ج) ماء    د) فتی

۳- کدام گزینه نادرست است؟

الف) وقت = اوقات    ب) دین = دینات

ج) سمكة = اسماک    د) قلب = قلوب

۴- ای الأجوبة کل کلماتها تَدُلُّ علی المؤنث:

الف) معاویة، حمزة، یونس    ب) أخضر، کبری، خضراء

ج) صغری، هدف، مریم    د) زهراء، صحراء، کبری

۵- کدام کلمه مفرد است؟

الف) غضبان    ب) الوان    ج) أحزان    د) شُبَّان

۶- کدام کلمه جمع مؤنث سالم است؟



(د) همه موارد

(ج) ابیات

الف) مسلمات (ب) اوقات

۷- کدام اسم مثنی است؟

(د) معلّمان

(ج) شبان

الف) الوان (ب) أحزان



# بایدها و نبایدها زبان و ادبیات پارسی

درس - نکته - تست

قابل استفاده متقاضیان آزمون سردفتری اسناد رسمی

**فاضل**  
 مؤسسه آموزش عالی  
 www.fazel.ac.ir



به اهتمام

دکتر سولماز مظفری



## فهرست مطالب

د	آغازینه
۱	علایم نگارشی
۷	بایدها و نبایدهای املائی و نگارشی
۱۱	واژه‌های مشابه / متشابه
۱۱	واژه‌های هم‌آوا
۱۱	واژه‌های هم‌نویسه
۱۲	واژه‌های هم‌آوا و هم‌نویسه
۱۵	واژه‌های همگون
۱۶	واژه‌های دو املائی
۱۷	واژه‌های دخیل
۱۸	به کار نبریم
۲۰	توضیح درمورد درستی / نادرستی کاربرد برخی واژه‌ها و عبارات
۵۳	چگونه بنویسیم
۵۷	جمع مکسر
۵۸	صامت‌های میانجی
۵۹	ترکیب وصفی و اضافی
۶۰	ساده‌نویسی
۶۱	ویژگی‌های یک نوشته ساده
۶۱	نکات ساده‌نویسی
۶۱	تبدیل گفتار به نوشتار
۶۱	خاطره‌نویسی
۶۲	خلاصه‌نویسی
۶۲	فواید خلاصه‌نویسی
۶۳	پیشنهادهایی برای خلاصه‌نویسی
۶۳	نکات مهم در خلاصه‌نویسی
۶۳	نامه‌نگاری
۶۴	نامه‌های اداری
۶۵	خصوصیات مهم نامه‌های اداری
۶۵	نامه‌های خصوصی
۶۷	بازنویسی و بازآفرینی
۷۰	بعضی از قالب‌های نوشتاری
۷۰	سفرنامه
۷۲	زندگی‌نامه
۷۳	زندگی‌نامه خودنوشت
۷۳	گزارش
۷۵	زبان‌شناسی
۷۸	قواعد ترکیب
۷۸	قواعد واجی
۷۹	قواعد هم‌نشینی
۷۹	قواعد نحوی
۸۰	قواعد معنایی



- ۸۰..... قواعد کاربردی
- ۸۰..... تحول معنایی واژه‌ها در گذر زمان
- ۸۱..... ساخت واژه‌ها
- ۸۲..... سبک‌شناسی
- ۸۳..... سبک شعر
- ۸۳..... سبک خراسانی
- ۸۴..... سبک شعر قرن ششم (بینابین)
- ۸۴..... سبک عراقی
- ۸۵..... سبک شعر حد واسط سبک عراقی و هندی
- ۸۵..... سبک شعر هندی
- ۸۶..... شعر دوره بازگشت
- ۸۷..... سبک شعر نو و حد واسط
- ۸۸..... سبک نثر
- ۸۸..... نثر مرسل
- ۸۹..... نثر بینابین
- ۸۹..... نثر موزون
- ۸۹..... نثر فنی
- ۹۰..... نثر دوره معاصر
- ۹۱..... انواع ادبی
- ۹۳..... ادبیات حماسی
- ۹۵..... ادبیات غنایی
- ۹۶..... ادبیات نمایشی
- ۱۰۰..... ادبیات تعلیمی
- ۱۰۱..... ادبیات داستانی
- ۱۰۴..... ادبیات پایداری
- ۱۰۵..... ادبیات تمثیلی و رمزی
- ۱۰۵..... ادبیات انتقادی
- ۱۰۵..... مفاهیم ادبی
- ۱۰۵..... قالب‌های شعری
- ۱۰۷..... قصیده
- ۱۰۷..... غزل
- ۱۰۸..... قطعه
- ۱۰۸..... مثنوی
- ۱۰۹..... رباعی
- ۱۰۹..... دو بیتی
- ۱۰۹..... ترجیع‌بند
- ۱۱۰..... ترکیب‌بند
- ۱۱۱..... مسمط
- ۱۱۱..... چهارپاره
- ۱۱۱..... مستزاد
- ۱۱۲..... شعر نو (شعر نیمایی)
- ۱۱۳..... قافیه



۱۱۳	.....	قافیه
۱۱۳	.....	ردیف
۱۱۳	.....	واژه‌های قافیه
۱۱۳	.....	حروف قافیه
۱۱۳	.....	قواعد قافیه
۱۱۵	.....	واژه‌های هم‌قافیه
۱۱۵	.....	قافیه میانی و درونی
۱۱۵	.....	ذوقافیتین
۱۱۵	.....	قافیه خطی
۱۱۶	.....	عیوب قافیه
۱۱۶	.....	تکرار واژه‌های غیرساده قافیه
۱۱۶	.....	قافیه در شعر نو
۱۱۶	.....	عروض
۱۱۶	.....	حرف
۱۱۷	.....	انواع هجاهای فارسی
۱۱۷	.....	درست خواندن شعر و درست نوشتن آن (استفاده از خط عروضی)
۱۱۸	.....	تقطیع هجایی
۱۱۹	.....	تقطیع به ارکان
۱۱۹	.....	ارکان عروضی
۱۲۰	.....	چگونگی تقطیع شعر به ارکان
۱۲۰	.....	اختیارات شاعری
۱۲۲	.....	تقطیع شعر با اختیارات شاعری
۱۲۲	.....	اوزان
۱۲۲	.....	پُرکاربردترین اوزان
۱۲۴	.....	تک‌وزن‌ها
۱۲۴	.....	اوزان دوری
۱۲۵	.....	مشخصات اوزان دوری
۱۲۵	.....	وزن رباعی
۱۲۵	.....	اوزان مثنوی
۱۲۶	.....	علم بیان
۱۲۶	.....	تشبیه
۱۲۷	.....	استعاره
۱۲۸	.....	کنایه
۱۲۸	.....	مجاز
۱۳۰	.....	علم بدیع
۱۳۰	.....	آرایه‌های بدیع لفظی
۱۳۰	.....	سجع
۱۳۰	.....	جناس
۱۳۱	.....	واج‌آرایی (هم‌آوایی)
۱۳۱	.....	موازنه
۱۳۱	.....	جناس اشتقاق
۱۳۲	.....	تکرار





۱۳۲	آرایه‌های بدیع معنوی
۱۳۲	مراعات نظیر(تناسب)
۱۳۲	ایهام
۱۳۲	تلمیح
۱۳۳	تضمین
۱۳۳	تضاد(طباق)
۱۳۳	اغراق
۱۳۳	ایهام تناسب
۱۳۳	تضمین
۱۳۴	تناقض(پارادوکس)
۱۳۴	حسن آمیزی
۱۳۴	لف و نشر
۱۳۴	حسن تعلیل
۱۳۵	نکات دستوری
۱۳۵	جمله
۱۳۵	نهاد
۱۳۵	گزاره
۱۳۷	نقش‌های تبعی
۱۳۸	جملات استثنایی
۱۳۸	واژه
۱۳۸	فعل
۱۴۱	اسم
۱۴۶	حرف
۱۴۷	برخی نکات دستوری دیگر
۱۴۷	نام‌آوا
۱۴۷	شبه‌جمله
۱۴۷	جمله مرکب
۱۴۸	صفت
۱۴۸	واژه‌آموزی
۱۴۸	مخفف
۱۴۸	حذف
۱۴۸	معنای متفاوت فعل‌ها
۱۴۹	دستور تاریخی
۱۵۴	نقد ادبی
۱۵۴	اهمیت و فایده نقد ادبی
۱۵۴	حدود و امکان نقد ادبی
۱۵۵	انواع نقد یا مکتب‌های نقادی
۱۵۵	نقد لغوی
۱۵۵	نقد فنی
۱۵۶	نقد زیبایی‌شناسی
۱۵۶	نقد اخلاقی
۱۵۶	نقد اجتماعی



۱۵۷	.....	نقد تاریخی
۱۵۷	.....	نقد روان‌شناسی
۱۵۷	.....	معرفی کوتاه چند اثر از آثار مهم نظم و نثر فارسی
۱۶۲	.....	مکاتب ادبی
۱۶۲	.....	رنالیسم
۱۶۲	.....	ناتورالیسم
۱۶۳	.....	سمبولیسم
۱۶۳	.....	دادائیسم
۱۶۳	.....	سوررئالیسم
۱۶۴	.....	پست مدرنیسم
۱۶۴	.....	گذری بر ادبیات عرب
۱۶۵	.....	شعر نوین عرب
۱۶۵	.....	ادبیات داستانی معاصر عرب
۱۶۶	.....	داستان‌نویسان بزرگ عرب
۱۶۶	.....	تاریخ ادبیات ایران
۱۹۲	.....	عنوان بعضی از آثاری که در تاریخ ادبیات ایران آمده است
۱۹۵	.....	برخی از آثار نثر دوره مشروطه به بعد
۱۹۹	.....	آثار برخی از شاعران معاصر
۲۰۱	.....	پرسش‌های چهارگزینه‌ای
۳۵۷	.....	پاسخ‌نامه
۳۷۰	.....	کتاب‌نامه



## بایدها و نبایدهای املائی و نگارشی

۱. در زبان فارسی کاربرد واژه‌هایی مانند «شاعره، مدیره، محترمه، این‌جانبه و...» برای بانو/ زن نامناسب است؛ زیرا برخلاف زبان عربی در فارسی، صفت‌هایی این‌گونه برای زن و مرد یکسان به کار برده می‌شود و باید به صورت «شاعر، مدیر، محترم، این‌جانب و...» استفاده شود.
۲. همزه «ء» یکی از حروف الفبای فارسی است. این حرف مانند دیگر حروف در خط فارسی حرکت‌گذاری نمی‌شود؛ بنابراین می‌نویسیم: «رأی، مؤسس، جزء» و نمی‌نویسیم: «رأی، مؤسس، جزء».
۳. به کار بردن نشانه جمع «ات» مخصوص واژه‌های عربی (جمع مونث سالم) است و استفاده از آن برای واژه‌های فارسی درست نیست؛ به‌عنوان نمونه «تحقیق» واژه‌ای عربی است و اگر گفته شود «تحقیقات» درست است؛ اما کاربرد واژه‌هایی مانند «پیشنهادات، گرایش‌ها، گزارشات، سفارشات، فرمایشات و...» نادرست است و باید گفته شود «پیشنهادها، گرایش‌ها، گزارش‌ها، سفارش‌ها، فرمایش‌ها و...».
۴. نشانه «تنوین» مخصوص واژه‌های عربی است و کاربرد آن‌ها با واژه‌های فارسی نادرست است؛ به‌عنوان نمونه واژه «شخصاً» درست است، زیرا «شخص» عربی است؛ اما واژه‌هایی چون «گاهاً، ناچاراً، جاناً، زبناً، دواماً، سوماً و...» نادرست است و به‌جای آن‌ها باید «گاهی، به‌ناچار، جانی، زبانی، دوم، سوم و...» را به کار برد.
۵. گاهی به‌جای جمله‌ی دعایی «صلی الله علیه و آله» به اختصار می‌نویسیم (ص). هنگام خواندن این نشانه اختصاری باید بگوییم: «صلی الله علیه و آله»؛ زیرا اگر علیه را از جمله حذف کنیم و فقط بگوییم: «صلی الله»، معنی جمله عربی ناقص و معنای آن چنین می‌شود: «پیامبر که - درود خداوند باد- فرمود:...».
۶. معمولاً واژه‌هایی که جمع مکسر هستند، نباید دوباره جمع بسته شوند، بنابراین به‌جای اینکه بگوییم و بنویسیم «اخبارها، خواصها، اخلاقها، کتب‌ها، طرق‌ها، حواس‌ها، اولادها و...» می‌گوییم و می‌نویسیم «اخبار، خواص، اخلاق، کتب، طرق، حواس، اولاد و...».
- نکته مهم:** گفتنی است که واژه‌هایی همچون «ارباب»، «حور»، «جواهر» و «مراسم» با اینکه جمع هستند، دوباره جمع بسته می‌شوند: اربابان، حوریان، جواهرات و مراسم‌ها.
۷. زمانی از اصطلاح «به‌قول معروف» استفاده می‌کنیم، حتماً بعد از آن باید کنایه، ضرب‌المثل، سخن حکمت‌آمیز یا سخنان برجسته بیاید نه یک مطلب معمولی؛ مثلاً اگر بگوییم «آن‌قدر اینجا ایستادم که به‌قول معروف خسته شدم» درست نیست؛ اما می‌توانیم این جمله را این‌گونه اصلاح کنیم «آن‌قدر اینجا ایستادم که به‌قول معروف زیر پایم علف سبز شد».
۸. کاربرد واژه «علیه» درست است نه «برعلیه»؛ زیرا «علیه» یعنی «برضد او» و «برعلیه» یعنی «بر برضد او» که نادرست است؛ پس به‌عنوان نمونه می‌توان گفت «او علیه کسی اقدام نکرد».
۹. نشانه «یت» مخصوص واژه‌های عربی (مصدرساز جعلی عربی) است و کاربرد آن با واژه‌های فارسی جایز نیست؛ به‌عنوان نمونه اگر گفته و نوشته شود «بشریت، انسانیت، مدیریت» درست است؛ اما نمی‌توان واژه‌هایی مثل «خوبیت، شهریت، رهبریت، آشناییت، منیت و...» را به کار برد؛ زیرا «خوب، شهر، رهبر، آشنا، من و...» فارسی هستند.
۱۰. واژه‌هایی مانند «املاء، انشاء، امضاء، اجراء، استثناء، اهداء و...» عربی هستند و در زبان فارسی باید بدون همزه پایانی و به شکل «املا، انشا، امضا، اجراء، استثناء، اهدا و...» به‌کاربرده شوند.
۱۱. اصطلاحاتی مانند «حُسن خوبی، سوابق گذشته، مدخل ورودی، گردن‌بند گردن، پارسال گذشته، قند شیرین، پس بنابراین، سایر شهرهای دیگر، شب لیلة‌القدر، صعود به بالا، سقوط به پایین، آتشکده زرتشتیان، ابر هوا، ابوی من، اخوی من، اجازه رخصت، اسطبل چارپایان، آدمک کوچک، از قبل پیش‌بینی کردن، ارکستر موسیقی، استارت شروع، اشتغال به شغل، استادیوم ورزشی، امروزه روز، اوج قله، با هم هم‌پیمان بودن، بدعت تازه، برکه آبگیری، پای پیاده، پس بدین سبب، پلک چشم، تاب تحمل، تحدید حدود، تخته وایت‌برد، تهویه هوا، جانشین خلف، تخم‌مرغ غاز، خاستگاه اولیه، جسد مرده، خانه‌سرا، خصوصیت ویژه، خلبان هواپیما، دهم عاشورا، نهم تاسوعا، دو طفلان مسلم، روزنامه‌های روزانه، دیشب گذشته، سرمه چشم، خانم کدبانو، سن شصت سالگی، سوال پرسیدن، سیر گردش کار، صداع سر، صدار اول، طراح طرح، شاهد عینی، فرد ضارب، فرد مهاجم، قالیچه کوچک، قحط‌الرجال مردان، عسل شیرین، راهب کلیسا، کامیون باری، کلبه محقر، کمدی خنده‌دار، گارد محافظت،

<sup>۵</sup> برای واژه‌هایی مانند «بهار، پاکت، پند، تراوش، ده، نگارش، نوازش و نمایش» هم باید علامت جمع فارسی «ها» به کار برد؛ واژه‌های که دخیل هستند؛ مانند «نمره، جفنگ، پاکت و...» هم با «ات» عربی جمع بسته نمی‌شوند. علامت «جات» هم وقتی با واژه‌ها به کار می‌رود، بر بیان نوع دلالت می‌کند. این توضیح بایسته است که «ج» صامت میانجی است و واژه‌هایی که به «ی»، «و» و «ا» ختم می‌شوند، این صامت میانجی را دریافت می‌کنند؛ مانند: مرباجات، ترشی‌جات، سبزی‌جات، شیرینی‌جات، طلاجات، داروجات و ...

<sup>۶</sup> کد+ بانو(خانه/ منزل+ خانم)

<sup>۷</sup> سوال معنای پرسیدن را می‌دهد و نباید دوباره تکرار شود.

<sup>۸</sup> نوعی نمایش خنده‌دار است که رذیلت‌های اخلاقی و مسائل اجتماعی را به تصویر می‌کشد.



- لته دندان، لزوماً باید، ماجرای گذشته، متحد شدن با هم، مردمک دیده، مثمر ثمر، مفید فایده، مسلح به سلاح، مسبوق به سابقه، مشغله کاری، مهور به مَهر، معطر به عطر، ملوان کشتی، منقش به نقش، ناهار ظهر، شام شب، نزول به پایین، مهمه صدا، نیمرخ صورت، یقین قطعی، ورطه نابودی و...» دارای «حشو» یعنی تکرار زاید هستند و کاربرد آن‌ها نادرست است.
۱۲. واژه‌ی «برخوردار» به معنی «بهره‌مند» است و درجایی به‌کاربرده می‌شود که مفهوم مثبت و مفید داشته باشد؛ مثلاً در عبارت «این اتاق از چشم‌انداز مناسبی برخوردار است»، واژه «برخوردار» در معنی درست خود به‌کاررفته است؛ اما اگر بگوییم «این بیمار از ضعف و کم‌خونی برخوردار است»، نادرست است.
۱۳. «حَقُّ» و واژه‌های دیگری که در زبان عربی تشدید پایانی دارند، مانند «سَدَّ، حَدَّ، مستحَقَّ و...» زمانی در فارسی تشدید می‌گیرند که بعد از آن کسره بیاید؛ مانند «حَقُّ من، سَدِّ کرج، مستحَقَّ کمک و...»؛ در غیر این صورت به تشدید نیازی ندارند.
۱۴. حرف «را» نشانه مفعولی بلافاصله بعد از مفعول می‌آید؛ بنابراین جمله «لباسی که دیروز خریدم را پوشیدم» نادرست است و باید گفت: «لباسی را که دیروز خریدم، پوشیدم.»
۱۵. «گذاشتن» به معنی قرار دادن و وضع کردن است؛ بنابراین قانون‌گذار، بنیان‌گذار و سیاست‌گذار درست است؛ اما «گزاردن» به معنی ادا کردن، به جا آوردن، انجام دادن و بیان کردن است، بنابراین نمازگزار، خوابگزار، سپاسگزاری و خدمتگزار درست است.
۱۶. جمع مکسر مربوط به زبان عربی است؛ مانند: علماء، کتب، علوم، مساجد و...؛ بنابراین واژه‌های فارسی همچون استاد و بستان به صورت اساتید و بساتین نادرست است.
۱۷. فعل «است» و «هست» را به جای یکدیگر نباید به کار برد: هست (به معنای وجود دارد): «در حیاط ما درخت نخل هست.» است (فعل اسنادی): «هوا سرد است.»
۱۸. تا حدّ امکان از طولانی‌گویی پرهیز شود. به عنوان نمونه به جای کاربرد «به رشته ی تحریر در آورد»، می‌توان گفت «نوشت» یا به جای «اقدام لازم را مبذول داشت» می‌توان گفت «اقدام کرد».
۱۹. «عدم» به معنی نیستی و نابودی است. از کاربرد آن برای ساختن متضاد و در معنای نداشتن خودداری شود، به جای «عدم قدرت» می‌توان گفت: ناتوانی.
۲۰. «باید» و «می‌باید» برای زمان حال و آینده کاربرد دارد. «بایست»، «می‌بایست» و «بایستی» به زمان گذشته اختصاص دارد و با فعل ماضی استمراری به کار می‌رود؛ بنابراین «او بایستی این کار را بکند»، نادرست است.
۲۱. حرف اضافه متناسب با دیگر اجزای عبارت به کار می‌رود. حرف اضافه نامناسب عبارت را نامتعارف و نادرست جلوه می‌دهد. برخی از فعل‌ها و اسم‌ها دارای حرف اضافه مخصوص<sup>۱</sup> به خود هستند، مانند: برخوردار (از)، متفاوت (با)، عشق (به)، مهارت (در)، نفرت (از)، آشنایی (با)، گنجیدن (در)، بردن (از)، باختن (به)، جنگیدن (با) و ...
۲۲. در دو جمله وقتی افعال تفاوت دارند، نمی‌توان فعل جمله اول را حذف کرد، چون قرینه ندارد. بنابراین «او کودکان را آماده و به پارک برد» نادرست است و باید گفت: «او کودکان را آماده کرد و آنها را به پارک برد.»
۲۳. از جمله‌های دویپلو و مبهم در نثر باید خودداری کرد. ننویسیم: محمد به برادرش گفت که قبول شده است. معلوم نیست منظور از کسی که قبول شده است محمد است یا برادرش.
۲۴. واژه «معدود» و «محدود» را در جای خود باید به کار برد. معدود برای شمارش به کار می‌رود: «افراد معدودی با ما آمدند». محدود، حد

<sup>۹</sup> حرف «را» در متون گذشته در معانی مختلف کاربرد داشته است: حکیمی را گفتند (را در معنی «به» حرف اضافه است)، او را دفتری است (در معنای رای مالکیت)، خدا را، خدا را (رای قسم) و ...

<sup>۱۰</sup> واژه‌های «خان، بندر، درویش، دستور، میدان، دهقان، خاتون، ترکمن، لر، ترک، کرد و افغان» باید با «ها» جمع بسته شوند و کاربرد «خوانین، بنادر، دروایش، دساتیر، میداین، دهاقین، خوانین، تراکمه، الراد، اتراک، اکراد و افغانه» نادرست است.

<sup>۱۱</sup> برخی نمونه‌های دیگر: آراستن (با)، آزدن (از)، آغشتن (به)، با، آزمودن (به)، با، آویختن (از)، به، اندودن (به)، با، بالیدن (به)، اندیشیدن (به)، پیچاندن (بر)، پیوستن (به)، تاختن (به)، درماندن (از)، گرویدن (به)، نوشاندن (به)، نهفتن (از)، برخاستن (از)، سپردن (به) و ...

<sup>۱۲</sup> برخی نمونه‌های دیگر: آشتی (با)، اختلاف (با)، ابلاغ (به)، ازدواج (با)، انکاب (بر)، توجه (به)، حمایت (از)، مذاکره (با)، مصاحبه (با)، مشاعره (با)، تمسک (به)، دخالت (در)، محول (به)، متارکه (با)، گله (از)، مجادله (با)، اصابت (به)، استفاده (از)، اشاره (به)، تلقین (به)، تکیه (بر)، تفهیم (به)، همراهی (با)، نبرد (با)، ستیز (با)، قهر (از)، با، شباهت (به)، وابستگی (به)، نزاع (با)، مضایقه (از)، اعزام (به)، بازدید (از)، اعتراض (به)، اعتیاد (به)، اقتباس (از) و ...

<sup>۱۳</sup> جمله‌هایی مانند (او دوست پنج ساله من است / سعید با پدر و مادر بیمارش نفرت / پدر مولوی، صاحب معارف، عارفی وارسته بود و ...) دارای ابهام و کژتابی است. کاربرد این جمله‌ها نادرست است.



- و مرز را مشخص می‌کند: «فضای کلاس محدود است».
۲۵. آمدن الف و لام (ال) بر سر واژه‌ها از ویژگی‌های زبان عربی است و آوردن آن بر سر واژه‌های فارسی، درست نیست. پس بهتر است از ترکیب‌هایی مانند «حسب‌الخواهش»، «حسب‌الفرموده»، «حسب‌السفارش»، «حق‌البوق»، «قصرالدشت»، «شکوه‌السادات»، «ایرانی-الاصل»، «دستورالعمل»، «نافذالفرمان»، «حسب‌الفرمان» و «قلیل‌الخرد» و... پرهیز کرد.
۲۶. تا حدّ امکان از به کار بردن فعل‌های «می‌باشد» و «می‌باشند» اجتناب کنید.
- «هوا آفتابی می‌باشد» نادرست و «هوا آفتابی است» درست است.
۲۷. «دلیل» به معنی «نشانه و راهنما» و علت به مفهوم «سبب» است؛ بنابراین بگوییم: «مسابقات به علت بارانی بودن برگزار نشد».
۲۸. «جهت» نشان‌دهنده «سمت و سو» است و نباید به جای «برای» یا «به منظور» به کار رود؛ بنابراین بگوییم: «برای استراحت به سفر می‌روم».
۲۹. از کاربرد فعل مجهول زمانی که نهاد جمله مشخص است، خودداری شود؛ بنابراین به جای «بوستان توسط سعدی سروده شد»، باید گفت: «سعدی بوستان را سرود».
۳۰. نباید به پیروی از مطابقت صفت و موصوف عربی، در زبان فارسی هم بین صفت و موصوف مطابقت ایجاد کرد؛ هرچند این عبارات از زبان عربی به زبان فارسی وارد شده باشند؛ پس به کار بردن «ابنیه معتبره، بانوی محترمه، والده مکرمه، قوانین منسوخه، متون قدیمه، نامه واصله، پرونده مختومه، همشیره مکرمه، خانم لیسانسه، کاغذ باطله و علوم مختلفه» نادرست است و باید گفت: «بناهای معتبر، بانوی محترم، مادر بزرگوار، قوانین منسوخ، متون قدیم، نامه رسیده، پرونده خاتمه‌یافته، خواهر مکرم، خانم لیسانس، کاغذ باطل و علوم مختلف».

### ➤ واژه‌های مشابه / متشابه

- یکی از مشکلاتی که در املاهای فارسی با آن روبه‌رو هستیم، وجود واژه‌های مشابه (متشابه) است. تعداد واژه‌های مشابه زبان فارسی کم، ولی تعداد واژه‌های مشابه دخیل زبان عربی بسیار زیاد هستند. واژه‌های مشابه (متشابه) به واژه‌هایی می‌گویند که در تلفظ یکسان، اما در نوشتن و معنی و هم‌ریشگی باهم تفاوت دارند. تشابه این واژه‌ها یا در آوا یا در نشانه‌ها یا در هر دو است. از این نظر این واژه‌ها بر سه نوع تقسیم می‌شوند:
۱. **واژه‌های هم‌آوا:** واژه‌هایی که از نظر تولید آوا (تلفظ) یکسان هستند؛ ولی از نظر نوشتاری متفاوت هستند؛ مانند: (خار، خوار)، (خوان، خان)، (خواست، خاست)، (ثواب، صواب)، (حیات، حیات)، (آلم، علم) و...
  ۲. **واژه‌های هم‌نویسه:** این واژه‌ها از نظر نوشتاری مانند هم هستند؛ اما از نظر آوایی تفاوت دارند؛ مانند: (گل، گِل) - (گشتی، گُشتی) - (مَشک، مَشک) - (نِشسته، نَشسته) - (می‌کُند، می‌کُند) - (می‌بُرد، می‌بُرد) - (ملک، مَلک) - (کشت، کُشت) - (شکر، شُکر) - (سَم، سُم) - (سحر، سحر) - (تَنگ، تَنگ) - (کرم، کِرم، کَرَم) - (چشم، چَشم) و...

۳. **واژه‌های هم‌آوا و هم‌نویسه:** این واژه‌ها هم از نظر نوشتاری و هم آوایی مانند هم هستند؛ ولی از نظر معنی متفاوت هستند.

شیر: شیر خوردنی	شیر: حیوان وحشی	ریش: موی صورت	ریش: زخم
سیر: کسی که گرسنه نیست	سیر: نوعی پیازچه	زهر: سم	زهر: گل وشکوفه
دوش: دیشب	دوش: شانه	بادیه: بیابان	بادیه: کاسه مسی
شارع: قانون‌گزار	شارع: راه، خیابان	زبان: عضو در دهان	زبان: زبان گفتار
رسته: رهاشده	رسته: صاف، بازار	پیچ: خم و تاب	پیچ: میخ فلزی

<sup>۱۴</sup> شایسته است به جای «دستور العمل» گفته شود: شیوه نامه.

<sup>۱۵</sup> معادل برخی از واژه‌های عربی: ابدالهر (همیشه)، جدیدالتاسیس (نوبنیاد)، جلیل‌القدر (محترم)، سهل‌الوصول (آسان‌یاب)، صریح‌اللهجه (رُک)، ضعیف‌النفس (سست‌بنیاد)، طویل‌القامه (دراز اندام)، عظیم‌الجثه (هیکلمند)، فارغ‌البال (آسوده)، فارغ‌التحصیل (دانش‌آموخته)، قسی‌القلب (سنگدل)، کثیرالانتشار (پرشمار)، کما فی السابق (مانند گذشته)، مفقود الاثر (گمشده)، صعب‌العلاج (دیر درمان)، خاتمه‌الامر (آخر کار).



دنده‌دار			
خور: نه	خیر: خوبی	گور: قبر	گور: گورخر
گاز: دندان گرفتن	غاز: انبر (گازانبر)	تنگ: کم‌پهنا و باریک	تنگ: دژهی کوه
روا: برآورده شدن	روا: جایزه، شایسته	روان: جاری	روان: روح، جان

تعدادی از پرکاربردترین واژه‌های متشابه که در زبان فارسی معمول است، در جدول زیر آورده شده است.

ابلق (سیاه‌وسفید)	اثیر (بالای کره زمین)	اسیر (گرفتار)	ابلق (رساتر)
اساس (پایه)	عسیر (دشوار)	عصیر (فشرده‌شده)	اثاث (وسایل خانه)
اطلال (مکان بلند)	أَحْس (بدتر)	أَحْص (ویژه)	اتلال (تپه‌ها)
اسم (نام)	احسان (نیکی کردن)	احسان (زن گرفتن)	اثم (گناه)
اهتزاز (جنبش کردن)	استرضاء (طلب خشنودی)	استرضاع (شیر خواستن طفل)	احتفاظ (خوشحالی، بهره)
ارضاع (شیر دادن)	اسراف (زیاده‌روی)	اصراف (گرداندن)	ارضاء (خشنود ساختن)
عریکه (خوی و منش)	اشباه (ماندها)	اشباح (جمع شَبَح)	اریکه (تخت)
عاجل (شتابنده، دنیا)	ارض (زمین)	عرض (پهنا)	آجل (آینده)
اضل (گمراه‌تر)	امر (فرمان)	عَمرو (اسم عربی)	اذل (خوارتر)
أعرب (دورتر)	أَمَل (آرزو)	عمل (کار)	أقرب (نزدیک‌تر)، عَقرب (کژدم)
اشیاء (چیزها)	انتساب (نسبت داشتن)	انتصاب (گماشته شدن)	أشیاع (پیروان)
إغناء (بی‌نیاز ساختن)	انزجار (بیزاری)	انضجار (دلسردی)	إقناع (قانع کردن)
افسح (گشاده‌تر)	أوان (هنگام)	عوان (پیشکار)	افصح (خوش‌بیان‌تر)
عقارب (کژدم‌ها)	بأس (خشم، شدت)	بَعث (برانگیختن)	أقارب (نزدیکان)
عَلَم (بیرق)	بحر (دریا)	بهر (برای، قسمت) «فارسی»	آلم (درد)
علیم (دانا)	برائت (بیزاری)	براعت (چیره‌دستی در علم و ادب)	الیم (دردناک)
القاء (تحریک کردن)	بَسْت (پناه، فعل بست) «فارسی»	بسط (گستردن، فراخی)	إلغاء (از کار انداختن)
بها (قیمت) «فارسی»	تَحِيَّت (زنده‌باد گفتن)	تهیت (اقامه کردن، تهیه)	بهاء (روشنی)
طابع (چاپ کننده)	تعویذ (پناه بردن)	تعویض (عوض کردن)	تابع (پیروی کننده)
تعویل (تکیه کردن)	تَغَلَب (به‌زور گرفتن)	تَقَلَّب (نادرستی کردن)	تأویل (برگرداندن)
تَعَلَّم (یادگرفتن)	تفریغ (تمام کردن حساب)	تفریق (جدا کردن)	تَأَلَّم (دردناک بودن)
تعدیه (متعدی کردن)	تَكْتَر (زیاد شدن)	تکثیر (شکستگی)	تأدیه (ادا کردن)
تهدید (ترساندن)	تکثیر (زیاد کردن)	تکسیر (زیاد شکستن)	تحدید (حدومرز معین کردن)



تخلیل (حل کردن)	تهلیل (لاله‌الاله تین (انجیر)	طین (گل)
ثبت (یادداشت کردن)	سبت (شنبه)	ثمر (میوه)
ثری (خاک و زمین)	سرا (خانه) «فارسی»	سمین (قربه)
ثمن (بهاوقیمت)	سمن (قربه‌ای)	سنا (روشنایی)
سفر (کوچ کردن)	صفر (ماه دوم قمری)	صواب (درست)
جحد (انکار کردن)	جهد (کوشش)	هار (سگ هار)
جذر (قطع کردن، ریشه)	جزر (کشش آب دریا)	حارث (برزگر)
حُبوب (دانه‌ها)	هُبُوب (وزش باد)	حراست (پاسبانی)
حارب (جنگ کننده)	هارب (گریزان)	همزه (حرف اول الفبا)
حَرَم (مکان محترم)	هَرَم (از اشکال هندسی)	حائض (زن حیض دیده)
هضم (گوارش)	هزم (شکست دادن)	هور (آفتاب، خورشید) «فارسی»
حاسد (بدخواه)	حاصد (دروگر)	حوضه (گودال آب)
حلیله (زن عقدی)	هلیله (نام دارویی است)	راعی (چوپان)
رازی (منسوب به شهرری)	راضی (خشنود)	ظاهر (آشکار)
رضاء (خشنودی)	رضاع (شیر خوردن)	ظهور (آشکار شدن)
زاغ (کلاغ سیاه)	زاق (رنگ آبی تند)	صبا (بادی که از شرق بوزد)
زخم (جراحت) «فارسی»	ضخم (کلفتی)	صیغت (صبغه-رنگ کردن)
زراعت (کاشتن)	ضراعت (زاری کردن)	صاعد (بالارونده)
زمین (کره زمین) «فارسی»	ضمین (عهده‌دار-ضامن)	سטר (نوشته-خط)
ستور (حیوان سواری) «فارسی»	سطور (جمع سطر)	صفر (تهی-خالی)
سُتوه (به تنگ آمده) «فارسی»	سطوح (جمع سطح-روبه‌ها)	سفیر (آوازبلبل-سوت)
سحر (جادو)	صهر (داق‌اد)	سلب (کندن و دور کردن)
سد (بستن)	صد (عدد ۱۰۰-گمراه)	صلیب (چوبه دار)
سدید (محکم)	صدید (گمراه-چرک و خون)	صلاح (خوشی-شایستگی)
سریر (تخت)	صریر (آواز قلم‌نی)	صُم (گر)
سریع (تند)	صریع (آنکه به سرگیجه دچار است)	صوره (قسمتی از قرآن مجید)
سُور (سوره‌ها)	صُور (صورت‌ها)	ضیاع (آبادی‌ها) ضیاع



(هدر کردن)			
سور (دیوار قلعه)	صور (شیبور)	عزم (قصد و آهنگ)	عظم (استخوان)
سَوَط (تازیانه)	صوت (آواز-صدا)	عزیمت (آهنگ، دعاوافسون)	عظیمه (بزرگ)
سیف (شمشیر)	صیف (تابستان)	غالب (چیره)	قالب (کالبد)
شست (انگشت ابهام)	شصت (عدد ۶۰)	غدیر (گودال آب)	قدیر (توانا)
غذاء (جنگ)غذاء (خوراک)	قضاء (فرمان-حکم اتفاق)	ذقن (چانه)	زَعَن (کرکس)
غُزَات (جنگجویان)	قضات (داوران)	ذکی (باهوش)	زَکی (پاکیزه)
حائل (فاصله)	هائل (ترسناک)	ذَلَّت (خواری)	زَلَّت (لغزش)
حیات (زندگی)	حیاط (قضا-خانه)	ذمیمه (نکوهیده)	ضمیمه (چسبانده شده)
ختا (اسم خاص)	خطا (لغزش وگناه)	ذمائم (جمع ذمیمه)	ضمائم (جمع ضمیمه)
ذرع (واحد اندازه طول)	زرع (کاشتن)	ظل (سایه)	ضل (گمراهی)
ذَمَّ (بدگویی)	ضَم (پیش چسباندن)	غیاث (فریادرس)	قیاس (سنجش-اندازه)
غربت (دوری از وطن)	قربت (نزدیکی)	فائز (رستگار)	فائض (بهره‌مند)
غرابت (نامناسب بودن)	قرابت (خویشی)	فَقرت (شکست ناتوانی)	فُطرت (سرشت)
غریب (دور از وطن)	قربیب (نزدیک)	فتور (سستی کردن)	فَظور (خوردن روزه)
غمز (سخن چینی)	غمض (بخشیدن گناه)	فَراغ (آسودگی)	فَراق (جدایی)
عَوْتُ (فریادرسی) عَوَص (فرورفتن در آب)	قوس (کمان)	فاسد (تباه)	فاصد (رگ زن)
کثره (زیادی)	کسره (حرکت زیر-)	محدور (پرهیز شده)	مَحْظور (منع شده)
مقتی (چاه‌کن)	مغتی (آوازخوان)	محسن (مرد نیکوکار)	محصن (مرد صاحب زن)
مأمور (امر شده)	معمور (آباد شده)	مرئی (دیده شده)	مرعی (رعایت شده)
مأمول (آرزو)	معمول (عمل شده)	مزمار (نی‌لیک)	مضمار (میدان-باطن)
متالم (دردناک)	متعلم (دانش‌آموز)	مستور (پنهان)	مسطور (نوشته شده)
مهجور (ممنوع)	مهجور (دور افتاده)	مستغل (صاحب‌ملک و غله)	مستقل (یابرجا)
مصائب (گرفتاری‌ها)	مصاعب (دشواری‌ها)	نثر (پراکندن-ضدنظم)	نصر (یاری کردن)
مغلوب (شکست خورده)	مقلوب (وارونه)	نحر (کشتن شتر)	نهر (جویبار)
مفرغ (نام فلزی است)	مفرق (محل جدایی)	نذیر (ترساننده)	نظیر (مانند)
منسوب (نسبت داده شده)	منصوب (گماشته شده)	نَسب (بستگی خانوادگی)	نَصَب (گماشتن - ضدعزل)
منزجر (بیزار)	منصجر (دل‌تنگ)	نغز (خوب و پسندیده) «فارسی»	نقض (شکستن پیمان)
ناظر (بیننده)	ناصر (سبز و شاداب)	نواهی (نهی‌کننده‌ها)	نواحی (اطراف)





وَهی (سستی)	وَحی (پیام غیبی)	هوا (اکسیژن و ازت ...)	گازتنفسی هوی (نفس)	خواهش
-------------	------------------	---------------------------	--------------------------	-------

## نکات دستوری

**جمله:** بزرگ‌ترین واحد زبان است که از یک یا چند گروه ساخته می‌شود و می‌توان آن را به دو قسمت نهاد و گزاره تقسیم کرد:  
فردوسی به زبان فارسی عظمت بخشید.

نهاد گزاره

جمله از نظر محتوا به چهار نوع تقسیم می‌شود: جمله پرسشی، جمله خبری، جمله تعجبی، جمله امری.  
**جمله خبری:** در این‌گونه جمله‌ها از وقوع کاری یا پذیرفتن حالتی خبر می‌دهیم. در پایان جمله خبری از نقطه استفاده می‌کنیم: اسفندیار نیرومند است.

**جمله امری:** جمله‌ای است که در آن انجام دادن یا ندادن کاری و پذیرفتن یا نپذیرفتن حالتی را طلب می‌کند. در پایان باید نقطه بگذاریم: در را ببند.

نکته: اگر در جمله‌ای دستور به انجام ندادن کاری باشد (فعل نهی)؛ باز هم آن جمله را باید جمله امری به حساب آورد: این گُل را نچین. (نهی)  
**جمله پرسشی:** در این نوع جمله‌ها، درباره کاری یا موضوعی پرسشی می‌شود. در پایان جمله پرسشی علامت (?) می‌گذاریم: آیا درس خوانده‌ای؟

**جمله تعجبی یا عاطفی:** در این نوع از جمله‌ها، یکی از عواطف انسانی خود را (تعجب، خشنودی، تاسف، آرزو، خشم و دعا) بیان می‌کنیم. در پایان جمله‌های تعجبی یا عاطفی از علامت (!) استفاده می‌کنیم: چه منظره زیبایی!  
هر جمله دو قسمت دارد: نهاد و گزاره

**نهاد:** واژه یا گروهی از واژه‌ها است که درباره آن خبری می‌دهیم؛ یعنی صاحب خبر است. در جمله «زنبور عسل شیره بهترین گل‌ها را می‌مکد»، «زنبور عسل» نهاد جمله است. گاهی نهاد بیش از یک واژه است: «کارهای اشتباه او مرا ناراحت کرد»، «کارهای اشتباه او» نهاد جمله است.  
**گزاره:** خبری است که درباره نهاد داده می‌شود: «شیره بهترین گل‌ها را می‌مکد»، گزاره جمله اولی است که به عنوان نمونه آورده شد.  
هر گزاره یک فعل دارد که هسته آن است؛ به عنوان نمونه «می‌مکد» فعل جمله بالا است.  
هر فعل دارای یک شناسه است که همیشه با آن است؛ شناسه، نشانه فعل است و همانند نهاد شخص فعل را معین می‌کند، مثل «د» در «می‌مکد». به همین دلیل شناسه را «نهاد پیوسته» می‌نامیم. شناسه فعل معمولا در شمار «مفرد و جمع» با نهاد مطابقت دارد.  
گاهی گزاره تنها از فعل تشکیل می‌شود: کبوتر می‌پرد.

گاهی علاوه بر فعل، اجزای دیگری نیز دارد:

**الف) مفعول:** گروه اسمی است که پس از آن نشانه «را» باشد یا بتوانیم این نشانه را به آن بیفزاییم.  
مشکران بت‌ها را می‌پرستیدند. مادر غذا پخت. در هر دو جمله «بت‌ها» و «غذا» مفعول است.

**ب) مسند:** واژه یا گروهی از واژه‌ها است که فعل اسنادی به آن نیاز دارد. در جمله «هوا سرد شد»، «سرد» مسند است.  
افعال اسنادی (ربطی): است، بود، شد، گشت (به معنای شد)، گردید (به معنای شد)، شود، بُود، باشد

**ج) متمم:** گروه اسمی است که پس از حرف اضافه بیاید و معنای فعل بدون آن ناتمام باشد. برخی از حرف‌های اضافه عبارتند از:  
از با به در برای تا  
چون بی نظیر همچون الی  
مگر بدون بهر غیر مانند جز پی مثل علی

دو نوع متمم وجود دارد:

۱- **متمم قیدی** (که قابل حذف شدن از جمله است و به معنی جمله لطمه‌ای وارد نمی‌سازد):

پرنندگان در بهار نغمه‌سرایی می‌کنند = پرنندگان نغمه‌سرایی می‌کنند.

۲- **متمم اجباری:** غیر قابل حذف شدن است و معنای جمله را ناقص می‌سازد: آب در کوزه می‌گنجد.



نکته) متمم اجباری خود بر دو نوع است:

الف) **متمم فعل** (افعالی وجود دارند که حرف اضافه خاص خود دارند، مانند: نازید، بالید، ترسید، جنگید، گنجید و ...) ب) **متمم اسم**: برخی اسامی نیز دارای حرف اضافه خاص خود هستند و با آوردن متمم معنای آنها در جمله کامل می‌شود، مانند: مهارت (در)، نفرت (از)، علاقه (به) ، عشق (به)، نیاز (به) و ...

علاوه بر اجزای اصلی جمله، نقش‌های دیگری نیز می‌توان در جمله یافت:

- **قید**: واژه یا واژه‌هایی هستند که برای توضیح بیشتر در جمله می‌آیند و تنها راه تشخیص آن، حذف کردن از جمله است. قیده‌ها بر دو نوع هستند:

#### الف) قیده‌های نشانه دار:

- ۱) واژه‌های که دارای تنوین (أ) هستند؛ مانند: معمولاً، مطمئناً، یقیناً و ...
- ۲) قیده‌های پیشوند دار: به‌خوبی، به‌آرامی، به‌تندی و ...
- ۳) متمم قیدی: در صبح، تا شیراز، به کی؟

#### ب) قیده‌های بی‌نشانه:

۱. قیده‌های مختص (قیده‌هایی که فقط نقش قیدی می‌گیرند: البته، ناگهان، هنوز، متأسفانه و ...)
۲. اسم مشترک با قید (اسم زمان و اسم مکان بدون حرف اضافه می‌توانند قید واقع شوند: آنها صبح جشن را برپا کردند... ما اینجا صبحانه خوردیم.)
۳. صفت مشترک با قید (صفت می‌تواند به صورت قید در جمله حاضر شود: دختر خوب (خوب صفت است) او خوب می‌نویسد. (خوب قید است).)

#### نقش‌های تبعی:

- ۱- **بدل**: توضیح بیشتری است برای اسم ماقبل خود: حافظ، شاعر بزرگ قرن هشتم، در شیراز می‌زیست.
  - ۲- **معطوف**: واژه‌ای که پس از (و) عطف می‌آید: نظامی گنجوی، مخزن الاسرار و هفت‌بیکر را سرود.
  - ۳- **تکرار**: واژه‌ای که تکرار واژه دیگری در جمله است: بهار آمد، بهار.
- با توجه به اجزای اصلی جمله، می‌توان چند جزیی بودن جملات را تعیین کرد:
- ۱- **جمله دو جزیی**: علی آمد. (فعل در این جمله ناگذرا است.)
  - ۲- **جمله سه جزیی**: نهاد + مفعول + فعل: باغبان سیب را چید.
- نهاد + متمم اجباری فعل + فعل: او از تاریکی نمی‌ترسد.
- نهاد + مسند + فعل: باغ سرسبز شد.

#### ۳- جملات چهار جزیی:

- الف نهاد + متمم + مفعول + فعل: گنجشک به جوجه‌هایش دانه داد.
- ب) نهاد + متمم + مسند + فعل: آنها به او مهندس می‌گفتند.

**افعال شبه ربطی**: افعالی وجود دارند که حضورشان با مسند کامل می‌شود. عمده این افعال عبارتند از:

گردانیدن و افعال هم معنی آن: نمودن، کردن، ساختن

نامیدن و افعال هم معنی آن: خواندن، گفتن، صدا کردن، صدا زدن

شمردن و افعال هم معنی آن: به شمار آوردن، به حساب آوردن

پنداشتن و افعال هم معنی آن: دیدن، دانستن، یافتن

ج) نهاد + مفعول + مسند + فعل: حافظ خود را رند می‌نامد.

د) نهاد + مفعول + مفعول + فعل: مادر کودک را غذا داد. (در این نوع جملات، یک مفعول به همراهی نشانه (را) و دیگری بدون (را) در کنار فعل می‌آید.)

#### جملات استثنایی:



**الف) جملات یک جزیی بدون فعل:** واژه‌هایی هستند که گاهی به تنهایی کار یک جمله را انجام می‌دهند؛ اما مانند جمله دارای نهاد و گزاره نیستند. این نوع جملات بر دو نوع است:

- ۱- گروهی که مانند دیگر واژه‌ها کاربرد ندارند؛ یعنی نهاد و مفعول و ... قرار نمی‌گیرد؛ بلکه برای بیان عواطف و احساسات یا راندن حیوانات به کار می‌روند: آه، آخ، آهای، به به، چخ و ...
- ۲- گروهی که واژه‌های معمولی زبان هستند که اگر تنها به کار روند، مفهوم یک جمله کامل را می‌رسانند: سلام، به سلامت، افسوس و ...

**ب) جمله‌های دو جزیی بی فعل:** جمله‌هایی که تنها از دو گروه اسمی ساخته می‌شوند و گزاره آنها بدون فعل می‌آید، مانند: شب خوش، دست‌ها بالا، زیارت قبول و ...

**ج) جمله‌های سه جزیی بدون فعل:** در ساختمان این نوع جملات، واژه «یعنی» به کار می‌رود که بین نهاد و گزاره ارتباط برقرار می‌کند و معادل فعل (است) به حساب می‌آید؛ مانند: ایثار یعنی فداکاری. زندگی یعنی عشق.

**واژه**

در زبان فارسی واژه یا اسم است یا فعل یا حرف.

➤ **فعل:** واژه‌ای که بر انجام گرفتن کاری یا روی دادن حالتی در زمان مشخص توسط شخص معین دلالت می‌کند. در جمله «من دیروز به شیراز رفتم.» کار رفتن در گذشته توسط «من» انجام پذیرفته است.

فعل دارای ویژگی‌هایی است:

۱) **شخص:** در زبان فارسی شش شخص برای فعل وجود دارد:

فعل ماضی	فعل مضارع	شخص	فعل ماضی	فعل مضارع	شخص
رفتم	می‌روم	اول شخص مفرد	رفتیم	می‌رویم	اول شخص جمع
رفتی	می‌روی	دوم شخص مفرد	رفتید	می‌روید	دوم شخص جمع
رفت	می‌رود	سوم شخص مفرد	رفتند	می‌روند	سوم شخص جمع

۲) **زمان:** فعل یا ماضی است (در گذشته انجام گرفته است) یا مضارع (در زمان حال انجام می‌گیرد) یا آینده (در آینده انجام خواهد گرفت). هر فعل دارای انواعی است، پیش از اینکه به انواع آن بپردازیم، دانستن چند اصطلاح ضروری است:

- **بن:** یا ریشه فعل هنگام صرف کردن فعل غیرقابل تغییر است و دو نوع است، بن ماضی و بن مضارع. برای ساختن افعال ماضی و آینده از بن ماضی استفاده می‌شود و برای ساختن فعل مضارع از بن مضارع.
- **بن ماضی:** مصدر بدون (ن) پایان آن؛ به‌عنوان نمونه بن ماضی رفتن، رفت است و بن ماضی گفتن، گفت.
- **بن مضارع:** فعل امر بدون (ب) آغاز آن؛ به‌عنوان نمونه بن مضارع رفتن، رو است و بن مضارع شنیدن، شنو.
- **صفت مفعولی:** (بن ماضی + ه): گفته، دیده، خریده، نوشته و ...

در جدول زیر، انواع افعال از نظر زمان همراه با کاربرد هر یک ذکر می‌شود:

افعال ماضی			
نام	شیوه ساخت	کاربرد	نمونه
ماضی ساده	بن ماضی + شناسه	انجام کاری به طور کامل در گذشته	رفتم
ماضی استمراری	می + ماضی ساده + شناسه	بیان کاری در گذشته به صورت پیوسته یا تکرار	می‌رفتم
ماضی نقلی	صفت مفعولی + است + شناسه	نقل قول انجام کاری در گذشته، اثر و نتیجه کاری در گذشته	رفته‌ام
ماضی بعید	صفت مفعولی + بود + شناسه	بیان کاری در گذشته پیش از رخ دادن کاری دیگر	رفته‌بودم
ماضی التزامی	صفت مفعولی + باش + شناسه	بیان کاری در گذشته همراه با احتمال، الزام و آرزو	رفته‌باشم



ماضی مستمر	داشت+شناسه+ماضی استمراری	بیان کاری در گذشته همزمان با کاری دیگر	داشتم می‌رفتم
------------	-----------------------------	--	---------------

افعال مضارع			
نام	شیوه ساخت	کاربرد	نمونه
مضارع اخباری	می+ بن مضارع+شناسه	بیان مطالب علمی، بیان کاری که اکنون در حال انجام است	می‌روم
مضارع التزامی	ب+ بن مضارع+شناسه	بیان احتمال، الزام و آرزو در آینده	بروم
مضارع مستمر	دار+شناسه+مضارع اخباری	بیان کاری که هم اکنون در حال جریان است	دارم می‌روم

فعل آینده			
نام	شیوه ساخت	کاربرد	نمونه
فعل آینده	خواه+شناسه+بن ماضی	بیان کاری که از این پس انجام می‌گیرد	خواهم رفت

(۳) گذر: فعل از نظر گذر، یا گذرا است یا ناگذرا یا دو وجهی.

▪ **ناگذرا:** فعلی که تنها با نهاد می‌تواند جمله کاملی بسازد؛ مانند: رفت، آمد، نشست، برخاست، خوابید، دويد، چرخید، گریست، پوسید.

▪ **گذرا:** افعالی که علاوه بر نهاد به اجزای دیگر مفعول یا متمم یا مسند نیز نیاز دارند.

۱- گذرا به مفعول: به مفعول نیاز دارند، مانند: شناخت، آورد، برد؛ دید، پوشید، کاشت، پاشید، بافت، دوخت، داشت، ساخت و ...

۲- گذرا به متمم: به متمم اجباری فعل نیاز دارند، مانند: جنگید، گنجید، نازید، بالید، برخورد، ترسید، رنجید و ...

۳- گذرا به مسند: به مسند نیاز دارند، مانند: بود، شد، گشت، گردید و ...

گاهی می‌توان فعل ناگذرا را به گذرا تبدیل کرد، البته تمامی افعال قابل گذرا شدن را ندارند، افعالی همچون «زیست»، «آسود» و «شتافت» هرگز گذرا نمی‌شوند و افعالی همچون «آمد»، «رفت»، «افتاد» و «ماند» نیز وقتی گذرا می‌شوند، به فعل دیگری تبدیل می‌شوند:

← علی آمد      او علی را آورد

← علی رفت      او علی را برد

← سنگ افتاد      او سنگ را انداخت

← من در آنجا ماندم      مادرم مرا در آنجا گذاشت.

اما برای تبدیل برخی از افعال به گذرا یا گسترش بخشیدن افعال گذرا می‌توان از فرمول زیر استفاده کرد:

بن مضارع فعل + ان + د/ ید      خندید/ خندانند      دويد/ دوانند

▪ **فعل دو وجهی:** برخی از افعال می‌توانند در جملات هم ناگذر و هم گذرا به کار روند، به این گونه از افعال، «دو وجهی» می‌گویند:

شیشه شکست(ناگذر)/ گربه شیشه را شکست (گذرا به مفعول).

برخی از این افعال عبارتند از: شکست، پخت، ریخت، بردی، گذاخت، گسست و ...

(۴) **معلوم و مجهول:** اگر فعل به نهاد جمله نسبت داده شود، فعل را معلوم می‌گویند؛ مانند: «علی نامه را نوشت»؛ اما اگر نهاد جمله

مشخص نباشد، فعل را مجهول می‌نامند؛ مانند: «نامه نوشته شد».

(۵) **وجه:** به کارکرد فعل در جمله، وجه فعل می‌گویند و بر سه نوع است: اخباری، التزامی، امری.



وجه اخباری	وقوع فعل به صورت مسلم و قطعی	باران می بارد.
وجه التزامی	وقوع فعل همراه با احتمال و التزام و آرزو	باران باریده باشد.
وجه امری	وقوع فعل همراه با دستور یا خواهش	باران بیار!

- ۶) ساخت: فعل از نظر ساختمان به سه نوع تقسیم می شود: ساده، پیشوندی و مرکب.
- الف) فعل ساده:** آن است که بن مضارع آن یک جزء باشد؛ مانند: آمده بود (آی)، می شنید (شنو)، خوابیده است (خواب)
- ب) فعل پیشوندی:** اگر به اول فعل های ساده «وند» افزوده شود، این فعل ها به فعل پیشوندی تبدیل می شوند؛ مانند: آمد (باز آمد، بر آمد، درآمد)، گشت (بازگشت، برگشت)، آورد (برآورد، بازآورد) و ...
- ج) فعل مرکب:** اگر پیش از فعل ساده یا پیشوندی یک یا چند اسم بیاید و با آن ترکیب شود، واژه حاصل، فعل مرکب است؛ مانند: او از خواسته هایش چشم پوشید. من به کارهای او ایمان آوردم. دیروز حادثه وحشتناکی روی داد.
- **اسم:** واژه ای است که برای نامیدن چیزی یا کسی به کار می رود. راه های تشخیص اسم از فعل عبارتند از:
- ۱- اسم می تواند همراه با علامت جمع بیاید: ساختمان ها
  - ۲- اسم می تواند همراه با (ی) نکره بیاید: ساختمانی
  - ۳- اسم می تواند با (این و آن) بیاید: این ساختمان
  - ۴- اسم می تواند نقش دستوری بگیرد. ساختمان را ببین. (ساختمان نقش مفعولی گرفته است).

اسم دارای انواعی است که در جدول زیر همراه با بیان نمونه آورده می شود:

شمار	مفرد	بر یک چیز یا یک فرد دلالت می کند	
		جمع	بر دو یا چند چیز یا فرد دلالت می کند و همراه با علامت جمع می آید.
	اسم جمع	بر گروهی دلالت می کند بدون داشتن علامت جمع.	
شناس	شناسا	شناخته شده است و مهم ترین نشانه آن (را) است.	
	ناشناس	ناشناس است و علامت آن (ی) نکره است.	
خاص و عام	خاص	بر شخص یا چیز خاصی دلالت می کند.	
	عام	می تواند علامت جمع یا ی نکره بگیرد.	
ساخت	ساده	یک جزء دارند و تقسیم پذیر نیستند.	
	مرکب	از دو یا چند جزء معنادار ساخته شده اند.	
	مشتق	از یک جزء معنادار و یک یا چند وند ساخته شده است.	
	مشتق-مرکب	از دو یا چند جزء معنادار و یک یا چند وند ساخته شده است.	

برای ساختن واژه های مشتق، مرکب و مشتق-مرکب می توان انواعی را برشمرد:

واژه های مرکب	
اسم + اسم = اسم	صندوق خانه، سنگ پشت، شتر مرغ، جانماز، کله گل، گلاب، شاهکار، دست بند
اسم + بن مضارع = اسم	گوش مال، دست بوس، هواپیما، آشپز، مداد تراش، نمک پاش، نامه رسان، کفگیر
صفت + اسم = اسم	سفیدرود، هزارپا، سه تار، نخست وزیر، چهل چراغ، سیاه چادر



ضمیر+ بن مضارع = اسم	خودنویس، خودرو، خودتراش، خودآموز
صفت+ بن مضارع = اسم	زیرنویس، بالاپوش، روکش، زودپز، دوربین
صفت+ اسم = اسم	بالادست، بالاخانه، زیرجامه، زیرزمین، زیربنا، پس‌کوچه، پیش‌پرده، پیش‌خوان
صفت+ بن مضارع = صفت	نزدیک‌بین، دوربین، تندنویس، زودگذر
اسم+صفت = صفت	قدبلند، بالابلند، گردن‌کلفت، ریش‌سفید
صفت+اسم = صفت	رادمرد، بلندقد، زیردست، خوش‌بخت، سفیدپوست، بدگمان
اسم+بن مضارع = صفت	خداشناس، وطن‌خواه، هیجان‌انگیز، طالع‌بین، خدایسند، رهگذر
ضمیر+بن مضارع = صفت	خودخواه، خودبین، خودروی، خودجوش، خویش‌ن‌دار، خویش‌ن‌شناس

واژه‌های مشتق- مرکب	
وند+ صفت مرکب = صفت	ناجوان‌مرد، ناخودآگاه، ناخوشایند
صفت مرکب / مشتق- مرکب+وند = اسم	کارشناسی، کارآموزی، کتاب‌فروشی، دست‌بوسی
اسم+بن+وند = اسم	اسم‌نویسی، آشتی‌کنان، آینه‌بندان، سربازگیری
بن+وند+بن = صفت	دانشجو، دانش‌آموز، دانش‌پژوه
بن+وند+بن = اسم	داد و ستد، خرید و فروش، زد و خورد
صفت+اسم+وند = اسم / صفت	هزارتومانی، دویستی، یک‌طرفه، دوساله، سه پایه، هرروزه
اسم مشتق+اسم = اسم	دانش‌سرا، دانش‌نامه
اسم+وند+بن = صفت	خدانشناس، زبان‌ن‌فهم، حقوق‌بگیر
اسم+وند+اسم = اسم / قید / صفت	سراسر، سرتاپا، دوشادوش، دست به دست، تختِ خواب، شانه به سر، گوش به زنگ

واژه های مشتق	
مهم‌ترین پیشوندها	
با+اسم = صفت	با ادب، با استعداد، باایمان، باهنر، باسواد، بانشاط
بی+ اسم = صفت	بی‌سواد، بی‌درد، بی‌علاقه، بی‌استعداد
نا+صفت = صفت	نامعلوم، نادرست، نامناسب، نامنظم
نا+اسم = صفت	ناباب، ناکام، ناشکر، ناسپاس، ناامید، نافرمان
نا+بن فعل = صفت	ناشناس، نادار، نارس، نایاب، ناگوار، ناتوان
هم+اسم = صفت	هم‌درس، هم‌وطن، هم‌خانه، هم‌خانواده، هم‌عقیده
مهم‌ترین پسوندها	
اسم+ی = صفت	تهرانی، زمینی، ماندنی، رفتنی، خوردنی، علمی، فنی
اسم+گی = صفت	خانگی، هفتگی، همیشگی، خانوادگی
صفت+ی = اسم	زیبایی، سفیدی، درستی، خوبی، درشتی
صفت+گی = اسم	آلودگی، مردانگی، پیوستگی
اسم+ی = اسم	بقالی، خیاطی، قضایی
اسم+گر = اسم	آهنگر، مسگر، زرگر، کوزه‌گر، آرایشگر، کارگر
صفت+گری = اسم	وحشی‌گری، مودی‌گری، یاغی‌گری، لابلالی‌گری
اسم / صفت+یت = اسم	وضعیت، شخصیت، جمعیت، موقعیت، مالکیت، مسئولیت
بن ماضی+ار = اسم	کردار، رفتار، گفتار، نوشتار، کشتار
بن ماضی+ه = صفت مفعولی	اقسرده، دیده، گرفته، نشانده
بن مضارع+ه = اسم	خنده، ناله، گیره، ماله، پیرایه، آویزه، اندیشه، ستیزه



اسم+ه = اسم	زبان، دهانه، گردنه، چشمه، لبه، دندان
صفت+ه = اسم	سفیده، شوره، سبزه، سپیده، سیاهه، دهه، هفته، هزاره
بن مضارع+ش = اسم	روش، گویش، بینش، نگرش، آسایش
بن مضارع+ان = صفت	گریان، دوان، روان، خندان
اسم+انه = اسم	صبحانه، شاگردانه، شکرانه
اسم+انه = صفت/قید	مردانه، زنانه، سالانه، روزانه، شبانه
صفت+انه = صفت/ قید	عاقلانه، محرمانه، متاسفانه، مخفیانه
صفت شمارشی+ گانه = صفت	دوگانه، پنج گانه، هفده گانه
بن مضارع+ نده = صفت	رونده، خورنده، گوینده، چرنده، خزنده
بن مضارع+ا = صفت	جویا، روا، کوشا، بینا، پذیرا، دانا
بن فعل = گار = صفت	ماندگار، آفریدگار، سازگار، آموزگار، رستگار
اسم+چی = اسم	قهوه چی، گاری چی، درشکه چی، معدن چی، پستچی
اسم+بان = اسم	باغبان، دربان، پاسبان، آسیابان، کشتی بان
اسم+دان = اسم	نمکدان، قلمدان، شمعدان
اسم+ستان = اسم	سروستان، گلستان، هنرستان
اسم+گاه = اسم	خوابگاه، شامگاه، سحرگاه، پالایشگاه
اسم+زار = اسم	لاله زار، گندم زار، ریگ زار، بنفشه زار
اسم+تیه = اسم/صفت	مجیدتیه، مدحیه، نقلیه
اسم+ک = اسم	طفلك، اتاقلک، مردک، عروسک
صفت+ک = اسم	زردک، سفیدک، سرخک
اسم+چه = اسم	قالیچه، صندوقچه، دریاچه
اسم+مند = صفت	ثروتمند، بهره مند، هنرمند
اسم+ور = صفت	هنرور، پهناور، بارور، سخنور، نامور
اسم+ناک = صفت	نمناک، غمناک، طربناک، سوزناک
اسم+وار/واره = صفت، قید، اسم	امیدوار، سوگوار، رودکی وار، علی وار، غزلواره، نامواره، گوشواره
اسم+گین = صفت	غمگین، اندوهگین، شرمگین
اسم/صفت+ین = صفت	آهنین، زرّین، زرّینه، دروغین، نوین، رنگین، چوبینه



# هوش و استعداد شغلی

درس - نکته - تست

قابل استفاده کلیه دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاه ها و داوطلبان  
کلیه آزمون های استخدامی، آزمون سردفتری اسناد رسمی و قضاوت

فاضل

مؤسسه آموزش عالی  
www.fazel.ac.ir



مؤلف

سیده عشرت هاشمی





- ۱..... بخش کلامی
- ۲..... طبقه بندی کلمات
- ۲..... نسبت کلامی (استدلال کلامی)
- ۴..... طبقه کلمات
- ۵..... کلمات متضاد و مترادف
- ۵..... معنی لغات
- ۶..... درک مطلب
- ۱۲..... مسائل تحلیل منطقی
- ۱۲..... تضعیف یا تقویت فرض مطرح شده در گزینه ها
- ۱۳..... نتیجه گیری
- ۱۳..... روابط بین عبارات استدلال
- ۱۴..... یافتن پیش فرضهای متن
- ۱۴..... استدلالهای شبیه به استدلال موجود در متن
- ۱۵..... یادآوری
- ۱۷..... سوالات مربوط به بخش کلامی
- ۲۸..... بازی با ریاضی
- ۲۸..... رابطه بین اشکال و اعداد
- ۲۸..... رابطه اعداد با خودشان
- ۲۹..... رابطه دو یا چند عدد با هم
- ۲۹..... رابطه بین تصاویر
- ۴۷..... تجسم تصویری (غیر کلامی)
- ۴۷..... انواع مختلف سوالات شکلی
- ۴۷..... (۱) رابطه بین شکلها
- ۴۸..... (۲) نسبت شکلها
- ۴۹..... (۳) چرخش اشکال
- ۵۰..... (۴) ترکیب شکلها
- ۵۱..... (۵) شمارش مکعبها
- ۵۲..... (۶) شباهت شکلها
- ۵۳..... (۷) گسترده حجم
- ۵۴..... سوالات مربوط به تجسم ریاضی
- ۶۹..... عبارت جبری
- ۶۹..... يك جمله اي
- ۶۹..... چند جمله اي
- ۶۹..... درجه چند جمله اي
- ۶۹..... اتحاد جبري
- ۷۰..... نامعادله
- ۷۰..... حل نامعادله
- ۷۱..... دستگاه معادله هاي خطي
- ۷۲..... نمونه سوالات در رابطه با معادلات خطی و چند جمله ای
- ۷۸..... نسبت
- ۷۹..... درصد



۸۰	تناسب
۸۳	تستهای مربوط به نسبت، تناسب و درصد
۹۲	مسائل متفرقه
۹۳	اتحادهای جبری
۹۴	همنهشتی
۹۴	باقیمانده تقسیم اعداد
۹۶	آنالیز ترکیبی
۱۰۰	مضرب
۱۰۱	مضرب مشترک
۱۰۱	کوچکترین مضرب مشترک
۱۰۵	مقلوب یک عدد
۱۰۷	تستهای مسائل متفرقه
۱۰۹	فهرست منابع



**درک مطلب**

در این‌گونه سوالات، متنی را به شما ارائه می‌دهند بعد از آن یک سری سوالات را مطرح می‌کنند. از شما انتظار می‌رود که بعد از خواندن متن، منظور اصلی نویسنده متن را دریابید و یا نتیجه‌گیری منطقی از متن داشته باشید و یا اطلاعات خاصی را در متن بیابید و یا عنوان مناسبی را برای متن انتخاب کنید. البته فراموش نکنید که همه این کارها را باید با سرعت و دقت، انجام دهید. برای پاسخ دادن به این سوالات، ابتدا گزینه‌های مطرح‌شده را مرور کنید تا متوجه شوید که طراح سوال بعد از خواندن متن، چه انتظاری از شما دارد. سپس، متن داده شده را به دقت مطالعه کرده و مطالب مهم و جملات کلیدی را مشخص کنید (می‌توانید زیر آن خط بکشید) تا اگر بعد از جواب دادن به سوالات دیگر خواستید به این سوال بپردازید، زمان را از دست ندهد. سه راه حل کلی برای پاسخگویی به سوالات درک مطلب پیشنهاد می‌شود:

(۱) خواندن دقیق تمام متن و سپس پاسخگویی به سوال‌ها.

(۲) ابتدا خواندن سریع متن، سپس رجوع به سوالات (بدون خواندن گزینه‌ها) و سپس تحلیل متن و پیدا کردن پاسخ سوال‌ها.

(۳) ابتدا خواندن سوال‌ها (بدون خواندن گزینه‌ها)، سپس خواندن دقیق متن و نهایتاً یافتن جواب سوال‌ها.

روش اول توصیه نمی‌شود. زیرا با توجه به پیچیدگی نسبی درک مطلب، نمی‌توان به راحتی به سوال‌های مطرح‌شده پاسخ داد و نیاز به رجوع دوباره به متن احساس خواهد شد. بنابراین پیشنهاد ما استفاده از روش‌های دوم یا سوم است. در روش دوم، شما به راحتی محل یافتن پاسخ سوال را پیدا می‌کنید و سپس به تحلیل می‌پردازید. در روش سوم، شما هنگام خواندن متن، پاسخ سوالات را نشانه‌گذاری می‌کنید.

سوالاتی که معمولا در این بخش درمورد متن وجود دارند، از چند دسته کلی هستند، از جمله:

(۱) بهترین عنوان برای متن یا موضوع کلی متن

(۲) بعد یا قبل از متن چه موضوعی دنبال خواهد شد.

(۳) بررسی وجود یا عدم وجود یک موضوع در متن

(۴) بررسی صحت یک موضوع با توجه به متن

و ...

دقت داشته باشیم که پاسخ سوالات در متن هستند و نیازی به دانستن مواردی خارج از آن (مثلا دانش قبلی درمورد موضوعی خاص) وجود ندارد حتی اگر احساس کردید که متن با دانش صحیح شما در تناقض است، فقط متن را در نظر داشته باشید. هنگام بررسی این متون، تکنیک‌های خاصی برای پاسخدهی به سوالات و یافتن محلی از متن که پاسخ در آنجا گنجانده شده، وجود دارد. سعی می‌کنیم در این درسنامه، تا حد امکان به بررسی این تکنیک‌ها بپردازیم.

**تکنیک اول**

سعی کنید در انتهای هر پاراگراف، ایده و موضوع آن پاراگراف را بنویسید. استفاده از این روش کار شما را برای یافتن پاسخ سوال‌ها در متن و همچنین یافتن ایده اصلی متن ساده می‌کند.

**تکنیک دوم**

هر متن معمولا سه بخش دارد. ابتدا معرفی، سپس تحلیل و استدلال و نهایتاً نتیجه‌گیری و بررسی چالش‌ها و فرصت‌ها. این سه بخش را تا حدودی می‌توان به پاراگراف‌ها نیز تعمیم داد. در ابتدای هر پاراگراف یک معرفی کوچک از موضوع آن پاراگراف، مقداری تحلیل و استدلال و نهایتاً نتیجه‌گیری وجود دارد. با توجه به تکنیک دوم می‌توانید موضوع هر پاراگراف را به راحتی پیدا کنید و در ادامه، یافتن پاسخ‌ها از متن نیز برای شما ساده‌تر می‌شود.

**تکنیک سوم**

همیشه اولویت را با گزینه‌ای بدهید که در متن بصورت مستقیم‌تری به آن اشاره شده است یا به عبارتی آن گزینه با دلایل محکم‌تری در متن قابل اثبات است.



### تکنیک چهارم

گزینه‌هایی که شامل جمله‌ای عین متن هستند، درصد صحیح بودن آن گزینه را پایین می‌آورند. برعکس گزینه‌هایی که شباهت زیادی به متن دارند و مثلا یک یا دو کلمه از آن‌ها تغییر کرده است (به طوری که مفهوم را تغییر ندهد)، با احتمال زیادی، پاسخ صحیح خواهند بود.

### تکنیک پنجم

اگر در گزینه‌ها با قیدهایی با اطمینان رخداد بالا مانند همیشه، حتما با صفت‌های تفضیلی مثل برترین یا ... مواجه شدید. بدانید که به احتمال زیاد آن گزینه پاسخ صحیح نیست و به جای آن گزینه‌هایی که قیدهایی که اطمینان کمتری از وقوع رخداد می‌دهند مانند بعضی اوقات، اغلب و ... یا دارای صفات افضل مثل بهتر یا سریع‌تر و ... هستند، با احتمال زیادی پاسخ صحیح مسئله هستند.

### تکنیک ششم

اگر در متن مشاهده کردید که زیر کلمه‌ای خط کشیده شده است، همانجا به سوال‌ها مراجعه کنید و سوال مربوط به آن کلمه را پیدا کنید. این‌گونه سوال‌ها معمولا به مفهوم و یا کلیت متن مربوط نیستند و نهایتا به همان پاراگراف محدود می‌شوند. پس به سرعت می‌توان پاسخشان را حدس زد. معمولا این کلمات وابستگی به کلمه‌ای دیگر دارند که حالا جایگزین آن شده‌اند.

### تکنیک هفتم

زیر کلمات ربطی خط بکشید. کلمات ربطی آن کلماتی هستند که دو جمله را به هم وصل می‌کنند. کار این کلمات این است که برای جمله قبل از خود، دلیل بیاورند (زیرا)، یا قطعی بودن آن را رد کنند (ولی، اما)، یا از جمله قبلی نتیجه‌ای بگیرند (بنابراین، بدین ترتیب) و ... این جملات مهم هستند و معمولا مورد پرسش قرار می‌گیرند.

### تکنیک هشتم

گزینه‌ها را با دقت تمام بخوانید، کلمات متضاد، قیده‌ها، حتی علامت‌های نگارشی می‌توانند معنی جملات را تغییر دهند. گاهی اوقات در گزینه‌ها دو کلمه متضاد استفاده می‌شود که نهایتا پاسخ صحیحی را می‌رساند که در متن به صورت مثبت ذکر شده است. به عنوان مثال، (به بدترین شکل رخ نمی‌دهد) می‌تواند مفهوم (به بهترین شکل رخ می‌دهد) یا (به شکل خوبی رخ می‌دهد) را برساند.

### تکنیک نهم

بخش درک مطلب، بیشتر از اینکه واقعا درک مطلب شخص را بسنجد، مدیریت زمان او را می‌سنجد. زیرا چالش پیش رو در مورد حل این دسته از مسائل، بیشتر کمبود وقت است تا یافتن پاسخ صحیح. پاسخ صحیح تمام سوالات در متن گنجانده شده است. پس اگر دیدید نمی‌توانید برای یک سوال به پاسخ صحیحی دست پیدا کنید، از آن بگذرید و وقت خود را بیهوده هدر ندهید.

### مثال

در طول چند سال گذشته روانشناسان علوم اجتماعی به این نکته پی برده‌اند که خلاقیت می‌تواند بسته به موقعیت‌ها و فضا، در افراد تغییر کند. البته سوالی که پیش می‌آید در باب همین موقعیت‌ها است و اینکه چه شرایطی افراد را خلاق‌تر می‌کند؟ یک پاسخ (فاصله یا مسافت روانی) است. بر طبق نظریه سطح ادراکی، هر چیزی که در لحظه اکنون آن را تجربه نمی‌کنیم، در چارچوب این نظریه است. همچنین تغییر دیدمان در باب یک مشکل خاص، نظیر تلاش برای گرفتن یک زاویه دید جدید از افراد دیگر یا تفکر در مورد یک سوال غیر معمول نیز در محدوده قابل تعریف است. بر طبق نظریه سطح ادراکی، فاصله روانی تاثیر زیادی روی ذهنمان از اشیاء دارد: به نحوی که مثلا خبرهای دور به نحو خلاصه و چکیده در ذهن نقش می‌بندد و چیزهای نزدیک محکم‌تر و بازتر در ذهن نمایان می‌شوند. یک گیاه ذرت را در نظر بگیرید. یک نمایش محکم و باز، به شکل و اندازه، رنگ، مزه و بوی آن بر می‌گردد. اما یک نمایش چکیده و خلاصه، ممکن است به ذرت صرفا به عنوان منبعی برای انرژی یا یک گیاه سریع‌الرشد بنگرد. این طرز نگاه ممکن است خواه ناخواه ما را به تفکر در مورد موضوعات دیگر در ذرت جلب کند. نظیر منبعی برای اتانول یا استفاده از گیاهان خاص برای مصرف کودکان.

بنابراین چیزی که این مثال نشان می‌دهد، این است که چطور تفکر به اصطلاح چکیده و خلاصه، به افراد کمک می‌کند که مفاهیم ظاهرا نامرتبط مثل گیاهان سریع‌الرشد (ذرت) و سوخت خودروها (اتانول) را به هم پیوند دهند و مفهومی نو بسازند. در مطالعات دقیق‌تر تاثیر فاصله



روی خلاقیت بررسی شد. در اولین بررسی، از شرکت‌کنندگان خواسته شد که

فهرستی از انواع راه‌های حمل و نقل را به عنوان یک آزمون کلی از خلاقیت تهیه کنند. همان طور که پیش‌بینی می‌شد، شرکت‌کنندگانی که از راه دوری آمده بودند، تعداد بیشتر و بهتری از راه‌های حمل و نقل را نسبت به شرکت‌کنندگان راه نزدیک ارائه کردند. در دومین بررسی نیز نتایج مشابهی حاصل شد. مثلاً یک مشکل مطرح شده بدین نحو بود: یک زندانی به فکر افتاد که از قلعه‌ای که در آن محبوس بود فرار کند. در اتاق خود طنابی پیدا کرد که تا نصف راه رسیدن به خارج قلعه و زمین را تامین می‌کرد. زندانی این طناب را به دو تکه تقسیم کرد و سپس دو تکه را به هم گره زد و فرار کرد. حالا بگویید چگونه؟ به این گونه مسائل، (مسائل بینشی) گویند. جواب این بود که زندانی طناب را از درازا به دو قسمت جدا کرده بود که توانست الیاف را به هم گره بزند و فرار کند. برای چنین مسائل بینشی، به یک دسته از شرکت‌کنندگان گفته شد که سوالات به وسیله یک موسسه در کالیفرنیا، یعنی دو هزار کیلومتر دورتر (شرایط فاصله) و به دسته دیگر گفته شد در ایندیانا، ۲ کیلومتر دورتر (شرایط بدون فاصله) طرح شده است. به سومین گروه، به عنوان شاهد، هیچ اطلاعاتی از موقعیت داده نشد. همان طور که انتظار می‌رفت، شرکت‌کنندگان در شرایط فاصله و مسائل بیشتری را نسبت به گروه شاهد و گروه بدون فاصله حل کردند. چون مسائل دورتر به نظر می‌رسیدند، آسان‌تر حل می‌شدند.

این دسته از مطالعات، نشان دادند که حتی کوچک‌ترین نشانه دال بر فاصله روانی، به خلاقیت بیشتر کمک می‌کند. اگر چه موقعیت جغرافیایی آزمایش‌های مختلف کاملاً نامرتب بود، صرفاً گفتن این موضوع که (این مسائل از جای خیلی دور می‌آیند) به تفکر خلاق‌تر منتهی می‌شد. در تحقیقات دیگری که تاثیر عملکرد مسافت موقتی را روی خلاقیت و بینش افراد مورد سنجش قرار می‌داد، از شرکت‌کنندگان خواسته شد یکسال بعد زندگی‌شان را تصور کنند (آینده دور) و یا یک روز بعد (آینده نزدیک). شرکت‌کنندگانی که یک روز را در آینده دور تصور می‌کردند، مسائل بینشی بیشتری نسبت به کسانی که روز بعد را تصویر کرده بودند، حل کردند.

این تحقیقات، کاربردهای علمی مهمی دارد. به ما می‌گوید که با برداشتن چند قدم ساده نظیر سفر به یک مکان دورتر و حتی ارتباط با افرادی که برای ما آشنا نیستند و پیدا کردن جانشین‌های غیر معمول برای موارد واقعی، خلاقیت خود را افزایش دهیم. بهتر است اضافه شود که شاید یکی از تاثیرات محیط مدرن که دسترسی افراد را به موسیقی، دیدنی‌ها و غذا از مسافت‌های دورتری برایمان فراهم می‌آورد، این باشد که به افزایش خلاقیت افراد کمک می‌کند. نه به خاطر مواجه شدن با انواع ایده‌ها، بلکه فراهم شدن زمینه آنچه که از آن به عنوان (تفکر چکیده‌ای) و (خلاصه‌ای) یاد شد.

#### ۱- متن فوق، به کدامیک از پرسش‌های زیر، پاسخ می‌دهد؟

- ۱) افراد در موقعیت‌ها و فضاهای مختلف، چه نوع خلاقیت‌هایی از خود نشان می‌دهند؟
- ۲) چگونه افزایش مسافت یا فاصله روانی، خلاقیت را افزایش می‌دهد؟
- ۳) تعریف خلاقیت بر طبق نظریه سطح ادراکی چیست؟
- ۴) روش‌های موجود برای آموزش فاصله روانی کدامند؟

#### ۲- کدام مورد، نظر نویسنده درباره مسافت روانی را به بهترین نحو بیان می‌کند؟

- ۱) آن را سرآغاز تفکر خلاصه‌ای می‌داند که با خلاقیت همبستگی دارد.
- ۲) آن را یک ویژگی فردی می‌داند که تحت تاثیر خلاقیت فرد، کم یا زیاد می‌شود.
- ۳) آن را عامل مهمی می‌داند که به درک بهتر لحظه اکنون، از طریق رشد خلاقیت کمک می‌کند.
- ۴) آن را یکی از ویژگی‌های محیط مدرن می‌داند.

#### ۳- کدام مورد، ساختار اطلاعاتی متن را به بهترین شکل ممکن، نشان می‌دهد؟

- ۱) مفهوم فاصله روانی را تعریف و توصیف می‌کند و مثال‌هایی از آن، ارائه می‌دهد.
- ۲) نتایج پژوهش‌های گوناگون را برمی‌شمرد و نهایتاً از آن‌ها نتیجه‌گیری می‌کند.
- ۳) پرسشی را مطرح، با ارائه دلیل و شاهد به آن پاسخ و در پایان، توصیه‌هایی مطرح می‌سازد.
- ۴) پیشنهادهایی برای به‌کارگیری مفهوم فاصله روانی ارائه می‌دهد.

برای پاسخ‌دهی به این مسئله، ابتدا خلاصه هر پاراگراف را می‌نویسیم.

**پاراگراف اول:** چه چیزهایی انسان را خلاق‌تر می‌کند؟ تعریف خلاقیت چیست؟



**پاراگراف دوم:** تاثیر فاصله ادراکی روی ذهن. تفکرات چکیده چگونه به خلاقیت

کمک می‌کنند؟

**پاراگراف سوم:** تعریف مسائل بینشی. تاثیر فاصله بر خلاقیت.

**پاراگراف چهارم:** مثال و تایید برای پاراگراف سوم.

**پاراگراف پنجم:** کاربرد تحقیقات صورت گرفته. احتمال تاثیر زندگی مدرن بر زیاد شدن خلاقیت. ارتباط فاصله روانی، خلاقیت و تفکر خلاصه ای یا چکیده‌ای.

**حال سوال‌ها را با دقت بررسی می‌کنیم و به آن‌ها پاسخ می‌دهیم.**

۱- در پاسخ به سوال اول، که از دسته سوال‌های یافتن موضوع متن است، با توجه به چکیده تمام پاراگراف‌ها و البته توجه به پاراگراف‌های ۱ و ۲، گزینه دوم صحیح است و تمرکز اصلی متن با مثال و تاییدیه‌ها بر روی تاثیر فاصله روانی بر افزایش خلاقیت است.

۲- این سوال از سوال‌هایی است که به دنبال موضوع خاصی در متن می‌گردد. با توجه به جملات انتهایی پاراگراف پنجم، تاثیر فاصله بر افزایش خلاقیت بخاطر فراهم شدن زمینه تفکر خلاصه‌ای است. پس گزینه اول صحیح است.

۳- این سوال ساختار متن را از نظر تعریف و مثال و استدلال و ... بررسی می‌کند. با توجه به چکیده پاراگراف‌ها و با توجه به ساختار پاراگراف‌های اول (پرسش)، دوم تا چهارم (مثال) و پنجم (توصیه)، گزینه سوم صحیح است.



قانونیار

## حقوق ثبت

محمد شعبانی  
میشم عبدالطه

- ♦ اراده مواد قانونی و نکات مهم مربوطه
- ♦ تست‌های برگزیده از آزمون‌های حقوقی
- ♦ بهره‌گیری از اراده وحدت رویه، نظریات مشورتی و ...
- ♦ به همراه برخی قوانین و این نامه‌های مرتبط
- ♦ ویژه آمادگی آزمون‌های حقوقی
- ♦ همراه با سوالات آزمون مشاوران سال ۹۶ و سردفتری ۹۷



## فهرست

۹	قانون ثبت اسناد و املاک کشور مصوب ۱۳۱۰/۱۲/۲۶
۹	باب اول: تشکیلات اداری ثبت
۱۳	باب دوم: ثبت عمومی
۱۳	فصل اول: اعلان ثبت و تحدید حدود
۲۸	فصل دوم: اعتراض
۳۹	فصل سوم: آثار ثبت
۷۳	باب سوم: ثبت اسناد
۷۳	فصل اول: مواد عمومی
۹۰	فصل دوم: آثار ثبت اسناد
۹۶	فصل سوم: در امانت اسناد
۹۸	باب چهارم: دفاتر اسناد رسمی
۱۰۰	باب پنجم: اجراء مفاد اسناد رسمی
۱۰۱	باب ششم: جرایم و مجازات
۱۱۴	باب هفتم: تعرفه و مخارج ثبت اسناد و املاک
۱۲۰	باب هشتم: مواد مخصوصه
۱۳۴	قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۱۰/۰۷
۱۴۵	آیین نامه اجرایی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۱/۰۴/۲۵
۱۶۵	آیین نامه قانون ثبت املاک مصوب ۱۳۱۷
۱۶۵	فصل اول: دفاتر ثبت اسناد و املاک
۱۶۷	فصل دوم: در شماره گذاری املاک و توزیع اظهارنامه
۱۷۳	فصل سوم: در درخواست ثبت
۱۸۳	فصل چهارم: در آگهی های نوبتی و تحدیدی و تعیین حدود املاک
۱۹۵	فصل پنجم: در اعتراض
۲۰۳	فصل ششم: در ثبت املاک در دفتر املاک و ثبت انتقالات ملک
۲۱۹	فصل هفتم: در وظایف محققین ثبت
۲۱۹	فصل هشتم: در مقررات مختلفه





۲۲۱.....	۱۳۳۳ مصوب	لابحه قانونی راجع به اشتباهات ثبتی و اسناد مالکیت معارض
۲۲۹.....	۱۳۳۳/۱۱/۰۶ مصوب	فهرست اشتباهات ثبتی مصوب
۲۳۴.....	۱۳۵۷/۰۸/۲۲ مصوب	قانون افراز و فروش املاک مشاع
۲۴۴.....	۱۳۵۸/۰۲/۲۰ مصوب	آیین نامه قانون افراز و فروش املاک مشاع
۲۴۷.....	۱۳۷۳ مصوب	قانون تعیین تکلیف پروندههای معترض ثبت که فاقد سابقه بوده و یا اعتراض آن ها رمراجع قضایی ازبین رفته است
۲۴۹.....	۱۳۵۴ مصوب	قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفترباران
۲۴۹.....		فصل اول: تشکیلات دفترخانه.....
۲۵۲.....		فصل دوم: انتخاب سردفتران و دفترباران و صلاحیت آن ها.....
۲۶۰.....		فصل سوم: مقررات مربوط به دفترخانه و وظایف سردفتران و دفترباران.....
۲۷۱.....		فصل چهارم: تعقیب و مجازات انتظامی سردفتران و دفترباران.....
۲۸۳.....		فصل پنجم: امور مالی.....
۲۸۸.....		فصل ششم: کانون سردفتران و دفترباران.....
۲۹۴.....		فصل هفتم: مقررات مختلفه.....
۳۰۰.....	۱۳۹۹ مصوب	آیین نامه قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفترباران
۳۲۹.....	۱۳۸۵/۰۶/۰۱ مصوب	قانون تسهیل تنظیم اسناد در دفاتر اسناد رسمی
۳۲۲.....	۱۳۸۶ مصوب	آیین نامه اجرایی قانون تسهیل تنظیم اسناد در دفاتر اسناد رسمی
۳۳۹.....	۱۳۷۸/۰۸/۱۷ مصوب	دستورالعمل نقل و انتقال سردفتران اسناد رسمی
۳۴۲.....	۱۳۸۷/۰۶/۱۱ مصوب	آیین نامه اجراء مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی
۳۴۲.....		فصل اول: تعاریف.....
۳۴۴.....		فصل دوم: صدور اجرائیه.....
۳۵۳.....		فصل سوم: ابلاغ.....
۳۵۷.....		فصل چهارم: ترتیب اجراء.....
۳۶۴.....		فصل پنجم: بازداشت اموال منقول.....
۳۷۴.....		فصل ششم: بازداشت اموال نزد شخص ثالث.....
۳۷۸.....		فصل هفتم: بازداشت اموال غیرمنقول.....
۳۸۳.....		فصل هشتم: ارزیابی.....
۳۸۵.....		فصل نهم: در وثیقه.....



۳۹۰	..... فصل دهم: مزایده.
۳۹۸	..... فصل یازدهم: تخلیه و ختم عملیات اجرایی.
۴۰۰	..... فصل دوازدهم: هزینه های اجرایی.
۴۰۳	..... فصل سیزدهم : شکایت از عملیات اجرایی و طرز رسیدگی به شکایات.
۴۰۸	..... فصل چهاردهم: امور متفرقه
۴۱۷	..... قانون ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶
۴۱۷	..... فصل اول: اختراعات.
۴۲۵	..... فصل دوم: طرحهای صنعتی
۴۲۸	..... فصل سوم: علائم، علائم جمعی و نام های تجاری.
۴۳۴	..... فصل چهارم: مقررات عمومی.
۴۳۸	..... بخشنامه های ثبتی.
۴۶۰	..... دستورالعمل تفکیک آپارتمان ها مصوب ۱۳۸۲/۰۵/۲۰
۴۶۶	..... دستورالعمل نحوه صدور سند مالکیت جدید مصوب ۱۳۸۹/۰۳/۱۷
۴۷۱	..... شیوه نامه اجرایی صدور سند مالکیت جدید (تک برگه) مصوب ۱۳۸۹
۴۷۹	..... قانون جامع حدنگار (کاداستر) کشور مصوب ۱۳۹۳/۱۱/۱۲
۴۷۹	..... فصل اول: تعاریف.
۴۷۹	..... فصل دوم: وظایف سازمان و سایر دستگاهها.



قانون ثبت اسناد و املاک کشور مصوب ۱۳۱۰/۱۲/۲۶.

باب اول: تشکیلات اداری ثبت

ماده ۱- در حوزه ابتدایی به اقتضاء اهمیت محل، يك اداره یا دایره ثبت اسناد و املاک تأسیس می شود. ممکن است هر اداره یا دایره ثبت دارای شعبی باشد.

نکته ۱: در سال ۱۳۵۲ اداره کل ثبت تبدیل به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور شد که زیر مجموعه قوه قضاییه است این سازمان در تهران واقع است و ریاست آن با معاون رییس قوه قضاییه است.

نکته ۲: در مرکز هر استان، یک اداره کل ثبت اسناد و املاک تأسیس شده که به تعداد استان ها در کشور می باشد. در شهرستان ها یک اداره ثبت، زیر نظر اداره کل ثبت استان مربوطه، انجام وظیفه می کند.

نکته ۳: سازمان ثبت چهار معاونت دارد که عبارتند از: الف: معاونت امور اسناد، ب: معاونت امور املاک، ج: معاونت امور اداری و مالی و برنامه ریزی، د: معاونت امور فنی و نقشه برداری

نکته ۴: در سال ۱۳۵۲ اداره کل ثبت تبدیل به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور شد که زیر مجموعه قوه قضاییه است این سازمان در تهران واقع است و ریاست آن با معاون رییس قوه قضاییه می باشد سازمان دارای چهار معاونت است که دو معاونت مهم آن امور املاک و امور اسناد است در تمام استان های کشور یک اداره کل ثبت اسناد و املاک همان استان وجود دارد و در هر شهرستان نیز یک اداره ثبت زیر نظر اداره کل استان انجام وظیفه می کند.

نکته ۵: منظور از حوزه ابتدایی، حوزه قضایی دادگاه شهرستان است که در نظام تشکیلات دادرسی کنونی دادگاه عمومی نامیده می شود.

۱- اجرای ثبت عمومی از وظایف کدام نهاد می باشد؟ (تالیفی)

الف) سازمان بازرسی کل کشور (ب) سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

ج) دیوان محاسبات کشور (د) ادارات ثبت احوال کشور

۲- سازمان ثبت اسناد و املاک کشور وابسته به چه نهادی است؟ (تالیفی)

الف) قوه قضاییه (ب) قوه مقننه (ج) قوه مجریه (د) سازمانی مستقل است

پاسخنامه

۱- ب ۲- الف

ماده ۲- مدیران و نمایندگان ثبت و مسئولین دفاتر و صاحبان دفاتر اسناد رسمی جز در محل مأموریت خود نمیتوانند انجام وظیفه نمایند؛ اقدامات آنها در خارج از آن محل، اثر قانونی ندارد.

نکته: طبق این ماده صلاحیت مأمورین ثبت و سردفتران اسناد رسمی از نظر انجام وظیفه منحصر به محلی است که در آنجا مأموریت دارند با این تفاوت که در مورد ثبت املاک باید به حوزه های مراجعه شود که ملک در حوزه آن قرار دارد مثلاً ثبت ملکی که در تهران واقع شده توسط



اداره ثبت اصفهان فاقد اثر قانونی است ولی در مورد تنظیم اسناد رسمی اموال غیرمنقول صلاحیت تنظیم سند توسط سردفتر صلاحیت کشوری است اما سردفتر نمی تواند دفتر خود را به خارج از حوزه صلاحیت خود انتقال داده و در آنجا مبادرت به تنظیم و ثبت سند کند و در صورتی که صاحبان دفاتر اسناد رسمی در خارج از حدود اختیارات خویش در جهت تنظیم اسناد اقدام کنند سند تنظیم شده فقط اعتبار سند عادی را دارد و سند رسمی محسوب نمیشود مثلاً اگر سردفتری که در تهران واقع است مبادرت به ثبت معامله مال غیرمنقول که در شهر قم قرار گرفته است در تهران بنماید سند تنظیم شده رسمی است اما اگر سردفتر تهران به شهر قم برود و در آنجا سند ملک واقع شده در قم را تنظیم کند این سند فقط عادی محسوب می شود ولی باطل هم نیست (برای اینکه موضوع را راحت تر یاد بگیرید این نکته را در ذهن داشته باشید که سردفتران اسناد رسمی می توانند مهمان قبول کنند ولی نمی توانند به مهمانی بروند).

۱- اقدامات صاحبان دفاتر اسناد رسمی خارج از حدود اختیاراتشان ..... (آیین نامه ۷۶)

الف) بایستی به تأیید دادگاه محل برسد.      ب) بایستی به تأیید ثبت استان برسد.

ج) بایستی به تأیید ثبت محل برسد.      د) اثر قانونی ندارد.

۲- سردفتری در تهران مبادرت به ثبت معامله مال غیرمنقولی می نماید که در قم؛ قرارداد آن تنظیم شده، سند مزبور: (مشاوران ۸۷)  
الف) معتبر بوده و واجد آثار قانونی است.

ب) چون نسبت به مال غیرمنقولی اقدام شده که در خارج از محل مأموریت سردفتر واقع است، اثر قانونی ندارد.

ج) در صورتی که به تأیید اداره ثبت اسناد و املاک قم برسد، معتبر است.

د) در صورتی که به تأیید سازمان ثبت اسناد و املاک کشور برسد، معتبر است.

۳- ثبت ملکی که در آبادان واقع است، توسط اداره ثبت اصفهان انجام گیرد، ثبت مذکور چه وضعیتی خواهد داشت؟ (تألیفی)  
الف) صحیح بوده و دارای اثر قانونی است.

ب) در صورتی صحیح است که به تأیید هیئت نظارت برسد.

ج) فاقد اثر قانونی است.

د) در صورتی صحیح است که به تأیید دادگاه محل وقوع ملک برسد.

#### پاسخنامه

۱- د      ۲- الف      ۳- ج

مواد ۳ و ۴ و ۵- ملغی شده است.

ماده ۶ (اصلاحی ۱۳۵۱/۱۰/۱۸)- برای رسیدگی به کلیه اختلافات و اشتباهات مربوط به امور ثبت اسناد و املاک در مقرر هر دادگاه استان، هیئتی به نام هیئت نظارت مرکب از رییس ثبت استان یا قائممقام او دو نفر از قضات دادگاه استان به انتخاب وزیر دادگستری تشکیل می شود. هیئت مزبور به کلیه اختلافات و اشتباهات مربوط به امور ثبتی در حوزه قضایی استان رسیدگی می نماید. برای این هیئت يك عضو علی البدل از قضات دادگستری یا کارمندان ثبت مرکز استان از طرف وزیر دادگستری تعیین خواهد شد.



نکته ۱: چون در کل کشور یک سازمان ثبت اسناد و املاک وجود داشته و در هر استان هم یک اداره کل ثبت اسناد و املاک زیر نظر سازمان ثبت وجود دارد بنابراین دو نوع نظارت هم وجود دارد: ۱- نظارت به صورت کشوری توسط شورای عالی ثبت ۲- نظارت استانی توسط هیئت نظارت ثبت استان

نکته ۲: طبق ماده ۲ آیین نامه اجرایی رسیدگی اسناد مالکیت معارض و هیئت نظارت و شورای عالی ثبت مصوب ۱۳۵۲ هیئت نظارت ثبت استان در مقر اداره کل ثبت اسناد و املاک هر استان تشکیل می شود و در محدوده حوزه قضایی استان خودش صلاحیت رسیدگی به کلیه اختلافات و اشتباهات ثبتی را دارد.

نکته ۳: هیئت نظارت از سه نفر تشکیل شده است مدیر کل ثبت استان یا قائم مقام دو نفر از قضات دادگاه تجدیدنظر استان به انتخاب رییس قوهقضاییه.

نکته ۴: ایجاد شعبه یا شعب دیگر هیئت نظارت در هر استان با تصمیم رییس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مقدور است.

نکته ۵: جهت مشاهده حدود صلاحیت و وظایف هیئت نظارت به ماده ۲۵ قانون ثبت اسناد و املاک مراجعه نمایید.

۱- طبق قانون ثبت هیئت نظارت ادارات ثبت دارای چند عضو است؟ (مشاوران ۸۰)

الف) دارای ۴ عضو است.      ب) دارای ۳ عضو است.

ج) دارای ۵ عضو است.      د) دارای ۶ عضو است.

۲- هیئت نظارت مرکب از چه کسانی است؟ (حقوق ثبت ۷۷ و مشاوران ۸۳ و ۸۴ و قضات ۸۹)

الف) رییس ثبت شهرستان و دو نفر قاضی

ب) رییس کل دادگستری و مدیر کل ثبت و یک سردفتر اسناد رسمی

ج) مدیر کل ثبت استان و قائم مقام وی و یک نفر قاضی

د) مدیر کل ثبت استان یا قائم مقام وی و دو نفر قاضی

۳- هیئت نظارت در ثبت استان با حضور چند قاضی تشکیل می شود؟ (تألیفی)

الف) یک      ب) دو      ج) سه      د) پنج

۴- مرجع رسیدگی به اختلافات و اشتباهات ثبتی کدام است؟ (مشاوران ۸۸)

الف) دادگاه عمومی محل      ب) هیئت تشخیص      ج) هیئت حل اختلاف      د) هیئت نظارت

۵- کدام گزینه در خصوص ترکیب اعضاء هیئت نظارت صحیح است؟ (سردفتری ۹۷)

الف) دو نفر از قضات دادگاه تجدیدنظر استان و مدیرکل ثبت استان یا قائم مقام او

ب) یک نفر از قضات دادگاه تجدیدنظر استان و یک نفر از سردفتران اسناد عضو سردفتران استان و مدیرکل ثبت استان

ج) دو نفر از قضات دادگاه شهرستان و رییس اداره ثبت اسناد و املاک مرکز استان

د) یک نفر از قضات دادگاه تجدیدنظر استان و یک نفر از اداره زمین شهری استان و مدیرکل ثبت استان



پاسخنامه

ب-۱      د-۲      ب-۳      د-۴

۵- الف ماده ۶ قانون ثبت در این خصوص مقرر می دارد: «برای رسیدگی به کلیه اختلافات و اشتباهات مربوط به امور ثبت اسناد و املاک در مقرر هر دادگاه استان هیئتی به نام نظارت مرکب از رییس ثبت استان (در حال حاضر مدیرکل ثبت استان) یا قائم مقام او و دو نفر از قضات دادگاه استان به انتخاب وزیر دادگستری تشکیل می شود.»

ماده ۷- دفاتر لازم برای ثبت اسناد و املاک و عده و نوع و ترتیب آن ها مطابق نظام نامه ای که از طرف وزارت عدلیه تنظیم می شود، معین خواهد شد.

نکته ۱: طبق ماده ۱ آیین نامه قانون ثبت دفاتر لازم برای ثبت اسناد و املاک و تعداد و نوع و ترتیب آن ها عبارت اند از: دفتر املاک، دفتر نماینده املاک، دفتر املاک توقیف شده، دفتر ثبت موقوفات، دفتر گواهی نمونه امضا، دفتر سپرده ها، دفتر توزیع اظهارنامه، دفتر املاک مجهول المالک، دفتر ثبت شرکت ها، دفتر اسناد رسمی، دفتر ثبت قنوات، دفتر آمار و ثبت اظهارنامه.

نکته ۲: دفتر املاک و دفتر ثبت قنوات در مرکز و کلیه شهرستان ها یک نسخه می باشد همچنین کلیه دفاتر مذکور مجلد بوده و به استثناء دفتر توزیع اظهارنامه و دفتر املاک مجهول المالک کلیه دفاتر باید تمام صفحات آن توسط دادستان شماره گذاری و مهر شود.

ماده ۸- مراجعه به دفاتر املاک برای اشخاص ذی نفع، مطابق مقررات نظام نامه وزارت عدلیه جایز است.

نکته ۱: دفتر املاک یکی از مهمترین دفاتر اداره ثبت می باشد که در آن، نام صاحبان املاک ثبت میشود. به موجب ماده ۲۱ قانون ثبت، قبل از صدور سند مالکیت، مالکیت مالکین املاک در این دفتر قید و ثبت میگردد.

نکته ۲: عمده ترین اشخاص ذی نفع موضوع این ماده مالکان و مجاوران املاک هستند البته در عمل نمایندگان ثبتی و حقوقی برخی سازمان ها نیز در راستای صیانت از حقوق بیت المال به دفاتر املاک مراجعه نموده و تحقیقات لازم را به عمل می آورند.

## باب دوم: ثبت عمومی

### فصل اول: اعلان ثبت و تحدید حدود

ماده ۹- در نقاطی که اداره ثبت موجود است از تاریخ اجرای این قانون و در سایر نقاط پس از تشکیل اداره یا دایره ثبت وزارت عدلیه حوزه هر اداره یا دایره ثبت را به چند ناحیه تقسیم کرده و به ثبت کلیه اموال غیرمنقول واقعه در هر ناحیه اقدام می کند.

نکته ۱: ثبت املاک به موجب قانون ثبت ۱۳۱۰ به صورت «ثبت عمومی» است، در این روش ثبت املاک، ابتدائاً اداره ثبت از طریق نشر آگهی به مردم اطلاع می دهد که املاک واقع در فلان بخش ثبتی از فلان شهرستان را می خواهد ثبت کند و از تاریخ معلومی مبادرت به توزیع



اظهارنامه می کند و از افراد می خواهد با تکمیل اظهارنامه و عودت آن به اداره ثبت تقاضای ثبت ملک خود را نمایند. قبل از این قانون طریق ثبت عادی املاک رایج بود. در این طریق، عملیات ثبت املاک با تقاضای مالک شروع و ادامه می یافت و مالکین برخلاف ثبت عمومی، اجباری برای ثبت املاک نداشتند.

نکته ۲: نخستین آگهی که در اجرای ثبت عمومی انتشار می یابد، آگهی ثبت عمومی یا آگهی موضوع ماده ۹ قانون ثبت میباشد. این آگهی به منظور اطلاع عموم از اجرای ثبت عمومی منتشر میشود.

نکته ۳: پیش نویس آگهی موضوع ماده ۹ در ۶ نسخه تهیه و به امضاء رئیس سازمان ثبت می رسد.

نکته ۴: آگهی ثبت عمومی فقط در یک نوبت و در روزنامه های کثیرالانتشار چاپ و منتشر میگردد.

نکته ۵: در آگهی ثبت عمومی ضمن معرفی حدود بخش یا قطعه ای که قرار است ثبت عمومی در آن محدوده انجام شود، تاریخ نشر آگهی مقدماتی موضوع ماده ۱۰ قانون ثبت نیز، در آن درج گردیده و به کسانی که حق درخواست ثبت دارند اعلان می گردد. هم زمان با انتشار آگهی مقدماتی، نسبت به شماره گذاری و پلاک کوبی و توزیع اظهارنامه اقدام میگردد.

نکته ۶: حوزه ثبتی، محدوده عملیاتی و اجرایی یک واحد ثبتی است.

نکته ۷: ثبت املاک به موجب قانون ثبت، الزامی است.

نکته ۸: مقصود از اموال غیرمنقول در ماده ۹ قانون ثبت، فقط اراضی و اعیان ایجاد شده بر روی اراضی که ملک یا حبس یا وقف یا مورد نذر یا وصیت باشند و نیز قنوتها و آب رودخانه ها و نهرهای منشعب از آنهاست. حقوق ارتفاقی و حقوق واگذار شده نسبت به اعیان از قبیل: رقبی، عمری و سکنی و معاملات راجع به انتقال منافع ملک، قابل ثبت می باشد. (غلامرضا شهری، حقوق ثبت اسناد و املاک، شماره ۲۳)

۱- اولین آگهی که به منظور ثبت املاک توسط اداره ثبت منتشر میشود، چه نام دارد؟ (مشاوران ۸۷)

الف) آگهی مقدماتی      ب) آگهی نوبتی      ج) آگهی ثبت عمومی      د) آگهی تحدیدی

۲- پیش نویس آگهی ثبت عمومی ..... تهیه و به امضاء ..... می رسد. (تألیفی)

الف) شش نسخه- مدیرکل ثبت استان      ب) سه نسخه- مدیرکل ثبت استان

ج) شش نسخه- رئیس سازمان ثبت      د) سه نسخه- رئیس اداره ثبت

۳- طبق قوانین موجود ثبت ملک. .... (مشاوران ۸۰)

الف) اختیاری است نه الزامی

ب) الزامی است مگر در مواردی که قانون آن را اختیاری بداند.

ج) الزامی است نه اختیاری

د) ثبت ملک در مرکز استان اجباری است و در سایر نقاط اختیاری

۴- آگهی ثبت عمومی ..... منتشر می گردد. (تألیفی)

الف) جهت اطلاع مالکین      ب) جهت توزیع اظهارنامه

ج) جهت اطلاع معترضین      د) جهت اطلاع مجاورت



۵- کدام گزینه صحیح است؟ (مشاوران ۹۶)

الف) کلیه اموال غیرمنقول قابل ثبت عمومی است.

ب) کلیه اموال منقول قابل ثبت عمومی است.

ج) بعضی از اموال غیرمنقول قابل ثبت عمومی نمی باشد.

د) هیچکدام

پاسخنامه

۱- ج      ۲- ج      ۳- ج      ۴- الف

۵- الف مستفاد از ماده ۹ قانون ثبت اسناد و املاک که در این خصوص مقرر داشته «در نقاطی که اداره ثبت موجود است از تاریخ اجرای این قانون و در سایر نقاط پس از تشکیل اداره یا دایره ثبت وزارت عدلیه حوزه هر اداره یا دایره ثبت را به چند ناحیه تقسیم کرده و به ثبت کلیه اموال غیرمنقول واقعه در هر ناحیه اقدام میکند».

ماده ۱۰- قبل از اقدام به ثبت عمومی املاک هر ناحیه، حدود ناحیه مزبور و اینکه املاک واقعه در آن ناحیه باید به ثبت برسد به وسیله اعلان در جراید، به اطلاع عموم خواهد رسید. اعلان مزبور در ظرف سی روز سه مرتبه منتشر می شود.

نکته ۱: آگهی ماده ۱۰ که معروف به آگهی مقدماتی می باشد، بعد از انتشار آگهی ثبت عمومی، ظرف مدت سی روز، سه مرتبه در اول و پانزدهم و سی ام ماه، در روزنامه های کثیرالانتشار منتشر و سپس عملیات ثبت عمومی در آن بخش ثبتی شروع میشود. بنابراین، آگهی مزبور در ظرف یک ماه، سه مرتبه به فاصله پانزده روز، انتشار مییابد.

نکته ۲: تاریخ انتشار اولین آگهی مقدماتی، ابتدای مهلت درخواست ثبت است.

نکته ۳: در آگهی مقدماتی، حدود ناحیه ثبتی و املاک واقع در آن ناحیه که باید ثبت گردد، درج و اعلان گردد.

نکته ۴: در مفاد آگهی مقدماتی به کسانی که حق درخواست ثبت دارند تذکر داده میشود، اگر شخصی در مهلت مقرر (۶۰ روز) درخواست ثبت ننماید ملک تحت تصرف او به عنوان مجهول المالك اعلان میگردد.

نکته ۵: در آگهی مقدماتی تصریح می شود، از زمان تاریخ انتشار اولین آگهی، عملیات مقدماتی ثبت از قبیل شماره گذاری املاک و نصب پلاک و توزیع اظهارنامه شروع خواهد شد.

۱- برای اقدام به ثبت عمومی املاک هر ناحیه که باید املاک آن ناحیه به ثبت برسد، آگهی چند نوبت منتشر می شود؟ (حقوق ثبت املاک ۸۶)

الف) دو نوبت، به فاصله ۳۰ روز یک بار      ب) سه نوبت، به فاصله ۱۵ روز یک بار

ج) دو نوبت، به فاصله ۲۰ روز یک بار      د) سه نوبت، به فاصله ۲۰ روز یک بار





۲- قبل از اقدام به ثبت عمومی املاک هر ناحیه، حدود ناحیه مزبور و اینکه املاک واقعه در آن ناحیه باید به ثبت برسد و به وسیله اعلان (آگهی) در جراید، به اطلاع عموم خواهد رسید. (مشاوران ۹۲)

الف) اعلان مزبور ظرف ۳۰ روز، سه مرتبه منتشر خواهد شد.

ب) اعلان مزبور ظرف ۳۰ روز، دو مرتبه منتشر خواهد شد.

ج) اعلان مزبور ظرف ۶۰ روز، سه مرتبه منتشر خواهد شد.

د) اعلان مزبور ظرف ۲۰ روز، سه مرتبه منتشر خواهد شد.

۳- انتشار آگهی مقدماتی در ثبت عمومی املاک برای چه هدفی است؟ (مشاوران ۹۶)

الف) اعلام به کسانی که حق درخواست ثبت ملک واقع در بخش معینه را دارد.

ب) اعلام به کسانی که حق اعتراض نسبت به ثبت ملک را دارد.

ج) اعلام به کسانی که حق اعتراض نسبت به تحدید حدود را دارد.

د) موارد ب و ج

۴- آگهی مقدماتی است، به ترتیب، چند نوبت و ظرف چند روز منتشر می شود؟ (مشاوران ۱۴۰۰)

الف) سه - ۶۰ (ب) دو - ۶۰ (ج) سه - ۳۰ (د) دو - ۳۰

پاسخنامه

۱- ب الف

۳- الف با توجه به مجموع اقداماتی که در عملیات مقدماتی ثبت انجام می شود می توان نتیجه گیری کرد که دو هدف در عملیات مقدماتی تعقیب می شود:

۱- شناسایی و تعریف دقیق ملک و حدود آن از طریق تعیین پلاک و تحدید حدود؛

۲- شناسایی مالکین و دارندگان حقوق ارتفاقی بر املاک، از طریق انتشار ادعای مالکیت مستدعیان (متقاضیان) ثبت (آگهی نوبتی و رسیدگی به اعتراضات).

۴- ج

ماده ۱۱ (اصلاحی ۱۳۱۷/۰۷/۱۰)- از تاریخ انتشار اولین آگهی مذکور در ماده ۱۰ تا شصت روز باید متصرفین به عنوان مالکیت و اشخاص مذکور در دو ماده ۲۷ و ۳۲ نسبت به املاک واقع در آن ناحیه به وسیله اظهارنامه، درخواست ثبت نمایند. اداره ثبت مکلف است تا نود روز پس از انتشار اولین آگهی مذکور، صورت کلیه اشخاصی را که اظهارنامه داده اند با نوع ملک و شماره ای که از طرف اداره ثبت برای هر یک معین شده در روزنامه ها آگهی نماید و این آگهی تا ۶۰ روز فقط در دو نوبت به فاصله سی روز منتشر خواهد شد. مأمور انتشار آگهی ها پس از انتشار و الصاق آگهی ها باید گواهی انتشار از کدخدای محل یا ژاندارمری یا پاسبان اخذ و تسلیم اداره ثبت نماید و در این موارد کدخدا و سایر مأمورین دولتی باید به مأمورین ثبت مساعدت نموده و گواهی لازم را به مأمور ثبت بدهند.

تبصره (الحاقی ۱۳۱۷/۰۷/۱۰)- در مورد اراضی و املاکی که آثار تصرف مالکانه فعلی کسی نسبت به آنها موجود نباشد درخواست ثبت از کسی پذیرفته می شود که بر مالکیت ی ا بر تصرف سابق خود به عنوان مالکیت یا بر تصرف خود به عنوان مالکیت یا قائم مقام قانونی مدارکی



داشته باشد. چنانچه تقاضای ثبت نسبت به این قبیل املاک به یکی از عناوین مذکور در دو ماده ۲۷ و ۳۲ باشد، در صورتی تقاضای ثبت پذیرفته می شود که تقاضاکننده، مدارکی بر عنوان مذکور یا بر تصرف سابق خود به آن عنوان یا بر تصرف کسی که تقاضاکننده قائم مقام قانونی او محسوب می شود داشته باشد.

نکته ۱: از آگهی موضوع ماده ۱۱ قانون ثبت با عنوان آگهی نوبتی نام برده میشود.

نکته ۲: اداره ثبت مکلف است تا نود (۹۰) روز پس از انتشار اولین آگهی مقدماتی، آگهی نوبتی موضوع ماده ۱۱ قانون ثبت را در مورد املاک واقع در بخش ثبتی مندرج در آگهی مقدماتی منتشر نماید. این آگهی در دو نوبت، به فاصله سی روز منتشر میگردد.

نکته ۳: پذیرش اظهارنامه از متقاضی ثبت ملک، تا وقتی است که آگهی نوبتی منتشر نشده است.

نکته ۴: مطابق ماده ۱۱ قانون ثبت علاوه بر انتشار آگهی باید نسبت به الصاق آگهی در اماکن مربوطه نیز اقدام شود که به آن، آگهی الصاقی نوبتی گویند.

نکته ۵: صدور آگهی نوبتی برای این است که، اسامی اشخاصی که درخواست ثبت کرده اند و مشخصات آنچه درخواست ثبت آن شده است، به اطلاع عموم برسد تا هر کس نسبت به درخواست ثبت مذکور اعتراض داشته باشد، در مهلت ۹۰ روز از نشر آگهی نوبتی، اقامه دعوا کند.

نکته ۶: مطابق بند ۲۸۷ مجموعه بخشنامههای ثبتی، یک نسخه از آگهی های الصاقی نوبتی و تحدیدی به ادارات دارایی، راه و شهرسازی، منابع طبیعی، آب و برق، اوقاف، سازمان زمین شهری، شهرداری، تعاونی و ... باید ارسال گردد.

نکته ۷: ثبت حقوق ارتفافی، در آگهی های نوبتی ذکر نمی شود ولی باید در زیر آگهی قید گردد که حق ارتفاق در موقع تحدید حدود در صورت مجلس تحدید، ذکر خواهد شد.

نکته ۸: فایده مهم آگهی نوبتی این است که هرکس ادعایی نسبت به ملک دارد در موعد قانونی دادخواست بدهد. در مورد املاک مجهول المالک، برای انتشار آگهی نوبتی، رعایت دستور ماده ۹۵ آیین نامه قانون ثبت املاک ضروری است و باقی مطالب درباره آگهی نوبتی املاک مجهول المالک، عیناً مانند سایر املاک است (جعفری لنگرودی، محمد جعفر).

نکته ۹: طبق اصلاحات جدید هیچ آگهی ثبتی در روزنامه رسمی چاپ نمی شود. لذا هر دو نوبت آگهی در روزنامه کثیرالانتشار درج میگردد.

نکته ۱۰: درخواست های ثبت قبول شده (اظهارنامه تنظیم گردیده) املاک، تاریخ انتشار آگهی های نوبتی آنها به شرح ذیل است:

۱- درخواستهای ثبت قبول شده در فروردین و اردیبهشت و خرداد هر سال در اول مرداد همان سال.

۲- درخواستهای ثبت قبول شده در تیر و مرداد و شهریور هر سال در اول آبان ماه همان سال.

۳- درخواست های ثبت قبول شده در مهر و آبان و آذر هر سال در اول بهمن همان سال.

۴- درخواستهای ثبت قبول شده در دی و بهمن و اسفند هر سال در اول اردیبهشت سال بعد.

۱- ملکی در تاریخ ۱۳۷۶/۰۴/۱۲ قبول ثبت شده (اظهارنامه تنظیم گردیده) تاریخ انتشار آگهی های نوبتی کدام است؟ (حقوق ثبت ۸۰)

(ب) ۱۳۷۶/۵/۱ و ۱۳۷۶/۶/۱

(الف) ۱۳۷۶/۵/۱ و ۱۳۷۶/۵/۲۰ و ۱۳۷۶/۶/۱۰

(د) ۱۳۷۶/۶/۱ و ۱۳۷۶/۶/۱۵

(ج) ۱۳۷۶/۸/۱ و ۱۳۷۶/۹/۱



۲- آگهی های ماده ۱۱ قانون ثبت (آگهی های نوبتی) در چند نوبت و به چه فاصله ای منتشر می شود؟

- (الف) دو نوبت به فاصله ۳۰ روز یک بار  
(ب) سه نوبت به فاصله ۳۰ روز یک بار  
(ج) سه نوبت به فاصله ۱۰ روز یک بار  
(د) دو نوبت به فاصله ۲۰ روز یک بار

۳- اظهارنامه خانه پلاک ۱۱/۱۲ در تاریخ ۱۳۸۰/۰۴/۱۶ پذیرفته شده است. تاریخ انتشار آگهی های ماده ۱۱ قانون ثبت (آگهی های نوبتی) را تعیین کنید : (مشاوران شهریور ۸۴)

- (الف) ۵/۱ و ۶/۱ / سال ۱۳۸۰  
(ب) ۶/۱ و ۷/۱ / سال ۱۳۸۰  
(ج) ۵/۱ و ۵/۲۰ / سال ۱۳۸۰  
(د) ۸/۱ و ۹/۱ / سال ۱۳۸۰

۴- اظهارنامه خانه پلاک ۱۸/۲۱ در تاریخ ۱۳۸۰/۰۶/۱۷ پذیرفته شده، تاریخ انتشار آگهی های ماده ۱۱ قانون ثبت (آگهی های نوبتی) کدام است؟ (مشاوران مرداد ۸۵)

- (الف) ۱۳۸۰/۰۸/۱ و ۱۳۸۰/۰۹/۱  
(ب) ۱۳۸۰/۰۷/۱۷ و ۱۳۸۰/۰۷/۲۷  
(ج) ۱۳۸۰/۰۷/۱ و ۱۳۸۰/۰۷/۱۷  
(د) ۱۳۸۰/۰۷/۱۷ و ۱۳۸۰/۰۷/۱۷

۵- اظهارنامه خانه پلاک ۸/۱۲ در تاریخ ۱۳۷۱/۱۰/۰۲ پذیرفته شده است، تاریخ انتشار آگهی نوبت اول ماده ۱۱ قانون ثبت، مورخ ..... و مدت اعتراض به آن ..... روز از تاریخ انتشار آگهی مزبور می باشد. (حقوق ثبت املاک ۸۶)

- (الف) ۱۳۷۲/۲/۱ - ۹۰ (ب) ۱۳۷۱/۱۱/۱ - ۶۰ (ج) ۱۳۷۱/۱۱/۰۲ - ۶۰ (د) ۱۳۷۱/۲/۱ - ۹۰

۶- اظهارنامه باغ پلاک ۵۴/۸ در تاریخ ۱۳۷۱/۱۰/۰۲ پذیرفته شده، تاریخ انتشار آگهی های نوبتی را ذکر نمایید . (مشاوران ۹۶)

- (الف) ۱۳۶۲/۷/۱ و ۱۳۶۲/۸/۱  
(ب) ۱۳۶۲/۶/۱۵ و ۱۳۶۲/۷/۱  
(ج) ۱۳۶۲/۸/۱ و ۱۳۶۲/۹/۱  
(د) ۱۳۶۲/۶/۲۰ و ۱۳۶۲/۷/۲۰

۷- تقاضای ثبت ملک از شخصی در اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۰ در اداره ثبت اسناد و املاک محل وقوع ملک پذیرفته شده است، اولین آگهی نوبتی ثبت ملک مذکور در چه تاریخی باید در روزنامه معین شده منتشر گردد؟ (سردفتری ۹۷)

- (الف) ۱۵ مرداد ماه سال ۱۳۹۰  
(ب) اول مهرماه سال ۱۳۹۰  
(ج) اول مرداد ماه سال ۱۳۹۰  
(د) اول تیرماه سال ۱۳۹۰

۸- آگهی نوبتی املاکی که تقاضای ثبت می شوند، چند نوبت منتشر می شود و مدت اعتراض به آن، چند روز است؟ (مشاوران ۹۹)

- (الف) یک - ۶۰ (ب) سه - ۳۰ (ج) یک - ۹۰ (د) دو - ۹۰

۹- فاصله بین انتشار نوبت اول آگهی نوبتی با نوبت دوم چند روز است؟ (مشاوران ۱۴۰۱)

- (الف) ۳۰ روز (ب) ۶۰ روز (ج) ۹۰ روز (د) ۱۲۰ روز

پاسخنامه

- ۱- ج ۲- الف ۳- د ۴- الف ۵- الف ۶- ج



۷-ج اداره ثبت مکلف است تا ۹۰ روز پس از انتشار اولین آگهی (آگهی موضوع ماده ۱۰ قانون ثبت- آگهی مقدماتی) نسبت به نشر اولین آگهی نوبتی اقدام نماید (ماده ۱۱ قانون ثبت).

د-۸ الف

ماده ۱۲ (اصلاحی ۱۰/۰۳/۱۳۲۲)- نسبت به املاکی که مجهول المالك اعلان شده اشخاصی که حق تقاضای ثبت دارند میتوانند در ظرف دو سال از تاریخ اجرای این قانون تقاضای ثبت نمایند و پس از گذشتن مدت دو سال معاملات راجع به آن املاک قبل از تقاضای ثبت در دفتر اسناد رسمی پذیرفته نمی شود و صدی ۲۵ از حقالثبت معمولی در موقع تقاضای ثبت علاوه دریافت خواهد شد و نسبت به املاکی که آگهی نوبتی آن منتشر نشده از تاریخ انتشار آگهی نوبتی مذکور در ماده ۱۱ معاملات این املاک به هیچ عنوان قبل از تقاضای ثبت در دفاتر اسناد رسمی پذیرفته نخواهد شد و پس از يك سال از تاریخ اولین آگهی نوبتی صدی ۲۵ از حق الثبت معمولی در موقع تقاضای ثبت علاوه دریافت خواهد شد.

نکته ۱: دفاتر اسناد رسمی پس از قبول اظهارنامه ملک میتوانند سند معامله تنظیم نمایند. لذا تنظیم سند معامله برای املاکی که فاقد اظهارنامه ثبتی باشد در دفاتر اسناد رسمی پذیرفته نمیگردد.

